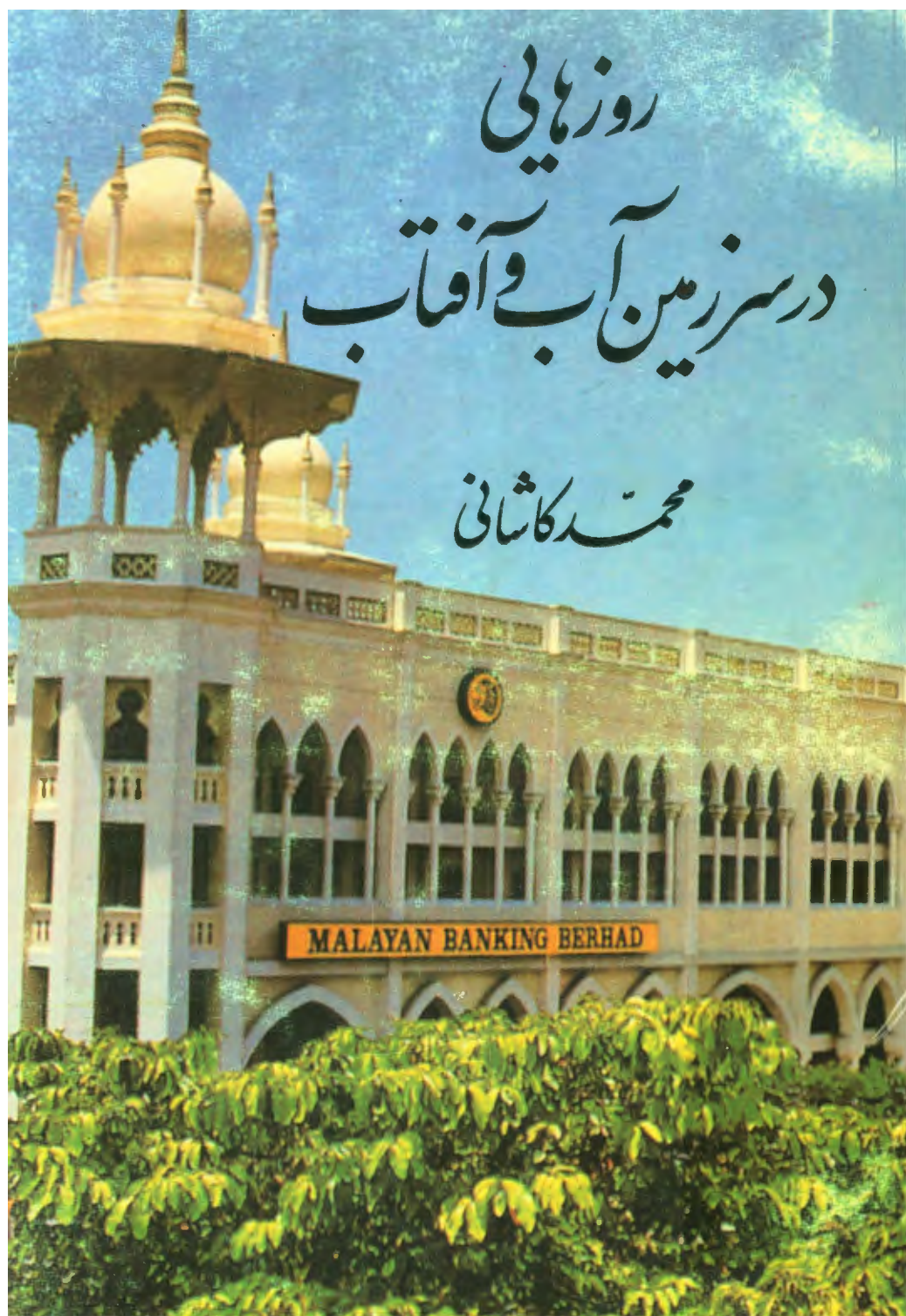


روزہائی در سرزمین آب و آفتاب

محمد کاشانی



قیمت ۱۵ تومان



انتشارات سکوری

کتاب خانہ سکوری، پلاک ۲۷

۵۱۵



کتابخانه
تاریخ و تمدن

اسکن شد

روزهایی

در سرزمین آب و آفتاب

(خاطرات سفر به کشورهای مالزی و سنگاپور)

محمد کاشانی



- * نام کتاب: روزهایی در سرزمین آب و آفتاب
- * نام مؤلف: محمد کاشانی
- * ناشر: انتشارات شکوری قم - خیابان آیت ا... نجفی
پاساژ قدس پلاک ۴۷ تلفن ۷۱۵۴۳۹
- * حروفچینی: «دنا»، ۳۷۷۲۸
- * نوبت چاپ: اول
- * تعداد صفحات: ۱۶۸
- * تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
- * قطع: رقعی
- * لیتوگرافی: حمید قم
- * چاپخانه: امیر قم - تلفن ۲۷۸۳۹
- * تاریخ چاپ: پائیز ۱۳۷۳

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹-۱۲	مقدمه

۱۳-۹۸

بخش اول- مالزی: اصفهان در شرق دور

۱۵	در فرودگاه مهرآباد
۱۶	در فرودگاه سوبانگ کوالالامپور
	ورود به شهر و آشنایی با زوج مسلمان
۱۹	در مسجد جامع کوالالامپور
۲۱	در میان صفوف نیایشگران
۲۳	مسجد صلاح الدین عبدالعزیز و معماری شگفت آن
۲۸	منطقه شاه علم
۳۰	مرکز بزرگ اسلامی مالزی
۳۲	پارك پرندگان
۳۳	مسجد جامع الوطنی (مسجد جامع میهن)

۳۵	ایستگاه راه آهن
۳۶	موزه بزرگ کوالالمپور
۳۹	معبد هندوها
۴۲	مخمّس شیخ بهایی
۴۴	الگوی از زندگی یک زوج مسلمان در مالزی
۴۵	حزب آمنو
۴۵	جنگ نفت بین متحدین و عراق
	اعتراف متحدین به متجاوز و آغازگر
۴۹	جنگ بودن عراق
۵۱	مرز دریایی کشورها
۵۳	کشورهای منفصل و مسائل دفاعی و امنیتی آنها
۵۴	موقعیت و اهمیت ژئوپولیتیکی کشورها
۵۵	نقاط مهم و استراتژیک جهان
۵۷	اهمیت منطقه مهم و استراتژیک مالاکا
۵۸	حیله های استعمار انگلیس
۶۰	مسئله جمعیت
۶۱	گریزی به مسئله جمعیت در ایران
۶۵	ترکیب جمعیتی و نژادی در مالزی
۶۶	مشخصات و موقعیت مالزی
۶۷	اهمیت و موقعیت استراتژیک مالزی در منطقه
۷۰	ورود اسلام در منطقه مالاکا
۷۱	ترکیب مذهبی در مالزی

۷۲	مذاهب مختلف و گرایشهای گوناگون آنها در اجتماع
۷۶	آموزش و بهداشت در مالزی
۷۷	تعطیلات و روزهای ملی در مالزی
۷۸	مطبوعات و رادیو تلویزیون
۸۰	محصولات کشاورزی و معدنی و صادرات آن
۸۵	حقوق و درآمد و میزان تورّم
۸۶	حمل و نقل و ارتباطات
۸۷	تاریخچه ورود انگلیس به منطقه
۸۹	حکومت
۹۰	تقسیمات کشوری
۹۴	وصفی از شهر کوالالامپور

۹۹-۱۵۲	بخش دوم- سنگاپور: کشوری به مساحت یک شهر
--------	---

۱۰۱	به سوی سنگاپور
۱۰۳	موقعیت نژادی، مذهبی و جغرافیائی سنگاپور
۱۰۴	خوف و رجاء در گمرک
۱۰۶	ورود به منطقه مرزی
۱۰۸	مجمع آموزشی، تبلیغی مسجد نور
۱۱۱	مترو سنگاپور
۱۱۲	جزیره سنتوزا
۱۱۴	در مسجد

- ۱۱۶ معرفی یکی از محله های معروف سنگاپور
- ۱۱۷ در معبد هندوها
- ۱۱۸ جشن سال نوچینی ها
- ۱۲۰ مذاهب مختلف و نژادهای گوناگون
- ۱۲۱ بحث همیشه داغ جنگ خلیج فارس
- ۱۲۴ خیابان اورچارد
- ۱۲۵ بار دیگر جزیره سنتوزا
- ۱۲۶ زوج استرالیایی در اصفهان
- ۱۳۲ بانو جوان شیعه سنگاپوری
- ۱۳۴ در سیتی هال
- ۱۳۶ صنعت توریسم در سنگاپور و مالزی
- ۱۳۹ ابن بطوطه این سیاح مسلمان
- ۱۴۰ توریسم در ایران
- ۱۴۳ در سنگاپور همه چیز برای توریست
- ۱۴۷ در فرودگاه چانگی
- ۱۵۰ با هواپیمای مالزی به سوی کوالالامپور (فرودگاه سوبانگ)

سخن اوّل

عصر فعلی، عصر ارتباطات، عصر شکستن مرزها و دوره تکامل روابط فرهنگی، اجتماعی، بین ملل مختلف است؛ در عصر کنونی، امکانات بسیار گسترده و پیچیده ارتباطی و وسایل مدرن حمل و نقل محدودیت ارتباطات انسانی بین جوامع مختلف را از بین برده است. در عصر فعلی، انسان بسیار فراتر از زمان و مکان خویش به پیش می تازد. در این میان جهانگردی و سفر به عنوان یک مقوله اساسی و مهم در زندگی بشر امروز مطرح است. بشر امروز دیگر مانند گذشته های دور و نزدیک در چهارچوب سرزمین خود محصور نمی ماند، انسان امروز مرزها را درمی نوردد، تا به ارتقای سطح فرهنگ، آگاهی و دانش و بینش و اطلاعات جدید دست یابد. دین مبین اسلام با سفر تغذیه شد و رشد کرد. بارزترین جلوه گاه این سفر در هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه نهفته است. موقعی که جبرئیل بر آن بزرگوار ظاهر شد

و گفت شب را باید در محلی غیر از خانه خود بیتوته کنی و سپس به یثرب بروی. اهمیت عظیم این سفر الهی نه تنها در اسلام بلکه در آینده عالم بشریت به قدری بارز است که می توان گفت مبداء تاریخ مسلمانان یک سفر است. سایر پیامبران الهی و بزرگان دین نیز سفرهای سرنوشت سازی داشته اند. اگر به تاریخ تمدن های گذشته و حال نظر بیفکنیم، مشاهده می کنیم که ملتها و مردمانیکه به سفرها و هجرت های بزرگ دست زده اند، از لحاظ تمدن و صنعت و تکنولوژی جلوترند. نمونه بارزی از آن را می توان در ملت آمریکا مشاهده کرد. قرآن کریم بارها انسانها را تشویق و ترغیب به سفر نموده و راز و رمز سفر را نیز یافتن دلیل شکست و پیروزی ملتها، و عاقبت بدکاران عنوان نموده است. هر سرزمینی تاریخی دارد و هر تاریخ عبرتی و هر عبرتی تجربه ای و هر تجربه ای راه هدایتی است در پیش پای انسانها. از این رو چون تاریخ مشرق زمین مملو از مبارزات و جنگها و پیروزیها و شکست ها و انقلابات مختلف بوده است؛ میل و علاقه من نیز به سیاحت و دیدار مشرق زمین بیشتر بوده و هست. از تمدن های بزرگی چون بودایی، برهمایی و اسلام گرفته تا رنگها و نژادها و ملیتها همه در این قسمت از جهان مجتمع

شده است.

اگر هم آن را به سرزمین عاطفه ها و فطرت‌های انسانی ملقب کنیم به بیراهه نرفته ایم. لذا، این دفتر دستاورد چهارمین سفری است که من در طول چندین سال بسوی شرق در پیش گرفته ام. شاید توشه‌ای درخور بگیرم، و آن را در قالب چنین نوشتاری به هموطنانم هدیه کنم. از این روی، داوری و برداشت شما خوانندگان عزیز از این گزارش هرچه باشد برای من مهم و قابل احترام خواهد بود.

از اسفند ۶۸ که هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، پروازهای منظم خود را به کوالالمپور اعلام نمود، در تدارك سفر به آن خطه بودم ولی توفیق یار نبود. مترصد موقعیتی مناسب جهت عزیمت به جنوب شرق آسیا بودم. تا اینکه بالاخره مثل همیشه لطف حضرت حق یار شد و توفیق و عنایت او همراه. با استفاده از تعطیلات کافی و وجوهات کافی ترا!! دهه سوم بهمن ماه سال ۱۳۶۹ به این سفر مبادرت ورزیدم. اکثریت قریب به اتفاق سفرنامه‌ها و گزارش‌های سفر که ظرف این مدت ده پانزده سال اخیر به رشته درآمد. حاصل مسافرت و سیاحت افرادی بوده که به عنوان مأموریت و با بودجه دولتی به سفر خارج رفته‌اید؛ یا در قالب خبرنگار و یا

همراه وزرا و نمایندگان دولتی و یا به عناوین دیگر. اما این حقیر که گزارش سفرش را درپیش رو دارید با بودجه شخصی و با جیب مبارك اقدام به سفر نموده. لذا، باری به جایی تحمیل نکرده است. باتوجه به این نکته و با درنظر گرفتن محدودیت امکانات شخصی، خوانندگان محترم کاستیهای آن را با دیده اغماض خواهند نگریست.

مجموع مطالب کتاب از سه قسمت بوجود آمده است:

— بخش اول دستاورد دیدار از مالزی است. و بلحاظ شباهتهای اجتماعی، مذهبی و فرهنگی موجود آن را «مالزی: اصفهان در شرق دور» عنوان داده ام.

— بخش دوم گزارش سفر من به کشور کوچک موسوم به سنگاپور است.

— بخش سوم در بردارنده تصاویری است که به دو کشور مالزی و سنگاپور مربوط می شود.

«والسلام»

محمد کاشانی

بخش اول

مالزی :

اصفهان در شرق دور

فرودگاه مهرآباد

ساعت ۶ صبح روز شنبه ۲۰ بهمن ۶۹

... سالن ترانزیت مملو از مسافرینی است که عازم کوالالامپور می‌باشند. با یک نظر کلی با سیمای همسفران خود آشنا می‌شوم و از تعدادی نیز انگیزه سفر را جویا. اکثر مسافران را افراد میانسال تشکیل داده و هدف خود را سیاحت و بازدید ذکر می‌کنند.

پرندۀ آهنین در ساعت ۹ ۱/۲ از زمین کنده می‌شود و سر مهماندار از اینکه تأخیر جزئی در پرواز پیش آمده، عذرخواه است. فضای دود گرفته تهران را پشت سر گذاشته و بسوی سرزمین آفتاب و دیار جزیره‌های شگفت: شرق دور در حرکتیم. ارتفاع از سطح زمین ۳۵۰۰۰ پا و طول مدت پرواز ۷ ساعت اعلام شد. چندین بار در طول مسیر موقعیت هواپیما اعلام شد: پاکستان، هندوستان - خلیج بنگال - تایلند و بالاخره «مالزی». نمایش دو فیلم سینمایی همراه با دو وعده غذا در طول پرواز، و نیز مطالعه نشریه داخل

پروازی هما (که این بار خوشبختانه به معرفی کشور مالزی پرداخته بود) خستگی ناشی از بعد مسافت را کاهش می داد.

«اقامت خوشی را در کوالالامپور برای شما آرزو مندیم. درجه حرارت هوای کوالالامپور ۳۲ درجه سانتیگراد بالای صفر برابر با ۹۰ درجه فارنهایت می باشد» اینها جملاتی بود که در اولین لحظات فرود از بلندگوی هواپیما اعلام شد. ساعت به وقت محلی ۱/۲ شب و به وقت تهران ۵ بعدازظهر می باشد^۱.

در فرودگاه سوبانگ کوالالامپور

در لحظه تركِ هواپیما، هوای گرم و مرطوب ناحیه استوایی را بر پوست خود لمس نمودم.

سالن ترانزیت و تأسیسات فرودگاهی بسیار عظیم تر از آن بود که تصور می کردم. فروشگاههای بسیار لوکس با فروشندگانی لوکس تر! که اکثراً مصنوعات مالزی را معرفی و به معرض فروش می گذاشتند در اولین لحظه توجه هر تازه واردی را به خود جلب می نمود. چیزی که بیش از همه توجه مرا به خود جلب نمود وجود دهها نوع نقشه و راهنما و

۱. چون ساعت در مالزی یک ساعت به جلو برده شده، ۴/۵ ساعت با ایران اختلاف دارد. درحالیکه طبق اصول جغرافیائی حدود ۳/۵ ساعت می باشد.

جزوه‌های اطلاعاتی پیرامون شهرها و مناطق دیدنی مالزی بود، که در دروازه ورودی کشور در اختیار تازه‌واردین قرار داشت. مطالعه هریک زمان زیادی می‌طلبید در اختیار گذاردن این همه نقشه و نشریه در این بعد وسیع، بصورت رایگان، مجموعاً جامع جمیع اطلاعاتی بود که هرکس می‌توانست استفاده کند. و نیاز خود را از بین آنها تأمین کند. این همه، همت و پشتکار و برنامه‌ریزی برنامه‌ریزان صنعت توریسم کشور مالزی را تداعی می‌کرد.

فرودگاه سوبانگ کوالالامپور همزمان سه پرواز از نقاط مختلف کره زمین را پذیرا شده بود، لذا دروازه‌های ورودی جهت رسیدگی به مدارك ورود، با ازدحام مواجه بود. دو بانک و یک دستگاه عظیم کامپیوتری کار تبدیل پول را انجام می‌دادند. که مسافر در بدو ورود و یا هنگام خروج با مشکل تبدیل پول مواجه نشود. واحد پول مالزی «رینگیت» نام دارد که هر دلار آمریکا برابر با ۲/۷ رینگیت می‌باشد و برابری آن با ریال هر رینگیت برابر ۶۰۰ ریال (در آن زمان). شوق دیدار از شهر و دیگر مناطق دیدنی مالزی مرا بر آن داشت که شب را تا صبح در فرودگاه خنک و خلوت سوبانگ کوالالامپور بیتوته و نقشه‌ها و راهنماهای موجود را مطالعه کنم تا صبحگاه با اطلاعات لازم و مورد نیاز وارد شهر شوم. برای کسی چون من که با جیب مبارك و بودجه شخصی (نه بودجه این اداره و آن

ارگان) اقدام به این سفر سیاحتی، تحقیقاتی نموده است. حداکثر استفاده از وقت ضرورت دارد. که اگر غیر از این باشد مغبون شده‌ام.

در این احوال، احساس کردم جوانی بیست و هفت، هشت ساله مرا زیرنظر دارد و تمایل به گفتگو در چهره او مشاهده می‌شود. من پیشدستی کرده باب مذاکره و گفتگو را با او باز کردم.

مسیحی بود و دانشجو. می‌گفت: در دیار ما انواع دین‌ها و نژادها و رنگها در کمال دوستی و برادری زندگی می‌کنند. و کسی را بخاطر دین و مذهب و نژاد و رنگ پوست بر دیگری برتری نیست. از جغرافیا و تاریخ و دیدنیهای مالزی و کوالالامپور، مرا در حدّ وسع آشنا نمود، از قیمتها و حمل و نقل نیز هم. با شیرکاکائو و چای در رستوران فوقانی فرودگاه از من پذیرائی نمود و دوستی و محبت خود را اینگونه به نمایش گذاشت.

در ساعت ۵ بامداد در نمازخانه کوچک و مجهز به کولر فرودگاه نماز صبح را اقامه نمودم.

غافل از آنکه ساعت ۶ صبح طلوع فجر است. دوباره به نماز ایستادم. بعد از فراغت از دومین نماز صبح! من بود که، کارمندان مسلمان فرودگاه جهت اقامه فریضه نماز به نمازخانه شدند، آنهم به جماعت. مرا نیز به جمع جماعت خویش دعوت

کردند. من هم بخاطر وحدت برای سومین بار پیایی به نماز شدم.
هر آنکه بی تو سفر کرد طعمه موج است
چرا که در شب طوفان چراغ را گم کرد^۱

ورود به شهر و آشنایی با زوج مسلمان در مسجد جامع

یکشنبه ۷ صبح ۲۱ بهمن

جهت عزیمت به شهر از اتوبوس استفاده کردم، انتخاب
هتلی مناسب هدف اولیه ام را تشکیل می داد. فاصله تا مرکز
شهر حدود ۱۰ کیلومتر و کرایه اتوبوس ۵/۱۰ رینگیت.
هتلی واقع در خیابان تونکو عبدالرحمن را برگزیده در آن
مستقر شدم.

عصر آنروز با هدف آشنائی با محیط اطراف به خیابان آمدم.
اکثر مغازه ها تعطیل بود، ادارات و بانکها نیز هم. در مالزی
تعطیل هفتگی به رسم اکثر کشورهای جهان روز یکشنبه
می باشد. طی بازدیدی که از مسجد جامع داشتم. ضمن اقامه
نماز ظهر و عصر شاهد سخنرانی مذهبی برای خانمها بودم که
سخنران با زبان ماله ای برای جامعه نسوان مسائل دینی را
آموزش می داد. جمعیت مستمعین حدود ۳۰۰ نفر بود از حسن

۱. شعر از قیصر امین پور.

استقبالی که در مسجد جهت استماع سخنرانی شده بود به وجد آمدم و پیش خودم عشق و علاقه زنان مسلمان به مسائل مذهبی را ستودم. در پایان با یکی از بانوان حاضر در مسجد به گفتگو ایستادم. ابتدا خود را معرفی کردم. دین، شغل، ملیت و هدف از مسافرتم را برای او بیان نمودم. شغلم را معلم و موآد تدریسم را تاریخ و جغرافیا و علوم دینی عنوان کردم، هدف از مسافرتم را نیز سیاحت و دیدن خواهران و برادران مسلمان این خطه.

در این حال همسرش از راه رسید، ما را به وی معرفی کرد. باکمال علاقه و اصرار از من دعوت بعمل آوردند که به منزلشان بروم. من هم قبول نموده با اتومبیل شخصی عازم شدیم در آن گرمای بعدازظهر کوالالامپور که حدود ۴۰ درجه سانتیگراد بود، خنکی مطبوع ناشی از کولر اتومبیل، همراه با دوستانی جدید و مسلمان که تازه با آنها آشنا شده بودم آرامشی جسمی و روحی به همراه آورده بود، دوستی و قرابتی که فقط براساس مذهب و مکتب حاصل شده بود. از خیابانهای شهر گذشته وارد بزرگراه شدیم، پس از پرداخت عوارض استفاده از بزرگراه با سرعت به سمت شمال حرکت نمود. منزل این خانواده دو نفره در فاصله بیست کیلومتری شمال شهر بصورت یک آپارتمان سه اتاق خوابه بود. که با احترام مرا به درون آن دعوت کردند. میزبان ۵۵ ساله و همسرش ۴۸ ساله می نمود مسلمان و باایمان

بودند، دارای ۳ فرزند، یک پسر و دو دختر بودند. فرزند پسر دانشجوی دندانپزشکی در آمریکا و فرزندان دختر متأهل و هردو کارمند، یکی در کوالالامپور و دیگری در «جزیره صباح» واقع در دریای چین جنوبی زندگی می‌کنند. فاصله ایالت صباح تا مرکز کشور مالزی حدود ۲/۵ ساعت با هواپیما می‌باشد. همسر اولی بازرگان و اهل اردن و همسر دومی مهندس می‌باشد. اطلاعات فوق را در طول مسیر شهر تا منزل از زبان میزبان شنیدم.

در میان صفوف نیایشگران

ساعت ۷/۵ عصر و نزدیک غروب آفتاب، هر دو لباس مخصوص نماز برتن، و عازم به مسجد جهت برگزاری نمازجماعت، من هم به اتفاق آن دو به مسجد عازم شدم. باران به نرمی می‌بارد و هوا نیز بسیار لطیف و مطبوع است. فاصله منزل تا مسجد را در عین نزدیکی با اتومبیل طی کردیم. صفها یکی پس از دیگری به ترتیب از جلو به عقب پر می‌شد و امام نیز با میکروفنی بر سینه نماز را آغاز نمود. اصلاً احساس غربت نکردم. چون خانه، خانه خدا بود و همه به سمت یک قبله و شعار و ذکر واحد بر لب. خدا و دین و کتاب و هدف مشترک. و همه برای لقاء و قربت به پروردگار به نماز ایستاده‌ایم. بعد از نماز مسلمین دست در دست هم آرزوی قبولی طاعات و عبادات

همدیگر را داشتند چه صفا و خلوصی بر این جمع کوچک حکمفرما بود، در فاصله هفت، هشت هزار کیلومتری مهبط وحی، چگونه مشرکان و کفار باور می داشتند که روزی شعار: «لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»، محقق شود و جامه عمل بپوشد. آیا این پیش بینی یکی از معجزات قرآن نبوده و نیست؟

«انَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» را عملاً و عیناً در آن وادی مشاهده کردم. همه نمازگزاران را برادران دینی خود یافتیم و برادرانه دست یکایک آنها را فشردم و عشق و علاقه تک تک آنها را دردل جای دادم. چرا که فقط زبان و نژاد و محلّ جغرافیائی زندگیمان متفاوت است و اصول و اعتقاداتمان همه یکی.

اینجا بود که در دلم به همه قاصدان تفرقه و فتنه گران جهانی نفرین نمودم. همانها که با معیارهایی همچون نژاد و قومیت و مسائل بسیار فرعی اعتقادی، امت بزرگ ما را در جهان دچار تجزیه و تشتت ساخته اند.

تمیزی مسجد رغبت انسان را جهت حضور در آن افزایش می داد. پس از نماز مغرب به منزل مراجعه نمودیم، پس از ساعتی تلویزیون جهت برگزاری نماز عشاء برنامه دعا و اذان پخش کرد، و مجدداً جهت برگزاری نماز به مسجد رفتیم. همانطور که در شهرها و استانهای شرقی و غربی کشورمان نیز وضع به همین منوال می باشد.

«امام خمینی» نیز ضمن دستورات خودسازی که به دانشجویان ایرانی مقیم هندوستان ارائه دادند تأکید نمودند: که نمازهای پنج‌گانه را در پنج نوبت بجا آورید. که گویا اهل سنت در این باب جدی‌تر بوده و هستند.

مسجد سلطان صلاح الدین و معماری شگفت آن

دربازگشت به منزل، دیدنی‌ترین و زیباترین مناطق قابل بازدید کوالالامپور و حومه را از آقای حاج ارحام (میزبان) جویا شدم. وی چندین محل زیبا و دیدنی را همراه با آدرس معرفی نمود. «مسجد سلطان صلاح الدین عبدالعزیز» واقع در منطقه شاه‌علم ۳۰ کیلومتری غرب شهر، یکی از آنها بود. که در دومین روز اقامت، عزم آن‌جا نمودم. طول مسیر پوشیده از جنگل و درختان کائوچو بود. کارگران مشغول تیغ‌زدن درختان و استخراج کائوچو بودند.

تمامی راه‌ها و جاده‌های منتهی به کوالالامپور بزرگراه‌های عریضی هستند که مشکل رفت و آمد به کلیه نقاط را مرتفع نموده‌اند. از فاصله چند کیلومتری گنبد بزرگ و مناره‌های بلند مسجد نمایان شد. شکوه و عظمت مسجد از فاصله چندین کیلومتری نمایان است، تمامی سلیقه و زیبایی را در بنای آن بکاربرده‌اند. و از هنر و معماری اسلامی در ساخت آن بهره‌برده‌اند. یک اثر بسیار بدیع و شگفت‌انگیزی است.

مساحت بنا و محوطه اطراف آن ۱۴/۶ هکتار می باشد. و مدت ۴/۵ سال بنای آن به طول انجامیده. کلیه رواقها و راهروها پوشیده از سنگهای قیمتی و زیباست. شبستان آن دارای دو سقف، که سقف اولی مسطح و سقف دوم مدور می باشد و گنبد بلند و آبی مسجد روی آن قرار دارد. گویا این بلندترین گنبد در جهان است. قطر گنبد ۵۲ متر و بلندای آن ۱۰۷ متر از سطح زمین ارتفاع دارد که با تأثیرپذیری از یک طرح سنتی اطراف آنرا، هم از داخل هم از خارج، آیات قرآن بصورت مدور پوشانده است. روکش گنبد از شیشه مذاب و آتش دیده در ۸۰۰ درجه سانتیگراد پوشیده شده است که تا صدها سال دیگر قابل دوام است. تمامی سطح شبستان پوشیده از موکت ضخیم با نقش اسلامی است و ساخت کشور بلژیک! در چهار طرف گنبد ۴ مناره قرار دارد ارتفاع هر مناره ۱۴۲ متر و سی سانتیمتر که بلندترین ارتفاع مناره در جهان می باشد. هر مناره توسط ۱۰۴ نورافکن روشن می شود و داخل هریک جهت صعود به مرتفع ترین نقطه آن آسانسور تعبیه شده است.

مساحت شبستان ۶۷۸۲ مترمربع است که می تواند ۱۰۰۰۰ نفر نمازگزار و ۱۶۰۰۰ نفر را نیز جهت گردش هم آئی سخنرانی در خود جای دهد.

اطراف شبستان نیز بالکن قرار دارد به مساحت ۲۴۱۵ مترمربع با ظرفیت ۴۰۰۰ نفر نمازگزار که جهت استفاده بانوان

در نظر گرفته شده است. ساختمان اداری مسجد و کتابخانه در ضلع غربی آن قرار دارد کتابخانه محتوی ۵۰۰۰ جلد کتاب و سالن آن ظرفیت ۴۰ نفر برای مطالعه را دارد. منبر ۱۱ متر ارتفاع و محل استقرار سخنران آن ۱/۵ متر مربع می باشد. این مسجد در تاریخ ۱۱ مارس ۱۹۸۸ توسط پادشاه مالزی افتتاح شده است.

مسجد دارای سه در ورودی بنامهای باب الملوك، باب الاحسان و باب رثوف می باشد. یک حوض بسیار بزرگ در جلو درب اصلی است که ۴ فواره دارد و ارتفاع فوران آب آنها به ۳۰/۵ متر می رسد. ده نفر کارمند، مسئول اداره مسجد و فعالیتهای مذهبی فرهنگی آن می باشند. یکی از کارمندان باکمال علاقه اطلاعات مربوط به مسجد را همراه با بروشورها و تصاویر بسیار زیبای آن در اختیار بازدیدکنندگان قرار می داد. حتی به انتخاب خدّام نیز توجه شده. تمامی آنها را جوانان حدود ۲۵ ساله تشکیل داده اند لوسترهای عظیم و گرانبها در نقاط مختلف مسجد تعبیه شده که بر زیبایی آن افزوده است. مقابل درب شمالی شبستان صندوق خیرات به شیوه خودمان قرار دارد. در همان لحظاتی که ما آنجا بودیم صندوق را باز کرده به شمارش وجوهات آن مشغول شدند. من هم نظاره گر بودم. ناگهان یک اسکناس صدتومانی ایرانی در داخل آن مشاهده کردم. پنداری یکی از هموطنان ما با صندوق کنار

مسجد محله شان اشتباه گرفته، اسکناس صدتومانی را از خدمه مسجد سلطان صلاح الدین عبدالعزیز گرفته و مطابق آن پول رایج در کشور مالزی را به وی پرداخت نمودم.

نوای روح افزای قرآن از بلندای مناره ها به گوش می رسد. «یا ایته‌ها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه، فادخلی فی عبادی، وادخلی جنتی». یکی از نامهای قرآن ذکر (یاد) است. یاد و ذکر این مطلب که چه جاذبه و کششی قرآن در قالب آیات و سوره خود داشته است که از ورای مرزها و اقیانوسها گذشته و به این سرزمین آمده. شبه جزیره ای در جنوب شرق آسیا. چه اعجازی در کار بوده که از اسپانیا تا استرالیا و از ژاپن تا آمریکای لاتین همه نفوذ اسلام و اسلامیّت را معترف باشند. «ورآیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا». واینک اذان و من به یاد بلال، مؤذن مقاوم و مؤمن و مخلص و منتخب رسول الله، آن زمان که در مسجد کوچک نبوی در مدینه با آوای خود مردم را به نماز فرامی خواند و در فتح مکه در سال هشتم هجری پس از شکسته شدن بت های جاندار و بی جان مکه، بر بلندای بام کعبه با فریاد: «الله اکبر واشهد أن لا اله الا الله» مهر بطلان بر تمام بت های مکه و سراسر عالم زد. شاید اگر بلال و بلالها در مقابل شکنجه های وحشیانه امثال امیه ابن خلف سمبل زرو زور مقاومت نمی کردند، در روزگاری که اسلام نهالی بیش نبود، اکنون فریاد رسای توحید از ماذنه های این مسجد و همانند آن

به گوش نمی‌رسید.

واکنون بعد از گذشت ۱۴۰۰ سال از آن زمان بت‌های جاندار و بی‌جان فراوانی اطراف ما را سیطره کرده و ما مسئول شکستن آنها و استقرار کلمه توحید در جهان، چه مسئولیت سنگینی، و ما همچنان غافل!

اذان، ذکر، تذکر، هشدار و بشارت است به ما. اجازه ورود است به حریم خدا، نماز. هشدار و بشارتی هر روزه و ما همچنان غافل. اذان به پایان رسید و مسئولیت همچنان باقی، وضو ساخته به مُصلّی شدم، تنها، چون فقط من و چند توریست اروپایی در صحن مسجد حضور داشتیم.

سرویس بهداشتی و وضوخانه مسجد بسیار تمیز و معطر و بهداشتی و اصولی بود، وضعیت چندی آور و مشمئزکننده‌ای که در بیشتر وضوخانه‌ها و سرویس‌های بهداشتی مراکز عمومی چون مساجد ما وجود دارد، اصلاً و ابداً به چشم نمی‌خورد. که برعکس. در احادیث و روایات مکرر ذکر شده که در موقع نماز زیباترین و بهترین لباسها را برتن کنیم. معطر و خوشبو و تمیز در مقابل خدا بایستم محل برگزاری نماز نیز باید همینطور باشد. اکثر مساجد ما بخصوص در روستاها و شهرهای کوچک به بهداشت و تمیزی مساجد توجهی نمی‌شود. و نمازگزارانی که بدون شستشوی پا و بدن حضورشان در مسجد باعث آزار دیگران می‌شود. مگر ما امت آن پیامبر نیستیم که می‌فرماید:

«الْإِنْفَاقَةُ مِنَ الْإِيمَانِ» و خود نیز بیشتر و بهتر از همه رعایت می نمود.

منطقه شاه علم و بازدید از اولین موزه

در منطقه شاه علم مجموعه ای شامل مسجد - هتل بزرگ - موزه و چندین فروشگاه بزرگ *Holliday - inn* (هالیدی این) قرار دارد. به منظور اشراف بر کل منطقه به مرتفع ترین نقطه هتل رفتم. اقیانوس هند فرودگاه سوبانگ - قسمتی از شهر کوالالامپور و جنگلهای کاتوچو در مقابل دیدگان من قرار گرفت کوالالامپور دارای چندین موزه بزرگ و زیباست. ساختمان این موزه سه طبقه است همکف - زیرزمین و طبقه اول. در راهروی ورودی موزه ماکت مسجد سلطان صلاح الدین عبدالعزیز قرار دارد که بسیار زیبا و ماهرانه ساخته شده است. تصویری از آن به یادگار گرفتم. بازدید را از زیرزمینی شروع نمودم. تاج و تخت سلطنتی یکی از شاهان گذشته در قسمت انتهائی سالن در معرض دید عموم قرار گرفته است. کجاست آن فرّ و شکوه دروغین شاهانی که خود را جاودانه می پنداشتند و جهان و جهانیان را فقط برای خود می خواستند و بس. «فاعتبروا یا اولی الابصار».

هر طبقه از موزه دارای دو متصدی است که توضیحات لازم را در اختیار بازدیدکنندگان قرار می دهند تصدی طبقه زیرین موزه

با زوج جوانی است که به تازگی مزدوج شده‌اند و هر روز از فاصله ۳۰ کیلومتری با موتور سیکلت به محل کار خود می‌آیند. در خانه همسر و در موزه همکار. آثار دیدنی این موزه بیشتر عتیقه و صنایع دستی است. کف موزه تماماً از موکت مفروش شده و می‌بایست کفشها را در مدخل از پای درآورد. ورود به مسجد نیز اینگونه بود.

به هنگام عصر از مجتمع فروشگاهی مجموعه شاه‌علم بازدید کردم. چندین سوپرمارکت و وظیفه توزیع انواع کالاهای لوکس و خوراکی را عهده‌دار بودند. حدود یکساعت به بررسی قیمت‌ها و مقایسه آن با ایران پرداختم. که گرانتر از ایران می‌نمود. از این رو قصد خرید هیچ کالائی را نداشتم. در راهرو بیش از ده دستگاه تلفن عمومی تعبیه شده بود. ظرف دو روز گذشته در کلیه اماکن مختلف اعم از خیابانها- میادین- ادارات- مساجد- مراکز خرید و ... شاهد تعداد زیادی تلفن عمومی بودم که هرکس در اسرع وقت می‌توانست با محل مورد نظرش در داخل و یا خارج از کشورش تماس برقرار کند. گویا دولت اهمیت ویژه‌ای به امر ارتباطات قائل است. شماره تلفن‌های کوالالامپور که وسعتی به اندازه اصفهان را دارا می‌باشد هفت رقمی است.

در ایران طی دو سه سال اخیر وزارت پست و تلگراف و تلفن فعالیت چشمگیری در زمینه واگذاری تلفن به افراد داشته است.

ولی متأسفانه هیچ گونه پیشرفتی در زمینه عرضه و افزایش تلفن های عمومی حاصل نشده.

سه شنبه ۲۳ بهمن

در برنامه امروز بازدید از مرکز بزرگ اسلامی مالزی- مسجد جامع الوطنی پارک پرندگان و موزه مالزی قرار دارد. کلیه اماکن فوق الذکر نزدیک به هم و در جنوب غربی کوالالامپور قرار دارد.

مرکز بزرگ اسلامی مالزی

پس از سال ۱۹۷۷ مسئولان پی بردند که بعنوان مرکز بزرگ اسلامی ضرورت یک بنای جدید، وسیع، مجهز و کامل احساس می شود قطعه زمینی به مساحت ۲/۴۳ هکتار در کنار «مسجد جامع الوطنی» انتخاب شد و نقشه آن طرح و توسط مهندس نیک محمد محمود به اجراء درآمد. بابت ساخت این بنا ۵۰ میلیون دلار مالزی هزینه شد تا اینکه در اول محرم سال ۱۴۰۰ هجری قمری به مناسبت آغاز پانزدهمین قرن هجری مصادف با نهم نوامبر ۱۹۸۰ افتتاح شد.

در معماری آن از کلیه تکنیک های معماری معمول در جهان استفاده شده، مهندس آرشتیک این بنا نیز محلی و فارغ التحصیل از دانشکده معماری لندن می باشد. طرح بنا و اصولی که در این ساختمان معظم بکار رفته سعی شده علاوه بر

استحکام و زیبایی از معماری اسلامی نیز بهره بگیرد. مورد دیگری که در این بنا رعایت شده، مسئله نور است. تمام اطاقها و سالنها و راهروها دارای پنجره‌های زیادی به بیرون است که از هر طرف و در هر ساعت از روز در معرض نور آفتاب قرار دارد. یکی از مسئولان مرکز می‌گفت: «همانطور که نور در صبحدم و هنگام غروب آفتاب به کوه زیبایی می‌بخشد و نور ماه در شب. ما حداکثر استفاده از نور را در بناهایمان می‌کنیم.» ولی ضمن اشاره به بناهای مهم و تاریخی جهان از جمله تاج محل درهند - مسجد قرطبه در اسپانیا، اهمیت استفاده از نور آفتاب را یادآور شد. این مرکز محل برگزاری مسابقات بین‌المللی قرائت قرآن می‌باشد که همه ساله از سراسر جهان قاریان برتر و برگزیده به مالزی می‌آیند، مالزی افتخار برپایی این مسابقات را دارا می‌باشد. از ایران نیز همه ساله قاریان برگزیده به مالزی اعزام می‌شوند و در مسابقات حفظ و قرائت قرآن شرکت می‌کنند.

با یک دید کلی به این نکته پی می‌برم که کلیه ساختمانهای قدیمی، از جمله بنای سلطان عبدالصمد، ایستگاه راه آهن و اداره راه آهن مخلوطی است از هنر معماری اسلامی با معماری غیراسلامی، که تلفیقی از این دو زیبایی بناها را صد چندان کرده و نمایشگاهی از زیبایی در خیابانهای کوالالامپور بوجود آورده است، این مرکز شامل چند بخش مختلف، از جمله:

خوابگاه طلاب- کلاسهای درس- ساختمان اداری- سالن بزرگ و عظیم جهت برگزاری مسابقات بین المللی قرآن، کتابخانه و ... می باشد.

پارك پرندگان

bird- park یا پارك پرندگان در ضلع غربی مركز بزرگ اسلامی و در فاصله ۵۰۰ متری آن قرار دارد. این پارك در دره ای واقع شده، شبیه پارك ساعی تهران. وسعت آن حدوداً ۱۰ هكتار می باشد و انواع پرندگانی را كه در جهان وجود دارد در خود جای داده است. تمامی پارك را با ارتفاع حدود ده متر از سطح زمین با توری پوشانده اند كه پرندگان فرار نکنند. و پارك با این وسعت بصورت قفس بزرگی درآمده، از گنجشك تا طاووس و از پلیكان تا طوطی. هم بصورت آزاد و هم در قفسهای كوچك جهت ارائه نمونه. پارك دارای تعدادی آبشار طبیعی و یک رودخانه كه از وسط آن می گذرد، می باشد، كه بر زیبایی آن افزوده است. ورودیه پارك ۳ رینگیت و مغازه ای نیز در مدخل ورودی آن به فروش و عرضه نوارهای كاست حاوی اصوات و الحان انواع پرندگان مشغول بود.

شناسنامه و مشخصات پرندگان هر قفس، كه نمونه های پرندگان در آن قرار داشت، در بالای آن نصب شده بود. با شنیدن صوت زیبای این همه پرنده همراه با نوای آبشارها

و درختان استوائی پارک منظره‌ای بدیع و حالتی فرح بخش به انسان دست می‌داد. سعی شده بود طبیعت را به همان صورت دست نخورده به نمایش بگذارند.

در فاصله ۲۰۰ متری پارک موزه کوچکی وجود داشت که تنها بازدیدکننده آن من بودم. در محفظه شیشه‌ای وسط سالن موزه ماکت بزرگی از مسجدالاقصی، قبله اول مسلمانان قرار داشت. گویا اینها هم قلبشان برای آزادی قدس می‌تپد. که قلب هر مسلمانی برای آزادی قدس می‌تپد. دوربین را آماده کرده تصویری از ماکت برداشتم که ناگهان چشم الکترونیک و مخفی موزه نیز تصویری از من برداشته بود و بلندگوی کوچک سالن موزه بالحنی محترمانه گفت: *Nophoto* گویا عکسبرداری در موزه ممنوع اعلام شده بود.

مسجد جامع الوطنی

مقابل مرکز اسلامی مالزی مسجد جامع الوطنی - *National mosque* قرار دارد. به هنگامه ظهر بازدید از آنرا آغاز نمودم. به روایت یکی از نشریات اسلامی، این مسجد مدرن‌ترین مسجد در جنوب شرق آسیاست. مساحت آن ۷ هکتار است و در روز ۲۷ اوت ۱۹۶۵ افتتاح شده. بنای آن سه سال به طول انجامید. و از هنر کلیه هنرمندان و مهندسين و آرشیكتهای ادیان مختلف استفاده شده است. و از فن معماری مساجد مختلف جهان از

قبیل مساجد هند- پاکستان- ترکیه- ایران- عربستان و اسپانیا استفاده شده است. ارتفاع تنها مناره این مسجد ۷۵ متر می باشد. بنای آن ده میلیون دلار مالزی هزینه دربرداشته است (۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان). زیربنای آن پنج ۵ هکتار و دارای پنج در ورودی و طبقه زیرین آن اختصاص به حمام- وضوخانه- کفشداری و محل استراحت و بیتوته افرادی که از شهرهای دیگر به کوالالامپور می آیند دارد.

شبستان آن پنج هزار نمازگزار را در خود جای می دهد. اداره مسجد زیر نظر هیئت دولت و فعالیتهای آن در زمینه برگزاری نماز جمعه- تدریس قرآن- چاپ نشریه و رساله دینی بصورت هفتگی، استقبال و پذیرائی از زوار داخلی و خارجی، برگزاری مراسم دینی و جشنواره های مذهبی می باشد. راهروها و رواقهای طولانی با ستونهای از سنگ سفید و گرانها اطراف مسجد را دربر گرفته. حوض بسیار بزرگ مستطیل شکل آن مانند چهل ستون اصفهان تصویر ستونها را در خود جای داده و به زیبایی و عظمت بنا افزوده است. من وقتی که معماری این مسجد و مراکز و مساجد دیگر مالزی را دیدم، از تقارن و تشابه فرهنگی آن سرزمین با میهن خود و آثار تاریخی اصفهان شگفت زده شده و با خود گفتم این روح مشترك اسلام است که در همه اینها جاری و ساری است از اسپانیا تا اصفهان و از اصفهان تا کوالالامپور. و ... اداره این مسجد و فعالیتهای

جنبی آن با رئیس الوزراء کشور می باشد.

ایستگاه راه آهن

نماز ظهر بیست و سومین روز از بهمن ماه را در شبستان مسجد جامع الوطنی اقامه نمودم. و روانه ایستگاه راه آهن شدم که در نوع خود یکی از آثار قدیمی و بسیار زیبای مالزی به شمار می آید. قدمت آن به ۱۱۰ سال قبل می رسد. در ساخت آن از معماری اسلامی بهره گرفته شده است. طول آن ۱۵۰ متر و دارای ۱۰ مناره به سبک معماری اسلامی است. مقابل ایستگاه در آن سوی خیابان بنای با شکوه و عظیم دیگری است با معماری اسلامی که احتمالاً متعلق به قرن ۱۹ می باشد. از این بنای قدیمی عنوان اداره امور راه آهن مالزی استفاده می شود.

برنامه حرکت قطارها از کوالالامپور به کلیه شهرها و استانها بصورت روزانه می باشد. حتی حومه کوالالامپور از این برنامه مستثنی نیست و هرکس می تواند فواصل کوتاه و نزدیک اطراف شهر را نیز بوسیله ترن طی کند. هر روز از کوالالامپور به سنگاپور یک قطار حرکت می کند که بهای بلیط آن برای یک نفر ۳۰ رینگیت می باشد. قطارها مجهز به سیستم تهویه مطبوع و ویدئو با فیلمهای آموزشی، سینمایی می باشد. ایستگاه نسبتاً خلوت و آرام است و از ازدحام و شلوغی که معمولاً در این

محلها انتظار می‌رود خبری نیست.

موزه بزرگ کوالالامپور

پیاده، یکی از خیابانهای کوتاه را پشت سر گذاشته و وارد موزه بزرگ شهر می‌شوم. موزه‌ای بزرگ دارای ۴ سالن که در هر سالن اشیاء خاصی را در معرض دید بازدیدکنندگان قرار داده‌اند. وسایل قدیمی شکار، حیوانات شکار شده، و وسایل جنگی مربوط به قرن ۱۹. تختخواب یکی از شاهان گذشته مالزی و همسرش در گوشه‌ای از سالن جلب توجه می‌کرد.

تخت همراه با چهارچوب بلند آن از گرانبهاترین چوبهای جنگلی، با دیواره‌هایی از تورهای نرم و لطیف، که گویا جهت زیبایی محل خواب جناب سلطان از چین آورده شده‌است تا جناب شاه در آسایش و رفاه کامل به استراحت پردازند، و آمادگی لازم را جهت خدمت به رعایا کسب کنند! در وسط سالن شمالی موزه مراسم ازدواج سنتی در مالزی را در قالب عروس و داماد و والدین آنها و مدعوین بصورت عروسی و مجسمه بطرز زیبایی تعبیه کرده‌اند، صحنه زیبا و دیدنی بود، بطوریکه دهها صندلی برای نشستن و تماشای بازدیدکنندگان در مقابل آن قرار داشت. عکسی از این منظره برداشتم، غافل از آنکه عکاسی در این موزه نیز ممنوع اعلام شده بود. سالن جنوبی

اختصاص به نگهداری از اسکلت جانباختگان راه میهن بود که در جنگهای دهه های قبل کشته شده بودند. چندین اسکلت کامل انسانکه بطرز ماهرانه ای از پوست و گوشت و امحاء و احشاء خالی و ضد عفونی شده بود در گوشه و کنار سالن به چشم می خورد و بقیه فقط جمجمه کامل کشته شدگان بود که به هزاران می رسید. در وسط، اتاقکی شیشه ای به ابعاد 3×3 وجود داشت که صدها جمجمه انسان در وسط آن چیده شده بود. تابلوهائی که در اطراف موزه به چشم می خورد تاریخچه جنگ های ملت مالزی را همراه با تصاویری از آن یادآور می شد. همه به زبان ماله ای بود که متأسفانه نتوانستم آن توشه بردارم. بی اختیار با خود گفتم: تاریخ! ننگت باد، که هرچه از تو بیاد داریم، جز خیانت و تجاوز و کشتار مظلومان، ارمغان دیگری در چنته ات نیست. فقط فرو شکوه دروغین شاهان ظالم را به تصویر می کشی؟ و از ملتهای مظلومی که به زیر سلطه این سلاطین له شدند یادی و نامی نمی آوری؟ گویا تو هم مزدور شاهانی!

تاریخ، کجا تصوّر می نمودی که در ربع آخر قرن بیستم مردی از میان همان مردم فراموش شده و گمنام، مردی از سلاله ابراهیم و موسی پیاخیزد و بر همه سلاطین که طی هزاران سال، فرو شکوه دروغیشان را به رُخمان می کشیدی بتازد و به کمک و همّت همین به بند کشیده شدگان که در جای جای این کره

خاکی نمونه و مستوره آن وجود دارد، طومار آخرینشان را در یکی از کهن ترین کشورهای این کره درهم پیچد و مسیر تاریخ را عوض کند؟

بازدید از موزه را نیمه تمام گذارده به خیابان آمدم. بارانی سیل آسا باریدن گرفته است. از روز یکشنبه تا امروز، عصرها شاهد بارش سیل گونه باران بودم که به مدت حدود دو ساعت می بارد، گویا نظم و قانون در ابرها هم اثر گذاشته و ابرها خود را ملزم به رعایت آن می دانند! باوجود باران فراوان که تقریباً در تمام طول سال بخصوص ماههای تیر و مرداد و شهریور در این کشور می بارد. شهرداریها و ادارات مربوطه تمهیدات لازم را از لحاظ ایجاد شیب مناسب و دفع سریع آب باران به مسیل ها و رودخانه ها تدارك دیده اند.

که اگر نه این بود هر روز شاهد آب گرفتگی خیابانها و معابر و منازل بودیم.

پس از توقف باران، به مدت ۱۵ دقیقه تمامی معابر خشک و حتی قطره ای آب باران در جایی یافت نمی شود. بیاد بیاوریم که همه ساله با شروع فصل باران و آب گرفتگی خیابانهای جنوبی شهر تهران، شهرداری اعلام می کند: غافلگیر شدیم. و آمادگی جهت مقابله و دفع باران را نداشتیم. و این توجیه سالهاست که تکرار می شود و شکر خدای را که توجیه را آفرید!!

وجود این همه جمعیت در جنوب شرق آسیا و وفور نعمت، ناشی از آب فراوانی است که به برکت بارانهای دائمی، کشورهای این منطقه را سیراب می‌کند. کشاورزان نیازی به آبیاری مزارع خود ندارند. درحالی‌که انتقال آب از اعماق زمین در کشور ما زحمات زیاد و هزینه هنگفتی دربردارد که متعاقب آن هزینه افزایش یافته، سود کمی عاید کشاورز خواهد شد. مصرف‌کننده نیز پول بیشتری بابت مواد غذایی متحمل خواهد شد. از این روست که ۷۰٪ وسعت کشور مالزی پوشیده از جنگل است جنگلهایی که خودبخود آبیاری می‌شود و از آن کائوچو استخراج می‌شود، Rubber محصولی چون کائوچو محصولی که دنیا به آن عنوان یک ماده حیاتی و استراتژیک نگاه می‌کند. چون ماده اولیه لاستیک می‌باشد.

معبد هندوها

ساعت ۵ بعدازظهر و من مردّد از اینکه آخرین شب اقامتم را در هتل، یا در منزل دوستان جدید و مسلمان و خوبی که در دومین روز ورودم یافتم، به سربرم.

آهنگ هتل نمودم که آخرین شبم را در آنجا بیتوته کنم. به رسم احترام و جهت خداحافظی با آن خانواده محترم تماس تلفنی برقرار کردم. دعوت مجدد و مصرانه آنها مرا وادار به ترك هتل نمود. آدرس منزل را به باجه تاکسیرانی دادم، باتوجه به طول

مسیر ده رینگیت از من گرفت و بلیطی صادر نمود. تاکسی از راه رسید. بلیط و آدرس را به وی دادم و او خوشحال و خندان بزرگراه شمالی کوالالامپور را درپیش گرفت. در طول راه ملیت و مذهب و هدف از مسافرتم را جويا شد. وی را مطلع کردم. در نیمه راه اجازه تغییر مسیر گرفت چون تصمیم داشت مرا به دیدن یکی از معابد هندوها برد این معبد *Batu-caves* نام داشت. در دامنه کوهی واقع در ۱۲ کیلومتری شمال شرق شهر قرار داشت. از پیشنهاد وی سرور شده آمادگی خود را جهت تماشای معبد اعلام داشتم.

این معبد داخل غاری در دل کوه قرار داشت که بوسیله ۲۷۲ پله به ورودی غار می‌رسید.

در ابتدای اولین پله دروازه‌ای قرار داشت مثل طاق نصرت، تماماً از سنگ و بر بالای آن تندیس‌هایی از خدایان چین، دروازه و طاق نصرتی نیز در انتهای پلکان در مدخل ورودی به غار قرار داشت. غاری بود بسیار بزرگ با سقفی به بلندی حدود ۵۰ متر ارتفاع و کاملاً طبیعی.

دهها بت بزرگ و کوچک در اطراف آن قرار داشت که در کنار بعضی، آتشی نیز روشن بود. سقف بزرگ و رفیع و حضور چندین تندیس بصورت زنان بت و تنهایی من و تاریک شدن هوا، حالتی وهم‌انگیز در من ایجاد نمود. این محل در طول سال چندین نوبت پذیرای دهها هزار هندو می‌باشد که برای

عبادت و پرستش بت‌ها به اینجا می‌آیند. از این روست که پلکانهای ۲۷۲ گانه آن با عرض ۱۲ متر ساخته شده است.

جمعیت هندوها در مالزی ۱۰٪ می‌باشد و مسلمانان ۵۵٪ بوداییان ۳۰٪ و بقیه مسیحی و پیروان دیگر ادیان را تشکیل می‌دهند. هندوها مراسم خاصی را همه ساله طی روزهای مشخص در این محل برگزار می‌نمایند که از جمله وارد کردن تیرهای فلزی و نوک تیز به صورت و دهان و گونه. یکی از هندوها را شاهد بودم که به هدف بخشش و توبه گناهان گذشته سیزده عدد قلاب آهنی و نوک تیز را به عضله‌های پشت و کمر خود فروبرده بود و در همان حال تیر آهنی بزرگ را نیز به طرف راست گونه خود فرو برده و از طرف چپ خارج نموده بود. گویا عذاب وجدان و فشاری که بر روح خود احساس می‌کنند. فشاری که ناشی از گناهان گذشته آنان است آنها را به این کار وادار کرده، تا با عذاب و شکنجه جسم، روح خود را آرامش دهند.

اینها هم، اینگونه خدای را عبادت می‌کنند. پیامبران الهی آمده‌اند که فطرت خداجوی انسان را بیدار و بسوی خالق هستی رهنمون کنند و به آن جهت صحیح دهند تا اله‌ها و خدایان دروغین او را نفرینند. و خود را بجای او قَالِب نکنند که پروردگار مردم، مَلِک مردم و اِلَه مردم فقط

اوست^۱ و وظیفه ما فقط عبادت و پرستش و استعانت از اوست و بس (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) که اگر در کانال او قرار گرفتی هدایت می کند و گرنه، نه. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^۲. که اگر هدایت نشدی یا جزو ضالین و گمراهانی و یا در زمره مغضوبین.

پله های ۲۷۲ گانه را یکی پس از دیگری به سمت پائین طی می کنم و شهر را از ارتفاع چند صد متری در برابر دیدگان و در زیر پادارم. شهر با چراغهای نورانی از دور می درخشد. و من این مُخَمَّسِ شیخ بهائی را زیر لب زمزمه می کنم:

تاکی به تمنای وصال تو یگانه

اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
خواهد به سرآید شب هجران تو یا نه؟

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه
جمعی به تو مشغول و تو غایب زمیانه
رفتم به در صومعه عابد و زاهد

دیدم همه را پیش رُخْتِ راکع و ساجد
در میکده رهبانم و در صومعه عابد
که معتکف دیرم و گه ساکن مسجد
یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه

۱. سوره الناس.

۲. سوره عنکبوت آیه آخر.

هر در که زنم صاحب آن خانه توئی تو
هرجا که روم پرتو کاشانه توئی تو
در میکده و دیر که جانانه توئی تو
مقصود من از کعبه و بت خانه توئی تو
مقصود توئی کعبه و بتخانه بهانه
بلبل به چمن زان گل رخسار نشان دید
پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید
عارف صفت روی تو در پیر و جوان دید
یعنی همه جا عکس رخ یار توان دید
دیوانه منم، من که روم خانه به خانه
عاقل به قوانین خرد راه تو پوید
دیوانه برون از همه آئین تو جوید
تا غنچه بشکفته این باغ که بوید؟
هرکس به زبانی صفت حمد تو گوید
بلبل به غزلخوانی و قمری به ترانه
بیچاره (بهائی) که دلش زار غم توست
هرچند که عاصی است زخیل حرم توست
امید وی از عاطفت دمبدم توست
به امید کرم توست
یعنی که گنه را به از این نیست بهانه
راننده تاکسی تا درب منزل مرا همراهی کرده به تعهد خود

پایان می دهد.

الگوی از زندگی یک زوج مسلمان مالزیایی

ضمن اعلام ورود با ادای احترام وارد منزل شدم. میزبان جهت آموزش قرآن و اخلاق به مسجد رفته بود و همسرش نیز مشغول تلاوت قرآن شامگاهی. ضمن خوش آمد گوئی و استقبالی شایان به تهیه و تدارك غذا مشغول شد. دقایقی بعد که همسرش از راه رسید جهت صرف غذا مرا دعوت نمود. ابتدا بشقابى بزرگ از برنج و مرغ پرنمود و گفت: صدقه برای همسایگان. که ما فقط این گونه روایات و احادیث را می شنویم و آنها عمل می کنند. اگر بسان ما، در انتهای صرف غذا اضافات را از باب صدقه به همسایگان فقیر ارزانی می داشت، چندان جای تعجب و تحسین نداشت. ولی در ابتدا، قبل از تناول بیشترین و بهترینش را در راه خدا صدقه دادن و انفاق کردن، همان سفارش قرآن و رسول الله می باشد که عمل به آنرا من مشاهده کردم. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۱

شما هرگز به نیکی نیل پیدا نمی کنید، مگر از آنچه دوست می دارید انفاق کنید.

ضمناً همسر میزبان روزه دار بود، علت آنرا که جویا شدم در پاسخ گفت: چون ماه رجب است، روزه در ماه رجب از ثواب و اهمیت بیشتری برخوردار است. از این رو سعی می‌کنم حتی الامکان بیشتر روزهای این ماه را روزه دار باشم.

حزب آمنو

خلاصه کلام که همه سفارشات اسلام و ارزشهای متعالی آنرا در این خانواده متجلی دیدم این خانواده عضو سازمان *U.M.N.O* نیز بودند. حزب آمنو فعالترین و پیشرفته‌ترین حزب مالزی به شمار می‌آید. حروف اختصاری فوق حروف اول سازمان اتحاد ملی مالزی می‌باشد که از همه اقشار و ملیتها بدون درنظر گرفتن نژاد، و رنگ و دین عضو می‌پذیرد. دفتر مرکزی حزب در کوالالامپور و عمارتی بلند حدود ۲۰ طبقه را بخود اختصاص داده و چهار حرف *U.M.N.O* در بالاترین قسمت ساختمان حزب خودنمایی می‌کند.

جنگ نفت بین متحدین و عراق

ساعات و لحظاتی که میهمان این خانواده بودم مذاکرات و مباحثات زیادی بین ما صورت گرفت که بیشتر پیرامون جنگ خلیج فارس بود که آمریکا و متحدینش در یکطرف و عراق در طرف دیگر، اوضاع ایران و مالزی و ... توضیح اینکه زمانی را

که در مالزی به سر می بردم اوج درگیری در منطقه خلیج فارس بود که هریک از طرفین درگیر برای بدست آوردن منافع خود می جنگیدند. ۸۰٪ اخباری که از طریق سه کانال تلویزیونی مالزی و ایستگاههای رادیویی آن پخش می شد اختصاص به اخبار جنگ نفت داشت. مردم هم چنان در تب اخبار جنگ خلیج می سوختند. تلویزیون بعد از اذان صبح به پخش اخبار و گزارشهای خبری همراه با تصاویری از صحنه های درگیری پرداخت. و اخبار و گزارش های لحظه به لحظه که از منطقه درگیری به سراسر جهان مخابره می شد را از اولین لحظات بامداد تا پاسی از شب پخش می کرد اخبار بیشتر به زبان انگلیسی بود و منبع خبر نیز نیروهای چند ملیتی بودند که بر طبق مصالح خود گزارشها و تصاویر پیروزیهای خود را به روی آنتن می فرستادند. منبع خبری موثقی که بیطرفانه اخبار جنگ را به اطلاع مردم سراسر دنیا برساند نبود. ژنرال شوارتسکف فرمانده نیروهای چند ملیتی هر روز در برابر دوربین تلویزیون ظاهر می شد و خبرنگاران را در جریان طوفان صحرا^۱ قرار می داد. ۲۳ کشور در برابر یک کشور آن هم کشوری که تا دیروز عامل بی اراده خودشان بود. «فاعتبرو یا اولی الابصار».

۱. نام عملیات جنگی در برابر عراق.

از مرداد ۶۹ تاکنون دهها قطعنامه صریح و روشن در زمینه تخلیه بدون قید و شرط عراقیها از کویت صادر شد. درحالیکه پس از اشغال ۱۱۱۱۷ کیلومتر از خاک ایران توسط عراقیها، قطعنامه ای که از سوی شورای امنیت صادر شد فقط درخصوص امر به تحمل ارتش عراق در عمق خاک ایران و نهی از دفاع در برابر دشمن مهاجم و متجاوز و اشغالگر بود. در طول هشت سال جنگ عراق و ایران حتی دو قطعنامه قاطع و صریح و روشن و مشخص که متضمن محکومیت آغازگر جنگ و مستلزم دفاع از کشور مورد تجاوز باشد صادر نکردند. از زمان اشغال کویت نه فقط روزنامه نگاران و گزارشگران و خبرنگاران مجلات، روزنامه ها، رادیو تلویزیون ها و شبکه های خبری، به نقش اروپا و آمریکا و شوروی در تسلیح و تجهیز وحشتناک رژیم عراق اعتراف می کنند، بلکه درمیان دولتمردان و سیاستمداران غربی و شرقی نیز همه معترف به این واقعیتند. و تازه بعد از گذشت این همه سال و این فجایع اظهار تأسف می نمایند. چگونه می توانم فراموش کنم شبهائی را که آن کودک سه ساله بی گناه دهها شب و هرشب دهها بار با شنیدن صدای آژیر خطر، به استقبال امنیت و آرامشی می رفت که میراژها و میگ های شما برایش به ارمغان می آوردند! دستهای کوچکش می لرزید و لبهای هنوز به تکلم باز نشده اش از سرمای سحرسیاه می شد. چگونه می توانم فراموش کنم آن

شبهای طولانی امن و امان اهدائی شما برای شیرخواران و بستری شدگانمان را آن نیزه‌ای که شما دیروز از قامت صدام تراشیدید، تیغ دو دم و شمشیر دو لبه‌ای بود که امروز در جان و مال و منافقان افکنده است.

قطعنامه بنویسید، قتلنامه صادر کنید. نطق کنید. نفّس کش زنید. ما شرقیها به آه ایمان داریم. آن روز که ارتش عراق در عمق کشور ما بیداد می‌کرد. مغول وار می‌زد و می‌کشت و می‌سوخت و پیش می‌آمد و هویزه‌های بسیاری را به قتلگاه کربلا تبدیل کرده بود. شورای امنیت فقط قطعنامه‌ای صادر کرد که می‌گفت: عراق و ایران باید فوراً جنگ را متوقف کنند. یعنی ایران دست از دفاع بردارد. درحالیکه مهمترین استان زرخیز کشورمان لگدکوب مهاجم است. و عراقیها در همانجا که هستند بایستند. آنجا عمق خاک ایران است.

این دو نمونه از برخورد دوگانه شورای امنیت در مورد دو مورد تجاوز.

و حالا آمریکائی‌ها و اروپائیها مجبور شده‌اند برای دفع خطر عراق آنچه را در طول ده سال به عراق داده‌اند، به آتش بکشند. دریغ از ثروت ملتها که روزی چنان و روزی چنین برباد می‌رود. و بدتر آنکه به حلقوم سرمایه‌داران و کارخانه‌داران اروپائی و آمریکائی سرازیر می‌شود. واشینگتن نیز از سیاستی پیروی می‌کرد که به قدرت نظامی و ذخایر تسلیحاتی صدام

به طور فوق العاده ای امکان رشد می داد. و امروز می بینیم پیشرفته ترین و خطرناک ترین تسلیحات و تجهیزاتی که غرب در صحرای عربستان انبار کرده، جهت مقابله با تجهیزاتی است که ساخته و پرداخته خود غرب است. آنروز که جرج بوش در سالن مجمع عمومی سازمان ملل، ژست عقاب را به خود گرفته بود و به زبان حال بر راستی بال نظر کرد و همی گفت:

امروز همه ملک جهان زیر پر ماست. چون نیک نظر کرد پر خویش بر آن دید.

گفتا زکه نالیم که از ماست که برماست. اگر قبلاً اعتراف کرده اید که ماشین جنگی صدام را خود تقویت کرده اید پس ضرباتی را که هم از ناحیه همین ماشین جنگی در حوزه نفتی کویت و عربستان دریافت کرده اید، باید هدیه خودتان به خودتان بدانید.

اعتراف متحدین به آغازگر جنگ و متجاوز شناختن عراق علیه ایران

صدام، قبلاً با تمام قوا بر پیکر خونین یک انقلاب مردمی که تازه از بستر یک جراحی بزرگ و بی نظیر برخاسته بود هشت سال تمام خنجر کوفته است و خونهای بسیاری را از رگهای زنده و متلاطم آن بیرون کشیده و بر زمین ریخته. صرف نظر از

بحث اقتدار و اعتلای روح که بجای خود قابل قبول و توجّه است. ناچار چنین بدنی به هر حال به ضعفها و عوارضی مبتلا می شود، و این انکار ناشدنی است. اما رسالت خون کشیدن از پیکر پهلوانی را چه کسی برعهده گرفت و به انجام رسانده این خدمت بی سابقه و جبران ناشدنی را غرب چگونه می توانست نادیده بگیرد و صدام را بی جایزه و بی امتیاز بگذارد؟ در مهرماه سال ۶۹ قبل از شروع درگیری، سفیر کویت در آمریکا طی یک سخنرانی اعلام کرد: در خلال هشت سال جنگ با ایران ما همواره در کنار عراق ایستاده بودیم و ۱۴ میلیارد دلار بصورت نقدی و ۱۶ میلیارد نیز بصورت غیرنقدی به عراق کمک کردیم. عراقیها جنگ با ایران را آغاز کردند و هیچ راهی جز حمایت از عراق را پیش روی ما قرار ندادند. نه تنها برای ما، بلکه برای کلیه کشورهای منطقه.

هم آمریکاییها و هم کویتیها و هم همه صراحتاً اعتراف می کنند که جنگ تحمیلی ایران و عراق را عراقیها آغاز کردند. اگر این اعتراف را از سال ۶۱، پس از بازپس گیری خرمشهر عنوان می کردند و همگی خواستار مجازات متجاوز می شوند، جنگ تا سال ۶۷ به طول نمی انجامید. معلوم نیست اگر کویت به اشغال عراق درنیامده بود این کمکهای ۳۰ میلیاردی بدون سند، کی و کجا و چگونه می توانست افشاء شود. «فَاعْتَبِرُوا

یا اولی الابصار».

یکی از کارشناسان برجسته کاخ سفید گفته بود اگر صدام حسین تمام شرایط و قطعنامه های شورای امنیت را بپذیرد باز کافی نیست. زیرا وی می تواند مجدداً به همسایه دیگری تجاوز کند.

این دقیقاً مشابه همان حرفی نیست که جمهوری اسلامی ایران هشت سال بر زبان می آورد؟ و تذکر می داد؟ و بالاخره آنچه ایران پیش بینی کرده بود به وقوع پیوست^۱.

ساعت از دوازده شب گذشته و تصویر صدام را (در صفحه تلویزیون) در مقابل خود دارم در حالیکه با وزرای خارجه و اطلاعات و فرماندهان نظامی خود جلسه امنیتی تشکیل داده، و لحظاتی بعد چهره بوش را در حالیکه تعطیلات آخر هفته را در کمپ دیوید می گذرانند. یادداشتهای سفر را نیمه تمام گذارده به رختخواب می روم.

مرز دریایی کشورها

کلیه کشورهاییکه دارای سواحل ممتد و طولانی می باشند ادعای کمتری نسبت به آبهای ساحلی مجاوز خود دارند و قلمرو دریایی خود را فقط تا سه میل از ساحل خود می دانند،

۱. ر. ک: همان منبع.

استرالیا، کوبا، ژاپن، انگلیس و آمریکا جزء این گروه هستند. تعدادی از کشورها نیز ۴ و بعضی ۶ و اکثریتی از آنها نیز تا ۱۰ مایل از ساحل را جزو قلمرو خود می‌دانند. مالزی تا فاصله ۱۲ مایلی از ساحل را جزء حاکمیت خود می‌داند.

البته توسعه قلمرو دریایی کشورها از ۳ مایل به دوازده مایل از وسعت آبهای آزاد به میزان قابل توجهی کم کرده و به وسعت آبهای ملی افزوده است. بدین ترتیب در موقع جنگ عبور از بسیاری از تنگه‌های مهم و دریا‌های باریک با اشکال روبرو خواهد گردید. بعلاوه در موقع جنگ، کشورهاییکه بر این تنگه‌ها حق حاکمیت دارند می‌توانند با اعلام بیطرفی خود مانع از عبور کشتیهای دو طرف مخاصمه گردند. و یا از کمک به کشتیهای یکطرف خودداری کنند و یا حتی بر سر راه آنها مین‌گذاری نمایند. اگر قرار باشد که قلمرو دریایی کشورها از ۳ مایل به ۱۲ مایل تغییر کند بسیاری از تنگه‌ها مثل جبل الطارق و تنگه مالاکا و باب‌المنذب جنبه ملی پیدا کرده و می‌توانند مانع عبور آزادانه کشتیهای دول بیگانه گردند. به همین دلیل کشورهای بزرگ دریایی سعی دارند که قلمرو خود را به حداقل ممکن برسانند.^۱

۱. ر. ک: کتاب جغرافیای سیاسی.

کشورهای منفصل و مسائل امنیتی و دفاعی آنها

مالزی کشوری منفصل است که ایالت صباح و ساراواک آن جدای از قسمت اصلی واقع شده است. و با فاصله زیادی در مرکز دریای چین جنوبی و شرق اقیانوس آرام قرار دارد. (بیش از دو هزار کیلومتر فاصله). زمان طی شده توسط هواپیما از کوالالامپور تا کوتاکنیایالو مرکز ایالت صباح حدود ۲/۵ ساعت است. کشورهای منفصل معمولاً بدلیل شکل خاص خود، دارای مشکلاتی هستند که در سایر کشورها دیده نمی شود. برای آن دسته از کشورها که فاقد حکومت مرکزی قوی هستند. چنین وضعیتی به منزله تهدید همیشگی تمامیت ارضی آنهاست.

در این قبیل کشورها دفاع نظامی از بخش های پراکنده کشور مشکل است. ایجاد هم آهنگی و تجانس بین افراد ملت به آسانی میسر نیست و بالاخره حکومت مرکزی برای نظارت در بخش های دورافتاده خود دچار زحمت می گردد. از جمله کشورهای دیگری را که به عنوان منفصل می توان نام برد عبارتند از: فلپین با هفت هزار جزیره، اندونزی با بیش از ۱۳۰۰۰ جزیره، ژاپن با جزایر متعدد. و نیز پاکستان قبل از جداشدن بنگلادش از نمونه کشورهای منفصل می باشند.

موقعیت و اهمیت ژئوپولیتیکی کشورها

اساساً موقعیت عبارت است از چگونگی قرار گرفتن یک نقطه در سطح کره زمین.

یک نوع موقعیت جغرافیایی که دارای اهمیت خاصی است و هنوز هم مورد توجه دول می باشد واقع بودن در کنار یک معبر بسیار مهم و یا تنگه است. بهترین مثال برای چنین موردی، موقع جغرافیایی شهر استانبول در کنار دو تنگه بسفر و داردانل و بندر سنگاپور در کنار «تنگه مالاکا» است. اینگونه مواضع همیشه مورد توجه بوده و هنوز هم اهمیت نظامی و سیاسی خود را حفظ کرده اند.

یکی از علمای علم سیاست می گوید: اگر زمین مانند یک توپ بیلارد صاف و صیقل بود در آن صورت هیچ توجیهی برای چنین مطالعه و بررسی وجود نداشت. و اصولاً مطالعه ژئوپولیتیک نمی توانست کارساز باشد. درحقیقت ژئوپولیتیک مجموعه پیچیده نیروهای متخاصم و متعددی است که بر سر سرزمینهایی با ابعاد کوچک به کشمکش می پردازند. هدف آنها از این کشمکش ها یا اثبات تفوق سیاسی خود و یا بیرون راندن رقبای سیاسی از صحنه است. به همین مناسبت در اواخر قرن نوزدهم، شاهد پیشرفتهای فوق العاده ای درخصوص تسلط فیزیکی بر جهان بوده ایم که

اساس و پایه این تسلط را اروپائیان بنیان نهادند و سپس آمریکائیا به آن افزوده شدند. در جنگ جهانی دوم ژاپن موفق به تسخیر سنگاپور که پایگاه دریایی انگلیس و معروف به «جبل الطارق شرق» بود، گردید^۱. ژاپنها در سال ۱۹۴۲، فیلیپین، مالزی و اندونزی را نیز تسخیر کردند انگلستان علی‌رغم وسعت محدودش، به یک قدرت جهانی تبدیل شد و موجب شد بتواند اکثر نقاط استراتژیک، یا تقریباً همه مسیرهای تجارت جهانی را کنترل کند.

نقاط مهم و استراتژیک جهان

مثل کنترل تنگه جبل الطارق، کانال سوئز- دماغه امیدنیک در انتهای قاره آفریقا، دماغه هورن در منتهی‌الیه آمریکای جنوبی، هنگ کنگ و سنگاپور و

قبل از آن هلندی‌ها در سال ۱۶۱۹ میلادی شهر مهم و بزرگ جاکارتا را مرکز خود قرار دادند. و به تأسیسات و استحکامات پرتغالیها در منطقه مالاکا حمله بردند. و خود جای پرتغالیها را گرفتند. و از آن به بعد این شبه جزیره (شبه جزیره مالزی سنگاپور) چندین بار، بین استعمارگران غربی دست به دست شد تا اینکه در سال ۱۹۱۴، شبه جزیره

۱. ر. ک: کتاب ژئوپولیتیک.

مالایا مستعمره انگلیس گشت.

از قدیمترین دوران تا امروز دسترسی به دریا یکی از عوامل مهم برای توسعه طلبی کشورها بوده است. حتی تصور می شود. در اختیار داشتن آبهای آزاد شرط ضروری، برای رسیدن به یک قدرت جهانی است. چنین نیازی امروزه کاملاً احساس می شود. مواردی خاص دیده شده که کشوری به قدرت رسیده در حالیکه به دریاهای آزاد هم راه نداشته است، اما دوران اقتدارش بسیار کوتاه بوده و به سرعت محاصره شده است. به همین علت همیشه کشورهایی که پا به عرصه قدرت جهانی می گذارند. تسلط بر آبها را جزء هدفهای خود منظور می کنند. موقعیت دریایی به دو صورت: ساحلی و جزیره ای قابل بحث است. کاملترین شکل موقعیت دریایی موقعیت جزیره ایست. کشوری که دارای چنین موقعیتی است اگر از تنوع انسانی به طور اعم برخوردار باشد، برقراری امنیت در آن قدری مشکل است. مگر آنکه از سطح مهارتهای انسانی بالایی برخوردار باشد. درضمن کلیه جزایر جهان بدون استثناء دارای نقش نظامی است. و نقش ژئواستراتژیک این کشورها بر اهداف ژئوپولیتیک آنها بی تأثیر نیست. جزایر کوریل که دز شمال ژاپن و شرق روسیه واقع است، سالهاست که بر سر تصرف آن منازعه و اختلاف است. روسیه با داشتن میلیون ها کیلومتر مربع خاک بخاطر اهمیتی که در بُعد نظامی

برای این جزایر قائل است، حاضر به استرداد آن به ژاپن نمی‌باشد. و ژاپن مصرانه خواستار بازگرداندن این جزائر به خاک خود می‌باشد.

گذشت زمان نشان داده است، چنانچه انسانهای ساکن یک جزیره، موقعیت خود را درك نکنند. و باتوجه به موقعیت ژئوپولیتیکی خود در صحنه سیاست بین‌المللی عکس‌العمل نشان ندهند. خیلی زود مزایای استقلال و آزادی عمل را از دست خواهند داد. ارزش همه نقاط استراتژیک یکسان نیست. زیرا برخی دارای ارزش نظامی و برخی اقتصادی و پاره‌ای شامل هردو می‌شوند. باتوجه به استراتژیهای موجود، در حال حاضر ۱۴ نقطه استراتژیک در جهان وجود دارد که تنگه مالاکا، حدفاصل سنگاپور و اندونزی یکی از مهمترین آنهاست. نکته قابل توجه این است که همیشه نقاط بحرانی دنیا بانقاط استراتژیک منطبق است. و بیشتر، ایجاد وضعیتها را در اطراف گذرگاههای آبی یا نقاط استراتژیک می‌بینم!

اهمیت منطقه مهم و استراتژیک مالاکا

این تنگه از جهات مختلف قابل بررسی است. و از ابعاد نظامی، سیاسی و اقتصادی حائز اهمیت فراوانی است.

در جنوب تنگه کشور اندونزی با بیش از یکصد و پنجاه میلیون مسلمان و در شمال آن مالزی و سنگاپور، که اکثریت جمعیت کشور مالزی مسلمان است.

حیله های استعمار انگلیس

انگلستان جهت جلوگیری از اینکه مسلمانان این منطقه بخواهند راه کشتی های غربی که از این گذرگاه عبور می کنند را سد کنند، و از این آبراه مهم، بعنوان یک اهرم فشار علیه غرب استفاده کنند. تمهیدات لازم را در کوتاه مدت و بلند مدت بکار برده که از جمله آنها: تغییر ترکیب جمعیتی و نژادی کشور سنگاپور، بطوریکه مسلمانان از اکثریت لازم جهت اداره و اقتدار و حکومت بر تنگه، و کلاً در این منطقه برخوردار نباشد. فعلاً، حدود ۳۳٪ جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می دهند. که بعضاً این تغییر جمعیتی و نژادی را از طریق مهاجرت چینی های ساکن در جنوب چین، مثل کانتون و گسیل آنها به شبه جزیره مالایا انجام داد. چون تا نیمه قرن بیستم حاکمیت چین و دیگر نقاط آسیای شرق و جنوب شرقی، از جمله مالزی و سنگاپور در اختیار استعمارگر پیر، یعنی انگلستان بود و قدرت مطلقه منطقه شناخته می شد. اختاپوسی که بقول معروف، آفتاب در سرزمینهای تحت سیطره اش، غروب نمی کرد و سلطه اش تا دورترین نقاط دنیا پراکنده بود.

بیش از ۲۹ میلیون کیلومتر از وسعت جهان و بیش از یک میلیارد از ساکنین آنرا تحت نفوذ و سلطه خود داشت. از تنگه جبل الطارق در شمال غرب آفریقا تا زلاندلند و استرالیا و جزایر اقیانوس آرام. و از جزایر فالکنند و دماغه هورن در جنوبی ترین نقطه آمریکا تا دماغه امیدنیک در آفریقا. که از این رهگذر، منابع و معادن آنرا به غارت برد. استدلال حاکمان جزیره انگلیس این بود که مردم آفریقا و آسیا و دیگر نقاط جهان هنوز به رشد و بلوغ سیاسی و اقتصادی جهت اداره کشور و سرزمین خود نرسیده اند. حکومت انگلیس حتی پا را فراتر گذاشته و در کشورهای حوزه مالاککا، که نفوذ و سیطره اش را گسترش داده، زبان و خط خود را نیز حاکم کرده.

زبان انگلیسی را جانشین خط و زبان ماله ای کرده است. علاوه بر تاخت و تاز به منابع ملی و اقتصادی آنها، دین و فرهنگ و ملیت و خط و زبان و آداب و رسوم ملی را نیز مورد تهاجم و تاخت و تاز قرار داده بود (تهاجم فرهنگی). ارزشهای اخلاقی و فطری آنها را نیز زیر سؤال برده بود. با اعزام کشیش ها و مسیونرهای مذهبی اهداف استعماری خود را توجیه می کرد و فقر و بدبختی ملت ها را تقدیر الهی می دانست، عقاید ملت ها را به بازی گرفته بود. هر جا که دول استعمارگر، چون پرتغال، اسپانیا، انگلیس، فرانسه و دیگر دول استعمارگر پا گذاشته خط و زبان و فرهنگ آنها را نیز تغییر

می‌دادند، اسپانیا و پرتغال، زبان کشورهای آمریکای لاتین را اسپانیولی، فرانسه، خط و زبان الجزایر را به فرانسه، و هرکدام به نحوی در اقصی نقاط عالم خط و زبان و فرهنگ خود را به خود مردم می‌دادند. در این ناحیه رفته رفته زبان مالایی از گویش محلی حذف و مکاتبات اداری و حکومتی نیز به انگلیس تغییر می‌یافت.

بیخ گوش خود ما، کشور ترکیه نیز توسط آتاترک خط و زبان ملی به خط لاتین تغییر یافت. چون آتاترک فکر می‌کرد که با تغییر خط و زبان و فرهنگ و فساد و بی بندوباری و اشاعه تمدن و مظاهر غرب، می‌تواند کشورش را همسان غربیان از لحاظ صنعتی و دیگر جهات به پیش ببرد، تعطیل هفتگی در این کشور اسلامی روزهای یکشنبه و سال و تقویم آنها نیز براساس سال میلادی استوار است.

مسئله جمعیت در جنوب، شرق و جنوب شرق آسیا
اگر نگرشی کوتاه در پراکندگی جمعیتی آسیا داشته باشیم، می‌بینیم در غرب و جنوب غربی آن جمعیت متعادل و متعارفی وجود دارد (به غیر از نوار غزه که جمعیت در حال انفجار است) در مرکز و شمال آسیا جمعیت کم و در شرق و جنوب، جمعیت بسیار زیاد و متراکم و در قسمت آسیای جنوب شرقی که شامل مالزی و سنگاپور نیز می‌باشد نسبتاً متعادل و متعارف می‌باشد

هندوستان در جنوب و چین در شرق آسیا جمعیت به حد انفجار رسیده ولی در جنوب شرق، نسبت جمعیت با خاك هنوز نرمال و تقریباً عادی است. طی ۱۵ سال اخیر دو کشور هندوستان و چین به سیاستهای کنترل جمعیت پرداخته‌اند. در چین حتی بصورت الزام و اجبار.

ولی جنوب شرق آسیا به فکر تعدیل و کنترل جمعیت نیست. بطوریکه میزان رشد جمعیت در هند ۲٪ و در چین ۷٪/۰ ولی در دو کشور مالزی و سنگاپور که بیشتر مورد بحث ما بوده و است. این رشد نزدیک به ۳٪ می‌باشد. در کشورهای منطقه فقط کامبوج و اندونزی، جلو رشد بی‌رویه جمعیت را گرفته‌اند. ضمناً اگر جمعیت از یک حد قابل قبول فراتر برود، خودبخود کنترل می‌شود. چون هرکس دید خانواده‌اش از لحاظ درآمد، بهداشت، مسکن، آموزش و هزینه‌های مختلف درمضیقه است بفکر کنترل می‌افتد.

گزیزی به مسأله جمعیت در ایران

کشور ایران متأسفانه تا سال ۶۷ گرفتار دو معضل مهم اجتماعی، سیاسی، اقتصادی بود. یکی مسئله جمعیت و دیگری مسئله جنگ. که دومی ظاهراً پایان یافت ولی اولی، در درازمدت و با برنامه‌ریزی‌های حساب شده قابل پیشگیری و کنترل خواهد بود. وگرنه، نه. از اواخر سال ۶۸ تبلیغات

جهت جلوگیری از رشد بی رویه جمعیت شروع شد. آنهم فقط در بحثها و میزگردهای رادیو تلویزیونی، نه بصورت اجبار و الزام، البته محدودیتهایی برای فرزند چهارم در نظر گرفته شده و مقرر شده و رشد جمعیت از $\frac{3}{2}$ به $\frac{2}{3}$ رسیده که بسی جای مسرت است، درست به یاد دارم سال ۵۲ که آخرین سال دیپرستان را طی می کردم جمعیت انگلستان ۵۵ میلیون و ایران ۲۵ میلیون نفر بود. اکنون که این سطور را می نگارم جمعیت انگلستان در همان حد باقی و ایران ۶۰ میلیون فراتر رفته است. با این حساب جمعیت نسبی در هر کیلومتر مربع ۳۶ نفر بالغ می شود. آنهم کشوری که حدود ۷۰٪ آنرا بیابانهای خشک و غیرقابل کشت تشکیل داده است. کشور مالزی درست $\frac{1}{5}$ ایران وسعت دارد با جمعیت حدود ۱۷ میلیون نفر، تراکم جمعیت در قسمت غربی آن بیشتر از شرق آن است. مهاجرت و تمرکز و تراکمی که ما، در تهران و اطراف آن شاهد هستیم، وجود ندارد.

مناطق مرکزی، شرقی و جنوب شرقی ایران که بیش از $\frac{2}{3}$ خاک کشور را دربرمی گیرد فقط $\frac{1}{3}$ جمعیت را در خود جای داده و $\frac{1}{3}$ باقیمانده $\frac{2}{3}$ جمعیت را بخود اختصاص داده که این $\frac{2}{3}$ در نواحی خزری و شمال غربی ایران و تهران متمرکز شده اند. که متأسفانه طبق آمارهای موجود، اکثراً شهرنشین و مصرف کننده تولیدات غذایی روستائیان و اغذیه وارداتی می باشند. چون

۳۰٪ مواد غذایی ما را محصولات وارداتی تشکیل می‌دهند. البته اوضاع طبیعی و اقلیمی و کمبود آب، و بیابانی بودن قسمت اعظم ایران، چنین وضعیتی را پیش آورده است. که جمعیت بطور نامتعادل و نامساوی در سطح ایران پراکنده شود. موقعیت طبیعی در آسیای جنوب شرقی بطور اعم و مالزی و سنگاپور بطور اخص کاملاً متفاوت با ایران است. قرار گرفتن این دو کشور در بین آبهای اقیانوس هند و آرام، و همچنین قرار گرفتن در معرض وزش بادهای باران آور موسمی و بارندگیهای روزانه‌ای که بصورت سیل آسا در آن مناطق می‌بارد. طبیعت را با آنها را یار کرده و مشکلی نام آبیاری و کشت و زرع و انتقال آب و غیره برای آنها متصور نیست. گویا اثرات و عواقب فاجعه‌آمیز رشد بی‌رویه جمعیت به مخیله مسئولان کشور هم نمی‌رسیده، یا اینکه رسیده ولی به لحاظ شرایط جنگی از عنوان آن خودداری می‌کردند. بطوریکه در سال ۶۵ رئیس مرکز آمار ایران ضمن گفتگویی اعلام نمود: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی هیچگاه سیاستهای مشخص جمعیتی وجود نداشته است. شاید از یک لحاظ این مسئله معقول باشد. چرا که باتوجه به دید مکتبی، نیازی به کنترل مستقیم دولت در مقوله رشد جمعیت نمی‌باشد و در اهدافی که دولت در رشد و توسعه اقتصادی دنبال می‌کند به هیچ وجه رشد جمعیت بعنوان یک عامل محدودکننده مطرح

نمی شود.»

و همان شخص در آن مصاحبه در تأیید رشد جمعیت می گوید: «الان برای دانشگاه پانصد هزار نفر داوطلب وجود دارد. شما چه افرادی را انتخاب می کنید؟ طبیعی است که نخبه ها را. حالا اگر این رقم، افزایش یابد، مثلاً هفتصد هزار نفر بشود، در اینجا نخبه ترها انتخاب می شوند نخبگان خودشان جریان انتخاب را تسریع می کنند. اگر بجای سیصد هزار داوطلب هفتصد هزار داوطلب داشته باشید و همان سی هزار نفر را که در حد امکانات دانشگاههاست جذب کنید. چون از بین افراد بیشتری انتخاب کرده اید، سریعتر به افرادی که برای جامعه ایده آل به آنها نیاز دارید می رسید.»^۱

رئیس مرکز آمار ایران، اشاره نکرده است که پس تکلیف ششصد و هفتاد هزار نفری که پشت در دانشگاه مانده اند چیست؟ و این معضل چه عواقبی در پی خواهد داشت ایشان در تاکید رشد جمعیت می گوید: (از دیدگاه سیاسی مسأله افزایش و رشد جمعیت برای کشور ما در حال حاضر کاملاً مثبت و مؤثر است.) گویا معضل جمعیت، همراه با فقر و تنگدستی و حداقل درآمد سرانه را در کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکایی لاتین نادیده گرفته است. در کشور ما در ازای هر نفر

۱. اطلاعات سیاسی، اقتصادی بهمن ۱۳۶۵.

که به جمعیت اضافه می شود. هشتصد مترمربع زمین مورد نیاز خواهد بود. این سوای نیازمندیهای مادی و معنوی است که باید برای او بوجود آورد. رشد جمعیت برای کشوری که اکثریت آنرا جوامع شهری و مصرف کننده تشکیل داده، و بیشتر شغل ها بسوی خدماتی شدن و واسطه گری پیش می رود، بسیار خطرناک خواهد بود.

ترکیب جمعیتی و نژادی در مالزی

۵۵٪ مردم مالزی از نژاد مالایی یا ماله و ۳۳٪ آن زردپوستان چینی و ۱۰٪ هندی و پاکستانی و ۲٪ بقیه از دیگر ملیت ها و نژادها تشکیل شده است. ماله ای ها غالباً مسلمان، چینی ها بودیست و هندیها معمولاً هندوئیسم، تائو و مسلمان هستند پاکستانی ها نیز همگی از مسلمین این شبه جزیره به شمار می آیند. دین رسمی در این کشور اسلام اعلام شده، با اینکه فقط ۵۵٪ جمعیت آنرا مسلمانان تشکیل می دهند.

در همه شئونات و رده های تصمیم گیری کشور مسلمانان جای دارند و طبق قانون اساسی، پادشاه و نخست وزیر و دیگر شخصیت های طراز اول و کلیدی مسلمان هستند (به لبنان نگاه کنید که جمعیت مسیحیان فقط ۳۰٪ کل را تشکیل می دهند ولی طبق قانون اساسی که از فرانسویان استعمارگر به ارث رسیده، رئیس جمهوری کشور لبنان باید از مسیحیان مارونی باشد.

این هم شکلی از دموکراسی غربی است. که نمونه دیگری از آنرا در جریان انتخابات اخیر الجزایر شاهد بودیم. جمعیت مسلمانان کوالالامپور حدود ۳۰٪ می باشد. ولی در بعضی ایالات مثل ایالت کلانتان بیشترین جمعیت را مسلمانان بخود اختصاص داده اند.

مشخصات و موقعیت مالزی

کشور مالزی از دو قسمت کاملاً مجزاً تشکیل می شود. بخش غربی آن به شبه جزیره مالزی معروف، و ادامه خاک آسیا به طرف جنوب می باشد و به آن مالزی قاره ای می گویند. بخش شرقی شامل ایالات صباح و ساراواک است که در قسمت شمالی جزیره برنئو واقع است و مالزی جزیره ای نام دارد. دریای چین جنوبی به فاصله ۶۴۰ کیلومتر میان این دو قسمت فاصله انداخته است. مساحت کلی مالزی ۳۳۰۴۳۴ کیلومترمربع (۱۳۱۵۸۷ کیلومترمربع شبه جزیره مالزی و ۱۲۴۴۴۹ کیلومترمربع مالزی شرقی). مالزی شرقی ۱۰۷۰ کیلومتر درازا و ۲۵۰ کیلومتر پهنا دارد و ۲۲۴۰ کیلومتر خط ساحلی. حدود ۳/۴ مالزی شرقی از جنگلهای پرباران و همیشه سبز استوایی پوشیده شده است. ترکیب گیاهی مالزی در واقع در شمار غنی ترین نوع در جهان است. حدود ۸۰۰۰ گونه گیاهی که ۲۵۰۰ نوع آن درخت است در مالزی می روید.

سیزده رودخانه بزرگ و مهم در این کشور جریان دارد. نزدیک به ۴۰ جزیره کوچک و بزرگ مهم در اطراف آبهای این کشور بصورت پراکنده وجود دارد. متوسط میزان بارندگی سالیانه ۲۵۴۰ میلیمتر و پرباران ترین منطقه کشور، ماکسول هیل در شمال ایپو است که متوسط ریزش باران آن ۵۰۸۰ میلیمتر برآورد شده. هوای گرم به میزان متوسط ۳۰ درجه سانتیگراد از مشخصات این کشور استوائی می باشد^۱.

اهمیت استراتژیک کشور مالزی در منطقه

کشور مالزی در منطقه حاصلخیز آسیای جنوب شرقی با معادن سرشار زمینی و زیرزمینی خود از دیرباز مورد توجه قدرتهای سیاسی و اقتصادی بوده است. علاوه بر وجود منابع و ذخایر فراوان در مالزی، این کشور بر سر راههای تجاری دریایی مهمی (از جمله تنگه مالاکا) قرار دارد. که دو اقیانوس هند و آرام را به هم متصل می سازد و خصوصاً مناطق آسیای غربی و خاورمیانه از این طریق قادر به تماس با شرق آسیا، ژاپن و ساحل غربی قاره آمریکا می باشند.

همچنین مجاورت مالزی با کشورهای کمونیستی هندوچین بر اهمیت استراتژیک این کشور می افزاید. و نیز این کشور مرزهای طولانی زمینی، دریائی با تایلند، اندونزی، برونئی و

۱. کتاب مالزی از انتشارات وزارت امور خارجه.

فیلیپین دارد. مسئله حفظ امنیت ملی و تمامیت ارضی همواره از اهمیت خاصی در سیاست این کشور برخوردار بوده است. مالزی به دلیل دارا بودن منابع طبیعی فراوان از تولیدکنندگان مهم مواد اولیه مثل قلع، کائوچو و نفت در منطقه آسیای جنوب شرقی می باشد. و به دلیل قرار داشتن بر سر راههای دریایی و نیز موقعیت خاص جغرافیائی کشور (دوتکه بودن سرزمین) به ناچار به دنبال یافتن توان دفاعی کافی برای حفظ امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور است.

موقعیت مالزی به عنوان یک گذرگاه اصلی و مهم در آبهای جنوب شرقی آسیا باعث شده است تا اقوام و نژادهای مختلف از نقاط دیگر آسیا در این کشور جمع شوند قوم مالایو که هم در شبه جزیره و هم در جزیره زندگی می کنند بیش از نیمی از جمعیت مالزی را تشکیل می دهند. و به لحاظ سیاسی مهمترین گروه کشور هستند. آنها زبان و فرهنگ مشترك دارند و قویاً به اسلام پای بندند. بنابراین اسلام ویژگی مهمی است که نژاد مالایو را از اقوام دیگر متمایز می سازد. چینی ها که حدود $\frac{1}{3}$ جمعیت شبه جزیره را تشکیل می دهند و گونه همگونی هستند که از استانهای جنوبی چین به مالزی مهاجرت کرده اند. ولی نسبت به مالایوها از نظر زبان و مذهب کمتر همگن می باشند. اقلیتهای نژادی دیگری نیز به مالزی مهاجرت کرده اند که از جمله می توان، بنگالی ها،

پاکستانی‌ها و عربها را نام برد. بنابراین مالزی از کشورهایی است که خصیصه چند نژادی دارد.

زبان رسمی مالزی مالایو است که در سیستم آموزشی و کلیه مکاتبات کشور از آن استفاده می‌شود. زبان انگلیسی که از زمان سلطه انگلیسی‌ها در مالزی رواج یافته است به عنوان زبان دوم در مدارس تدریس می‌شود. در گذشته زبان مالایو با خط و الفبای عربی تحریر می‌شد. ولی در زمان استعمار به الفبای لاتین تغییر یافت. در مالزی هم چون دیگر کشورهای در حال توسعه توجه خاصی به کاهش میزان باروری شده و فعالیتهایی از طریق مجمع ملی برنامه ریزی خانواده به عمل آمده است. باوجود این سرعت رشد جمعیت در حال حاضر به مراتب بیش از ۲ درصد می‌باشد. پراکندگی جمعیت در دو ایالت شرقی، در ساراواک ۱۰ نفر در هر کیلومتر مربع و در صباح ۲۵ نفر می‌باشد. چینی‌ها کمترین میزان مرگ و میر را دارند در حالیکه روستائیان مالایی بالاترین میزان مرگ و میر را در سطح کشور دارند.

الگوی توزیع جمعیت شامل دو ناحیه پرجمعیت و کم جمعیت است ناحیه متراکم، کمربند کائوچو و قلع است. که باعرض ۸۰ کیلومتر از ساحل غربی شبه جزیره از پریس تا ظهور ادامه دارد در این ناحیه که فقط ۳۰٪ خاک مالزی غربی را تشکیل می‌دهد، حدود $\frac{3}{4}$ جمعیت زندگی می‌کنند $\frac{1}{8}$ جمعیت

نیز در کلانتان، و نیز دلتای رود ترنگانو واقع در شمال شرقی کشور ساکن هستند بقیه جمعیت کشور در نقاط دیگر سکنی گزیده‌اند. که در این رابطه اراضی مرتفع داخلی کشور از نقاط کم جمعیت است. تراکم جمعیت در ناحیه شرقی شبه جزیره مشهودتر از همه قسمت‌هاست. تقریباً $\frac{1}{3}$ جمعیت مالزی غربی در شهرها ساکن هستند و دو سوم بقیه در کمر بند قلع و کائوچو^۱

ورود اسلام در منطقه مالاکا

دین رسمی مالزی اسلام است و اکثریت مردم این کشور پیرو آن می‌باشند ورود اسلام به این منطقه برمی‌گردد به سال ۱۳۴۸۱ میلادی، بیش از ۶۰۰ سال قبل، از سنگ نوشته‌ای که به زبان عربی در منطقه ترنگانو، مرکز ایالت کلانتان بدست آمد و نشان از ورود بازرگانان مسلمان به این منطقه می‌داد. منطقه مالاکا از دیرباز خاطر موقعیتهای اقتصادی مورد توجه بازرگانان عرب مسلمان واقع شده بود. در سال ۱۴۱۴ میلادی شخصی به نام سید عبدالعزیز که از جدّه آمده بود، توانست دین اسلام را به مردم این منطقه معرفی و آشنا کند. پادشاه این منطقه از جهان با اسلام آشنا شد و نامی اسلامی برای خود برگزید. پس از آن همه اطرافیان و وزراء و شخصیت‌های دولتی

۱. ر. لک: همان منبع.

به اسلام گرویدند و کم‌کم اسلام در بین ملت این سرزمین نفوذ کرد، و همه به فراگیری اصول و فلسفه اسلام مشغول شدند. در مدت کوتاهی علمای زیادی تربیت شدند و علوم مختلفی اسلامی برای جامعه به آموزش گذاشته شد، اسلام رشدی زاید الوصف نمود.

و مردم این سامان گروه بزرگی از امت محمدص را تشکیل دادند. و فوج فوج به این دین تازه می‌گرویدند. «اذا جاء نصر الله والفتح. ورايت الناس يدخلون في دين الله افواجا». و دین اسلام در این منطقه از جهان، با هزاران جزیره اش، روز به روز انتشار می‌یافت، تا اینکه تمام منطقه مالاکا و جنوب شرق آسیا را فراگرفت

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»
دینی که تمام برنامه‌ها و تعالیمش براساس فطرت انسانی استوار باشد در مدت کوتاهی تمام جنوب شرق آسیا را دربرخواهد گرفت.

ترکیب مذهبی در مالزی

آئینی بودا دینی است که در شرق آسیا پیروان فراوان دارد. دینی که از هند برخاست ولی در مشرق زمین رشد کرد. در این کشور نیز، بیشتر پیروان آیین بودا، افراد چینی الاصل مالزی هستند. پیشینه این مذهب به آغاز قرن نهم میلادی در سوماترا

بازمی‌گردد. از همان دوران، نفوذ تدریجی آئین بودا در مالزی آغاز شد. با مهاجرت چینی‌ها به مالزی در قرن ۱۹ و نیز سالهای مقارن جنگ جهانی دوم، آئین بودا به عنوان یکی از مذاهب رسمی کشور به رسمیت شناخته شد.

آئین هندو یکی از مذاهبی است که در قرن نوزدهم توسط بازرگانان هندی به این کشور آورده شد. معابدی نیز در کوالالامپور و دیگر نقاط برای هندوها وجود دارد. براساس آمارهای رسمی ۱۹۸۷، حدود ۷٪ جمعیت مالزی (یک میلیون نفر) مسیحی هستند باوجود فعالیتهای وسیع مبلغان مسیحی در مالزی و اقداماتی مثل تأسیس مرکز پزشکی و مدارس مذهبی و غیر مذهبی انگلیسی زبان، گرایش قابل توجهی نسبت به مسیحیت در میان مردم این کشور به وجود نیامد.

مذاهب مختلف و گرایشهای گوناگون آنها

از میان ادیان دیگری که در مالزی پیروانی دارد. می‌توان آئین کنفوسیوس، تائوئیسم، آئیمیسیم را در میان چینی‌ها و مذهب سیک را در میان هندی‌ها نام برد. پادشاه، نخست‌وزیر و حاکمان ایالات مالزی باید مسلمان باشند ولی اعضای کابینه می‌توانند از میان پیروان سایر ادیان نیز انتخاب بشوند. تعلیم اسلام در مالزی با فرهنگ بومی این منطقه آمیخته شده، نمازجماعت در مساجد مختلف برگزار می‌شود. آئمه جمعه

نیز در سراسر کشور به اقامه نماز جمعه می پردازند. که در شهر کوالالامپور این مراسم در مسجد نگارا (مسجد ملی مالزی) برقرار و خطبه نماز به نام پادشاه خوانده می شود. البته متنی خطبه های ائمه جمعه از سوی دولت تهیه و تنظیم می گردد^۱.

مراسم نماز عید فطر و جشن میلاد پیامبر (ص) نیز هر سال در مالزی با تشریفات خاصی برگزار می شود. دیگر ادیان و مذاهب نیز تشکیلات و مراسم مخصوص بخود را دارند. ادیان مختلف فرهنگهای مختلفی نیز در جامعه مالزی به منصف ظهور می رسانند. برای مثال گرایش افراد چینی الاصل به فعالیت های اقتصادی و اشتغال بیشتر آنها در مشاغل تجاری و خصوصی باعث پیداشدن نوعی فرهنگ سوداگرانه متمایل به ارزشهای غربی در میان آنها شده است. پیوند تاریخی فرهنگی میان مذهب اسلام و نژاد مالایو هویت اصلی فرهنگ مالایو را تشکیل می دهد. از جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود.

رعایت حجاب اسلامی توسط زنان مسلمان، اجرای احکام و رعایت سنن اسلامی در زندگی خصوصی افراد، مانند (تولد، ازدواج، طلاق و مرگ)، منزلت برجسته سادات، حجاج، روحانیون و معلمان مذهبی، قرائت قرآن خصوصاً در ماه مبارک رمضان مسلمانان مالزی خصوصاً در دهه های اخیر از نیروهای فعال در صحنه سیاسی کشور بوده اند و اکنون نیز حزبها و

جمعیت‌های اسلامی نقش مهمی در مسائل سیاسی و فرهنگی دارند و شخصیت‌های برجسته‌ای از روحانیون، روشنفکران و استادان دانشگاه را در خود جای می‌دهند. مسلمانان مالزی همواره در مسائل بین‌المللی مربوط به جهان اسلام مثل فلسطینی و افغانستان مواضع مثبتی اتخاذ نموده‌اند.

و اما چینی‌های مالزی تأکید زیادی بر تلاش فردی در کسب و کار و اقتصاد دارند. و غالباً در مشاغل آزاد و خصوصی به ویژه در بخش تجاری مشغول به کار هستند. این گروه به دلیل روابط خاص درونی و تأکیدی که بر وجدان قومی نژادی خویش دارند، اجتماع نسبتاً همبسته و متمایزی را تشکیل می‌دهند. افراد تحصیل کرده چینی در محافل و حزب‌های خود از نفوذ و اعتبار بیشتری برخوردارند. به طور کلی چینی‌های مالزی جزو قشرهای مرفه جامعه به حساب می‌آیند و ضمن تمایل به ارزشهای غربی، اهمیت خاصی برای ادامه تحصیل و نیز آموختن زبان انگلیسی قائلند. و اما افراد هندی‌الاصل مالزی هنوز از فرهنگ آبا و اجدادی خود متأثرند و این امر در ساختار خانواده و در روابط خویشاوندی و نیز نحوهٔ خوراک و پوشاک آنان نمایان است. طبقه تحصیل کرده و بور و کراتهای هندی نیز بیشتر به ارزشهای غربی تمایل دارند، افراد این گروه غالباً در مشاغل تجاری و کسب و کار بازرگانی فعالیت دارند.

باتوجه به موارد فوق، سیاست تازه دولت، شرکت مالایوها

در بخش مدرن اقتصادی در نظر گرفته شده است. از جمله کنترل ثروت و حدود ۳۰٪ ثروت کشور را تا سال ۱۹۹۱ به آنها اختصاص دهد. دولت وجود این اقدامات را بهترین راه ایجاد برابری اقتصادی می‌داند. در نتیجه شرکتهایی تشکیل شد تا مشارکت مالایوها را در امر اقتصاد عملی سازد مهمترین این شرکتها «شورای امانت مردم بومی»، «شرکت سرمایه‌گذاری دولتی» و «سازمان توسعه شهری» است. اقدامات دولتی در جهت مشارکت بیشتر مالایوها در مسائل اقتصادی و امتیازاتی که برای آنها منظور شد، ریشه در همان تصور قدیمی داشت که معتقد بودند قدرت اصلی در عرصه‌های سیاست و اقتصاد باید به قوم مالایو تعلق داشته باشد. چینی‌ها و هندیها از سلطه سیاسی مالایوها و اولویتهایی که برای آنها منظور شده است راضی نیستند، در نتیجه دولت مالزی سعی می‌کند ضمن توجه به موقعیتهای نژادی مالایوها که اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند ثبات و تعادل جامعه را حفظ کرده و خطر عوامل تشنج‌آفرین را به حداقل ممکن برساند. و چینی‌ها و هندی‌ها هم سلطه سیاسی و اولویتهای مالایوها را امری ضروری برای صلح و آشتی ملی پذیرفته‌اند. بخش قابل توجهی از مردم مالزی بخصوص دو گروه فوق‌الذکر، خصوصاً شهرنشینان و نسل جوان این کشور متمایل به ارزشهای فرهنگی غرب می‌باشند و این امر در مظاهری

همچون نحوه پوشاك، گذران اوقات فراغت بویژه مسائل هنری مثل فیلم و موسیقی نمایان است^۱.

آموزش و بهداشت در مالزی

جوانان مالزی علاقه زیادی به ادامه تحصیل در سطوح عالی و کسب مهارت‌های فنی و تخصصی بویژه در مراکز علمی معتبر کشورهای غربی دارند. بطوریکه شمار دانشجویان مالزیایی در آمریکا از ۴۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۱ به ۲۴۰۰۰ نفر در ۱۹۸۶ افزایش یافته است. دانشجویان مالزی در آمریکا از نظر تعداد در مقایسه با سایر کشورها، بعد از تایوان در مقام دوم جای دارند. آموزش ابتدایی و متوسطه در مالزی رایگان است، که وزارت آموزش و پرورش مسئولیت آن را به عهده دارد. علاوه بر آن مؤسسات آموزشی خصوصی هم وجود دارند که زیر نظر وزارت آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند. (مانند مدارس غیرانتفاعی خودمان!) زبان اصلی در تمام سطوح آموزشی زبان مالایو است و زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم تدریس می‌شود. آموزش زبان‌های چینی و تامیل نیز در مدارس خاصی رایج است.

برای ثبت نام در مدارس ابتدایی وجهی دریافت نمی‌شود،

۱. ر. ک: کتاب مالزی از انتشارات وزارت خارجه.

ولی در دوره دوم متوسطه هر دانش آموز می بایست مبلغی حدود ۷/۵ تا ۱۵ دلار مالزی در ماه پرداخت کند^۱.

در مالزی ۷ دانشگاه بزرگ با ۲۸ دانشکده تربیت معلّم و ۵ پلی تکنیک وجود دارد که جمعاً یکصد هزار دانشجوی را در خود جای داده است، انجمنها و انستیتوهای آموزشی نیز به تربیت و آموزش دانشجویان مختلف در زمینه های گوناگون مشغولند.

کتابخانه های معظم و مهمی نیز در کلیه ایالات وجود دارد. بعنوان مثال کتابخانه عمومی کوالالامپور که در سال ۱۹۶۶ تأسیس شده مشتمل بر ۴۵۰۰۰ جلد کتاب می باشد.

در این کشور ۹۳ بیمارستان دولتی وجود دارد که در مجموع شامل ۲۵۲۰۱ تخت می شود. بعلاوه بیمارستانهای خصوصی نیز در مالزی دایر است. در مالزی به طور متوسط برای هر ۳۴۰ نفر یک تخت بیمارستانی وجود دارد.

تعطیلات و روزهای ملی در مالزی

در جامعه چند نژادی و چند مذهبی مالزی تعطیلات و جشنهای متعددی وجود دارد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از: روز ملی ۳۱ اوت - روز تولد پادشاه - عید فطر - عید قربان -

۱. ر. ک: کتاب مالزی از انتشارات وزارت خارجه.

میلاد پیامبر اکرم (ص)، سال نوچینی که اکثر ایالات مالزی به مدت دو روز تعطیل است - جشن سالروز تولد بودا - جشن چراغها - که یکی از بزرگترین جشنهای هندوان است. کریسمس سالروز تولد حضرت مسیح. همچنین روز تولد حاکم هر ایالت در همان ایالت تعطیل عمومی است. روز کارگر و اول ماه محرم نیز تعطیل می باشد.

مطبوعات و رادیو و تلویزیون

قشر بالای باسواد و تحصیلکرده، بخصوص در جوامع شهری، موجب پیدایش و نشر مجلات و روزنامه های بیشماری گردیده، که به زبانهای مختلف مالایو، چینی، انگلیسی، تامیل و پنجابی بصورت روزانه و هفتگی و ماهانه منتشر می شود. ضمناً بخاطر وجود احزاب فراوان که تعداد آنها به چهل می رسد اکثر نشریات وابسته به احزاب گوناگون می باشند. از این تعداد:

۷ روزنامه انگلیسی زبان با تیراژ متوسط یک میلیون و دویست هزار که بصورت صبح و عصر منتشر می شود.
۶ روزنامه چینی زبان با تیراژ متوسط بیش از یک میلیون که انتشار آنها یومیه می باشد. ۷ روزنامه یومیه هم به زبان مالایو انتشار می یابد که تیراژ آنها نزدیک به یک میلیون و سیصد هزار می باشد. سه روزنامه تامیلی زبان بصورت یومیه با تیراژ دویست

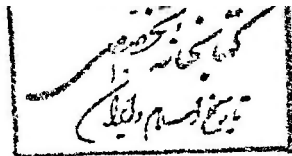
و هفت هزار چاپ و انتشار می‌یابد. دو روزنامه پنجابی زبان با تیراژ کم حدود ۵۰۰۰ نسخه عصرها منتشر می‌شود. مجلاتی هم به زبان مختلف بصورت هفتگی و ماهانه چاپ و منتشر می‌شود که مجلات مالایو زبان هم از لحاظ تعداد و هم از نظر تیراژ مقام اول را دارد. آژان ملی خبری مانوی (برناما) نام دارد که وظیفه این مؤسسه تهیه خبر و عکس و گزارش از کشور و دنیای خارج است و رساندن آن به بقیه نشریات و سایر رسانه‌های گروهی. بیش از ۳۵ مؤسسه انتشاراتی در مالزی وجود دارد که سیزده مؤسسه در کوالالمپور و بیست و دو مؤسسه دیگر در بقیه ایالات متمرکز شده‌اند. وقت محلی هشت ساعت جلوتر از زمان گرینویچ می‌باشد.

رادیو مالزی شش شبکه داخلی دارد و هفته‌ای ۴۱۴ ساعت برنامه پخش می‌کند. بر اساس آمارهای ۱۹۸۲ حدود ۸۰٪ جمعیت بزرگ‌دان که ۶/۲ میلیون نفر جزو شنوندگان برنامه‌های رادیو هستند. حدود ۷۵٪ مردم گیرنده‌های رادیویی دارند. براساس قوانین مالزی دارندگان رادیو و تلویزیون باید مجوز رسمی از وزارت اطلاعات بگیرند و سالایانه مبالغی به دولت بپردازند. تعداد گیرنده‌های تلویزیونی کشور ۱۶۰۰/۰۰۰ دستگاه می‌باشند. تلویزیون مالزی دارای دو شبکه رنگی است که هفته‌ای ۱۱۷ ساعت برنامه پخش می‌کند. وزارت اطلاعات مالزی در جهت انجام

وظایف فوق به کنترل مطبوعات اخبار منتشر شده از سوی آژانس ملی خبری، فیلمها و برنامه های رادیو تلویزیون می پردازد اموری نظیر صدور اجازه انتشار مطبوعات و کنترل آگهی های تبلیغاتی و نیز آموزش کارکنان شاغل در وسایل ارتباط جمعی را عهده دار است. وظیفه کنترل کتابها و نشریاتی که از خارج وارد می شود به عهده وزارت اطلاعات است.

محصولات کشاورزی و معدنی و صادرات آن

مالزی یکی از غنی ترین کشورها از نظر منابع طبیعی در آسیای جنوب شرقی و یکی از بزرگترین صادرکنندگان روغن نخل در جهان و در عین حال صاحب منابع عظیم نفت و گاز طبیعی است. جمعیت کشور که غالباً کشاورزند حدود هفده میلیون نفرند که ۸۲/۷٪ آنها در مالزی غربی زندگی می کنند. کائوچو - ابتدائاً در قرن ۱۹ از کشور برزیل به این منطقه آمد و کشت آن در تمام نقاط کشور توسعه یافت. بطوریکه پس از برزیل این کشور مهمترین تولیدکننده کائوچو در جهان به شمار می آید و در مقام دوم جهانی است. این پیشرفت و افزایش تولید برای مالزی که وسعتش $\frac{1}{27}$ برزیل است شگفت آور می نماید، کائوچو یکی از مهمترین محصولات گیاهی است که در کلیه صنایع اعم از الکتریکی، پزشکی، اتومبیل سازی، اسباب بازی، لوازم خانگی، صنایع



هواپیمائی و بخصوص لاستیک سازی مورد مصرف دارد. و از این بابت با اینکه شاید مالزی آخرین کشوری بوده که به این گیاه و صنعت ناشی از آن دست پیدا کرده، ولی پیشرفتش نسبت به بقیه کشورها بیشتر بوده و از این بابت هر ساله میلیاردها دلار ارز نصیبش می گردد. این ماده پشتیبان اصلی اقتصاد مالزی از دوران استعمار بریتانیا بوده است.

دومین محصول کشاورزی مالزی روغن نخل است که هر ساله میلیونها تن از این محصول را به جهان صادر می کند. مالزی به عنوان بزرگترین تولید کننده روغن نخل جهان به میزان ۵/۵٪ تجارت جهانی را در ۱۹۸۷ به خود اختصاص داد.

مهمترین محصول کشاورزی مالزی برنج است. هر چند ماهیگیری جایگاه مهمی در نواحی ساحلی دارد و شکار حیوانات و پرندگان یکی از فعالیتهای مهم مردم بومی منطقه ساراواک و صباح است در حدود ۹۶٪ محصول برنج کشور از مزارع برنج شبه جزیره مالزی به دست می آید. کاکائو- مالزی مقام خود را به عنوان سومین تولید کننده جهانی کاکائو بعد از ساحل عاج و برزیل همچنان حفظ کرده است. به عبارت دیگر مالزی ۴/۱۰٪ تولید جهانی ۴/۲ میلیون تنی در ۱۹۸۹ را در اختیار داشت.

فلفل: فلفل نیز یک محصول استراتژیک و ارزآوری است که

صدها هزار هکتار از سرزمینهای مالزی را به زیر کشت خود برده است. با وجودیکه همه، هندوستان را مترادف با فلفل می‌شناسند. ولی مالزی همیشه حرف اول را در تولید فلفل جهانی می‌زند با وجودیکه وسعتش فقط $\frac{1}{10}$ هندوستان می‌باشد. ایالت ساراواک با تولید ۲۳۰۰۰ تن فلفل در ۱۹۸۹ حدود ۹۹٪ کل تولید کشور را در اختیار داشته است. بخشهای دیگر کشاورزی چون آناناس، میوه و تنباکو در ۱۹۸۹ روند صعودی داشته است.

جنگل: تولید الوار یکی از بخشهای مهم در حال گسترش اقتصاد مالزی بخصوص در ایالت صباح است. خریداران سنتی چوب مالزی، ژاپن، کره جنوبی و تایوان و نیز خریداران غیر سنتی به ویژه هند و جمهوری خلق چین تقاضای خود را افزایش داده‌اند. معادن این کشور بیشتر شامل نفت خام، قلع و گاز مایع می‌باشد.

مالزی بزرگترین تولیدکننده قلع جهان است و به تنهایی ۴۰٪ قلع جهان را تولید می‌کند ولی در سال ۱۹۸۹ تولید آن به ۱۸/۴٪ تولید کل جهان رسید و به ۱۶۳۱۰۰ تن بالغ شد و در رده سوم تولیدکنندگان جهان پس از برزیل و اندونزی قرار گرفت^۱.

۱. اطلاعات و آمار مطالب فوق از منابع مختلف داخلی و خارجی جمع‌آوری شده.

تولید و صادرات روزانه نفت به ۶۰۰/۰۰۰ بشکه رسید و عمده صادرات آن به کشورهای نزدیک خود یعنی تایلند - سنگاپور - ژاپن - فیلیپین تعلق دارد. نفت مالزی از بهترین نوع نفت دنیا است بطوریکه قیمت آن حدود ۲ دلار گرانتر از بقیه بفروش می‌رسد. لذا مالزی نفت خود را ۲ دلار گرانتر می‌فروشد و برای مصرف خود نفت ارزان‌تر وارد می‌کند.

این کشور از لحاظ منابع نفت در جهان مقام بیست و سوم و از لحاظ گاز در جای شانزدهم ایستاده است. البته تمام صادرات مواد اولیه و غیره صرف صنایع مادر و پیشرفت و تکنولوژی کشور خواهد شد. نه اینکه با فروش منابع و معادن به وارد کردن مصنوعات غربی مبادرت ورزند و به این مصرف افتخار کنند. بطوریکه پس از مدت کوتاهی مالزی بصورت پیشرفته‌ترین کشور اسلامی و از فهرست کشورهای در حال توسعه بیرون آمده است. درآمد سرانه به ۲۰۵۰ دلار در سال رسیده که باز هم رو به افزایش است. تقریباً در همه زمینه‌ها به خودکفائی رسیده است. در صنایع غذایی - چرم - کفش - پلاستیک - کائوچو - نساجی - شیمیایی - لاستیک - کشتی سازی و کشتیرانی دارای یک اتومبیل ملی بنام (ساگا) است که کلیه قطعات آن در داخل کشور ساخته می‌شود اتومبیلی زیبا و پیشرفته و شبیه سواریهای تویوتا می‌باشد. در کلیه زمینه‌ها به خودکفائی رسیده حتی مازاد تولیداتش را پائین‌تر از قیمت

جهانی به فروش می‌رساند، با اینکه غول قدرتمندی چون ژاپن و کره جنوبی را در کنار خود دارد. ولی جهت فروش اتومبیلش بازارپایی کرده و آنرا به فروش می‌رساند.

رشد سریع صنایع و اقتصاد کشورهای تازه صنعتی شده شرق آسیا مانند تایوان، کره جنوبی سنگاپور و هنگ کنگ موجب غبطه بسیاری از کشورهای جهان سوم بوده است. این کشورهای تازه صنعتی شده نمونه توسعه اقتصادی در جهان سوم بر پایه تجارت است. از مالزی در بررسی های اقتصادی به عنوان یک ستاره در حال اوج در میان کشورهای در حال توسعه یاد می‌شود. از نظر میزان رشد سرانه در میان ۱۲۸ کشور در ۱۹۸۲ مالزی در رده ۱۳ قرار می‌گیرد. به دنبال کشف قلع در پراک و سلانگور که به مهاجرت سریع چینی ها و هندی ها برای کار در معادن قلع دامن زد. راه آهن، جاده، و دیگر تسهیلات زیربنایی بزودی در امتداد کمربند قلع بوجود آورد. دومین توسعه که اقتصاد نوین را بسیار فراتر از معادن قلع برد با کشف کائوچو شروع گردید. در ابتدای قرن نوزدهم قیمت کائوچو در بازار جهانی به دلیل نیاز صنایع جدید اتومبیل بالا بود. کشف کائوچو بعد از ۱۹۰۵ با قاچاق تخم کائوچو به خارج از برزیل و عرضه آن به مالزی به سرعت توسعه یافت از آنجائی که مالزی درآمد خوبی از دو صادرات عمده خود کائوچو، قلع به دست می‌آورد، برای صنعتی شدن مانند کشورهای دیگر

سیاست صنایع سنگینی به مرحله اجرا گذاشته شد. مانند: فولاد، سیمان، کاغذسازی موتورهای کوچک و اتومبیل که ارزش کل پروژه به ۴/۲ میلیارد دلار مالزی رساند که آخرین آنها پروژه اتومبیل ملی، سمبل حرکت مالزی به سمت صنایع سنگینی بود.

در همان حال (ماها تیر محمد) صنعت مالزی را تشویق می کرد که تحت سیاست (نگاه به شرق) سیاستهای اقتصادی ژاپن و کره جنوبی را مورد توجه قرار دهد. مراکز مبادله تجاری بزرگ به سبک ژاپن به منظور توسعه صادرات ایجاد شد و در همان حال سیاست (واگذاری به بخش خصوصی) به مرحله اجرا درآمد. بعنوان مثال در صنایع الکترونیک، مالزی به بزرگترین صادرکننده مدارهای الکترونیک در دنیا تبدیل شده است.

حقوق و درآمد و میزان تورّم

میزان تورّم هر چند که فزاینده است، ولی در مقایسه با بسیاری از کشورها از جمله کشورهای آمریکای لاتین در سطح پائین قرار دارد. آخرین آمارها در ۱۹۹۱ میزان تورّم کشور مالزی را ۴/۵٪ اعلام کرده اند. حقوق و درآمد، دارای اختلاف فاحش نیست. بطوریکه یک پزشک متخصص ماهیانه ۲۰۰۰ رینگیت دریافت می دارد. یک معلم و یا کارمند ۱۲۰۰

رینگیت و یک پزشک عمومی حدود ۱۵۰۰ رینگیت.

حمل و نقل و ارتباطات

حمل و نقل و ارتباطات در مالزی بسیار خوب است. راه آهن دولتی مالزی حدود ۲۲۰۰ کیلومتر در شبه جزیره خط ریل دارد خط آهن اصلی در ساحل غربی از سنگاپور در جنوبی ترین نقطه کشور تا کشور تایلند در شمالی ترین آن امتداد دارد. و خطوط فرعی دیگر که شهرها و ایالات را به هم متصل می کند. راههای زمینی کلیه ایالات و شهرها را بهم متصل می کند این راهها از شمال به تایلند و از جنوب به سنگاپور منتهی می شود. بنادر مهم مالزی نقش اصلی در تجارت و اقتصاد کشور دارد که مهمترین آنها عبارتند از گلانگ - پنانگ - ظهور - کوانتان و کوتاکینا بالودر ایالت صباح. کشتیرانی و دریانوردی نیز دارای سرویسهای منظمی به تمام جهان بخصوص شرق و جنوب آسیا می باشد. مالزی پنج فرودگاه مهم بین المللی در کوالالامپور جاهور - کوتاکینا بالو - کوچینگ و پنانگ دارد - شرکت هواپیمائی مالزی به ۳۷ نقطه داخل و ۲۲ نقطه خارج از کشور پرواز دارد که نقاط خارجی شامل شرق، جنوب شرق و جنوب آسیا و استرالیا می باشد و از اروپا فقط فرانسه و انگلیس را تحت پوشش دارد.

بانکداری و بیمه در مالزی پیشرفته و فعال است. این کشور

دارای یک بانک مرکزی که عهده دار نظارت بر بقیه بانکها، ضرب سکه و چاپ اسکناس و ارتقاء و ثبات پول می باشد و ۳۵ بانک تجاری دیگر و بیش از ده بانک خارجی که در مالزی سرمایه گذاری کرده اند. ژاپن، آمریکا، و آسه آن و جامعه اقتصادی اروپا عمده شرکای اصلی تجاری مالزی هستند.

سنگاپور سومین شریک تجاری مالزی پس از ژاپن و آمریکا می باشد که مجموع تجارت با این کشورها ۷۴٪ مجموع تجارت مالزی را تشکیل می دهد.

موقعیت قابل رقابت محصولات مالزی در خارج و نیز تقاضاهای خارجی باعث گردیده تا صادرات محصولات ساخته شده مالزی تاکنون همچنان روند صعودی داشته است. در میان کالاهای گوناگون، صادرات تولیدات الکتریکی و الکترونیکی به همراه منسوجات لباس و کفش، بخش عمده محصولات صادراتی مالزی را تشکیل می دهد^۱.

تاریخچه ورود انگلیس به منطقه

در ۱۸۷۴ انگلیس اولین قدم را برای کنترل این کشور برداشت و در ۱۸۹۵ قسمت اعظم آن مستعمره انگلیس شد. از آن زمان تا ۱۹۵۷ مبارزات زیادی در راه استقلال برداشته شد.

۱. کتاب مالزی از انتشارات وزارت خارجه.

که این مبارزات بیشتر از راه وحدت و ائتلاف احزاب مختلف و گوناگون به ثمر رسید.

مهمترین این احزاب حزب آمنو به رهبری تنکو عبدالرحمن و حزب چینی *MCA* بالاخره در ۱۶ سپتامبر ۱۹۶۳ تشکیل کشور مالزی شامل ایالات شبه جزیره سنگاپور، صباح و ساراواک اعلام شد. (لی کوان یو) رهبر سنگاپور که حزب سوسیالیست *PAP* را در انتخابات ۱۹۵۹ سنگاپور به پیروزی رسانده بود از آن به بعد تلاش داشت سنگاپور را به محیط مناسبی برای سرمایه گذاری خارجی تبدیل سازد (لی کوان یو) که یک چینی تحصیلکرده انگلیس بود. به دنبال این بود که حزب چینی *MCA* را در ائتلاف حاکم مالزی بگیرد و در شبه جزیره جای پای برای خورد بدست آورد. به هر حال موضوع حزب *PAP* و سنگاپور به وضعیتی نسبتاً پیچیده‌ای در مالزی تبدیل شده بود تا اینکه در اوت ۱۹۶۵ تنکو عبدالرحمن پس از ۱۳ ماه اقامت در خارج و ملاقات مخفی با (لی کوان یو) و اعضای کابینه فدرال و کابینه سنگاپور، خروج آزاد سنگاپور را از فدراسیون فراهم ساخت و در ۹ اگوست ۱۹۶۵ سنگاپور یک کشور مستقل گردید.

قانون اساسی مالزی تحت تأثیر شرایط سیاسی بعد از جگ جهانی دوم تدوین شد شرایطی که ویژگی آن عبارت بود از رشد ناسیونالیسم مالایو و تلاش اقوام غیر مالایو برای کسب حق

شهروندی و حقوق کامل سیاسی. انگلیس قصد داشت حق کامل شهروندی به چینی‌ها که از لحاظ اقتصادی قدرتمند بودند اعطا کند در حالی که مالایو آن را یک تهدید جدی علیه موقعیت ویژه خود می‌دیدند. بالاخره قانون اساسی جدید در ۲۱ اوت ۱۹۵۷ به هنگام اعلام رسمی استقلال مالزی به مرحله عمل درآمد.

حکومت: حکومت مالزی پادشاهی مشروطه انتخابی است. پادشاه مالزی توسط شورای پادشاهان (متشکل از سلاطین ۱۹ ایالت) انتخاب می‌شود. عنوان رؤسای ایالات سلطان است. و فرمانداران ایالات چهارگانه از طرف پادشاه تعیین می‌گردند. پادشاه برای یک دوره پنجساله انتخاب می‌شود. هر سلطان در ایالت خود رئیس ایالت محسوب و قدرت او محدود است. سلطان رئیس تشریفاتی ایالت و رئیس مذهب اسلام در داخل ایالت و نگهبان سنتهای مالایو است. پادشاه مالزی رئیس کشور است و طبق قانون اساسی نخست وزیر را با تصویب پارلمان منصوب می‌کند. انتصاب قضات دادگاه فدرال و دادگاههای عالی به پیشنهاد نخست وزیر و تصویب پادشاه صورت می‌گیرد. فرماندهی کل قوای مسلح نیز با وی می‌باشد. وی حق امضای عناوین افتخاری را داشته و سفرای خارجی را می‌پذیرد. همچنین پادشاه حق انحلال پارلمان را حتی بدون پیشنهاد نخست وزیر دارد.

نخست وزیر رئیس دولت بوده و مسئول امور کلی مملکت اعم از امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره می باشد. قوه مقننه - طبق قانون اساسی مالزی، پارلمان شامل دو مجلس قانونگذاری می باشد (مجلس نمایندگان و سنا). پارلمان بالاترین مرجع قانونگذاری دانسته می شود که دوره آن پنج سال است.

تقسیمات کشوری و اداری

فدراسیون مالزی شامل دو قسمت مجزای شرقی و غربی است. شبه جزیره مالایا یا مالزی غربی شامل ۱۱ ایالت و مالزی شرقی در جزیره برنتو شامل دو ایالت صباح و ساراواک می باشد. مرکز فدراسیون مالزی شهر کوالالامپور است که مساحت آن بیش از ۲۰۰ کیلومتر مربع است. شهرهای مهم این کشور که بیش از صد هزار جمعیت دارند عبارتند از: پنانگ، ایپو و جوهور با هارو ایالات شبه جزیره مالزی یا مالزی غربی ۱- ظهور- که در جنوبی ترین منطقه شبه جزیره بوده. این ایالات توسط یک پل به سنگاپور متصل می شود.

۲- کداه- این ایالت به جام برنج مالزی معروف است.

۳- کلاتان- این ایالت مرکز فرهنگ مالایو است.

۴- مالاکا- مرکز آن ملاکا است که از قدیمی ترین شهرهای مالزی بوده و دارای ساختمانی از زمان حضور پرتغالی ها و

هلندی ها باشد.

۵- نگری سمیلان

۶- پاهانگ - بزرگترین ایالت شبه جزیره مالزی است.

۷- پنیانگ - این ایالت به مروارید مشرق زمین معروف است.

۸- پراک - پراک ایالت قلع مالزی است.

۹- پرلیس - کوچکترین ایالت مالزی و هم مرز تایلند است.

۱۰- سلانگور - با ۸/۲۰۰ کیلومتر مربع مساحت جمعیتی

معادل یک و نیم میلیون نفر را در خود جای داده و مرکز آن

منطقه (شاه علم) است. بندر کلاگ بزرگترین بندر کشور در این

ایالت قرار دارد. همچنین شهر کوالالامپور.

۱۱- ترنگانو

ایالات مالزی شرقی

۱- صباح

۲- ساراواک - این ایالت بزرگترین ایالت کشور است.

دو منطقه فدرال در مالزی عبارت است از: کوالالامپور در

ایالت سلانگور و لابوان در ایالت صباح. منطقه کوالالامپور

۲۴۴ کیلومتر مربع مساحت و جمعیتی حدود ۹۵۰/۰۰۰ نفر

دارد.

دربافت سیاسی کشور و انتخابات نمایندگان پارلمان

احزاب نقش ویژه ای دارند.

این احزاب از مهمترین و بزرگترین آن (آمنو) تا کوچکترینشان سعی دارند به نحوی در اداره کشور و به دست گرفتن مسئولیتهایی نقش داشته باشند.

مالزی حدود ۴۰ حزب دارد از احزاب ملی و اسلامی گرفته تا کمونیست و سوسیالیسم.

مالزی نیز مانند هر کشور دیگری دارای ارتش می باشد. ویژگی عمده نیروهای نظامی مالزی از قرار زیر است.

۱- مالایایی هستند.

۲- غیر سیاسی هستند.

۳- آمادگی کافی برای برخورد در مقابل چریکهای کمونیست داخلی را دارند^۱.

روابط خارجی مالزی همواره تحت تأثیر عواملی چون ضدیت با کمونیسم، مخالفت با تبعیض نژادی، همکاری های منطقه ای. و وابستگی کشور به صدور محصولات کشاورزی و معدنی بوده است. سیاست «عدم تعهد» و عدم دخالت در مناقشات ابرقدرتها. نیز یکی از جنبه های اصلی سیاست خارجی مالزی می باشد.

چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه ۶۹

ساعت ۸ صبح به ترمینال اتوبوسرانی مراجعه و برای ساعت

۱۰ ¼ شب جهت عزیمت به سنگاپور بلیط تهیه می‌کنم. بهای بلیط از کوالالمپور به سنگاپور ۱۵ رینگیت باشد. شب قبل، زمانی که حاج ارحام (میزبان)، از تصمیم من مبنی بر مسافرت به سنگاپور آگاه شد، اظهار داشت: «سنگاپور مانع از ورود شهروندان کشورهای درگیر جنگ خلیج خواهد شد.» در پاسخ گفتم: ایران بی‌طرفی خود را اعلام نموده و به نفع هیچ یک از طرفین، درگیر جنگ نشده است. در پاسخ گفت: ولی ایران به ۲۸ فروند هواپیمای عراقی اجازه فرود در خاک خود را داده است. گفتم: اولاً ۲۸ فروند نبوده و کمتر است، ثانیاً گویا خلبانان عراقی با اختیار خود هواپیماها را به ایران آورده‌اند، نه بنا به یک دستور نظامی، ثالثاً صرف فرود صلح‌آمیز هواپیماهای عراقی در خاک ایران، نمی‌تواند ایران را متهم به دخالت در جنگ خلیج فارس کند.

با این وجود با سفارت ایران در کوالالمپور تماس برقرار کردم و مورد فوق را جویا شدم.

مخاطب که یکی از دیپلماتهای ایرانی بود، کاملاً این اتهام را رد کرد، و ورود شهروندان ایرانی را به سنگاپور بلامانع اعلام نمود.

با اطمینان خاطر روز چهارشنبه را تا شب در شهر گردش نمودم. بافت کلی شهر، خیابانها، واحدهای مسکونی، مراکز تفریحی و دیگر موارد مورد علاقه‌ام را مورد بررسی و

وصفی از شهر کوالالامپور

کوالالامپور شهری حدود ۲۰۰ کیلومتر مربع، با جمعیتی حدود یک میلیون نفر واقع در جنوب غربی مالزی مرکز استان سلانگور و پایتخت کشور ۱۷ میلیونی مالزی است که فاصله آن تا ساحل اقیانوس هند و تنگه مالاکا ۷۰ کیلومتر می باشد. بندر کلانگ بزرگترین و مهمترین بندر مالزی است که در ۷۰ کیلومتری غرب کوالالامپور قرار دارد.

کوالالامپور پوشیده از درخت است. بطوریکه از فراز بلندی، شهر به جنگلی می ماند که چندین آسمانخراش از دل آن بیرون زده است. کوالا به معنی رودخانه و پور به معنی شهر است. ایستگاه راه آهن در جنوب غربی شهر قرار دارد و تمام طول شمال تا جنوب کشور را تحت پوشش خود دارد. (وصف ایستگاه راه آهن در صفحات قبل رفت.) مشکل رفت و آمد و مسئله ترافیک و آلودگی هوا در کوالالامپور وجود ندارد. چون اولاً نسبت تعداد خیابانها به وسعت شهر متعارف است. ثانیاً تعداد اتومبیلهای شخصی و عمومی با جمعیت و دیگر پارامترها تناسب دارد. البته مختصر راه بندانهائی در بعضی خیابانهای آن به چشم می خورد ولی در ساعات انتهائی روز و مدت آن نیز کوتاه است. اکثر اتومبیلها مدل پنج سال اخیر

می باشد. به همین دلیل آلودگی کمتری ایجاد می کنند. بارش بارانهای روزانه نیز سهم مهمی در لطافت هوا و کاهش آلودگی شهر ایفا می کند. کارخانجات آلوده کننده در اطراف شهر به چشم نمی خورد.

دیدنیهای شهر بسیار زیاد است. بطوریکه اگر یک توریست بخواهد دقیق و باحوصله مورد مذاقه قرار دهد، چندین روز متوالی به طول می انجامد. از جمله دیدنیهای آن موزه ملی - موزه هنری - مسجد جامع وطنی - باغ وحش ملی - مجلس ملی مالزی - ایستگاه راه آهن - مسجد جامع قدیمی - ساختمان زیبا و قدیمی و بزرگ عبدالصمد - مرکز بزرگ اسلامی - محله چینی ها و دریاچه زیبائی واقع در جنوب غربی شهر. این شهر توریستی دارای ۴۰ هتل از ۵ تا یک ستاره می باشد. در سال ۱۹۹۰ علاوه در نامگذاری سال توریسم، به پیشنهاد ماهاتیر.. محمد نخست وزیر مالزی این شهر به نام شهر باغ و نور نام گرفت.

فروشگاههای بزرگی در سطح شهر و حومه به عرضه مصنوعات و کالاهای محلی مشغولند. از جمله *central-Market* بازار مرکزی شهر که بسیار بزرگ و انواع متنوعی از کالاها را به مشتریان داخلی و خارجی خود عرضه می کند. رودخانه ای نیز از وسط شهر می گذرد که بیشتر به مسیل می ماند. جهت دفع آب بارانهای روزانه و سیل آسائی که هوای

شهر را همواره لطیف و مرطوب نگه می دارد. آسمانخراشها بیشتر اختصاص به بانکهای چند ملیتی و وزارتخانه ها دارد. که در کنار ساختمانهای قدیمی و سنتی شهر خودنمایی می کند. برخلاف شهر پکن پایتخت چین که تقریباً تمامی خیابانها شرقی، غربی یا شمالی جنوبی است. خیابانهای این شهر اکثراً پیچ در پیچ می باشد. بخصوص در خیابانهای مرکزی شهر، این حالت بیشتر نمایان است. رعایت نظافت در تمام قسمتهای شهر به چشم می خورد از معابر عمومی و خیابانها گرفته تا دیگر اماکن. هر اداره و بانک و پاساژ جهت مراجعین خود پارکینگ دارد که بصورت پیشرفته اداره می شود. تاکسی و اتوبوس به حد کافی وجود دارد و وسایل نقلیه عمومی با ازدحام مواجه نیست.

بافت متنوع و گوناگون جمعیتی و نژادی و مذهبی، در اولین ساعات ورود هر خارجی، بخوبی نمایان است. مردم مالزی از سه نژاد و ملیت اصلی تشکیل شده است. نژاد مالایی یا ماله ای.

نژاد چینی و هندی و دیگر گروهها و نژادهای فرعی که در اقلیتند. به قول خودشان با وجود این تعدد نژادی و مذهبی جامعه ای سازگار و موافق ایجاد کرده اند. همه، از هر نژاد و قومیت و دین و مذهب و آئین با کمال اتحاد و تحمل و بردباری زندگی می کنند. و فقط به فکر پیشرفت کشور در همه زمینه ها

هستند. چون از لحاظ اقتصادی بین کشورهای همجوار رقابتی فشرده حاکم است. در قرن شانزدهم میلادی ذخایر غنی قلع در مالزی کشف شد و توجه معدنکاران و مهاجرین و استعمارگران که به دنبال سرزمینهای جدید می گشتند را بخود جلب نمود. تا اوایل قرن هیجدهم. یوگی ها سلطه خود را هم از جنبه سیاسی و هم جنبه اقتصادی با بر خورداری از جمعیت بیشتر شروع کردند. مهارت آنها بعنوان دریانورد، تاجر، و جنگجو به آنها امکان داد که دامنه نفوذ خود را در سراسر شبه جزیره بسط دهند. این آنها بودند که سلطنت فعلی سلانگور را بنیانگذاری کردند.

سلانگور یا دارالاحسان. واقع در ساحل غربی شبه جزیره مالزی مساحتی حدود ۸۰۰۰ کیلومتر مربع را می پوشاند و جایگاه بزرگترین بندر کشوری می باشد (بندر کلانگ). این استان پر جمعیت ترین ایالت کشور می باشد و در حدود ۱/۵ میلیون نفر سکنه دارد که بخش بزرگی از آنها، اطراف قلمرو فدرال کوالالامپور زندگی می کنند. هوا با وجود گرمی مطبوع است. متوسط دمای سالانه ۲۶ درجه سانتیگراد و رطوبت نسبی ۸۰٪ می باشد، مرطوب ترین ماهها بین دسامبر و فوریه می باشد (آذر تا اسفند) مالزیاییها در تاریخ هاشان نوشته اند که جنگ بین یوگی ها (نجبای مالزی) و معدنچیان قلع که چینی بودند، سلطان را مجبور کرد که حضور انگلستان را در ۱۸۷۴

بپذیرد. و بدین سان جای پای انگلستان در ادراۀ کشور و غارت منابع و معادن باز شد.

تا اینکه پس از ۸۳ سال تسلط انگلیس، این شبه جزیره در سال ۱۹۵۷ استقلال خود را بازیافت. اولین چینی های ساکن در مالزی قبل از قرن هفتم میلادی وارد این شبه جزیره شدند. اینها از ایالت (یائان) چینی بودند. تعداد زیادی از آنها در اوایل قرن نوزدهم آمدند. و در نیمه دوم قرن نوزدهم نیز تعداد زیادی مهاجر از استانهای جنوبی چین، مانند کانتون، ساوتن، هاینان و فوچو به مالزی آمدند.

بخش دوم

سنگاپور:

کشوری به مساحت یک شهر

به سوی سنگاپور

ساعت ۱۰/۵ شب، و من سوار بر اتوبوس منتظر حرکت بسوی کشور سنگاپور. با وجودیکه هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران هفته ای دو پرواز به کوالالامپور دارد ولی چون طی چهار روز اقامتم در این شهر، هیچ یک از هموطنان ایرانی را مشاهده نکردم، و چون تقریباً کلیه ایرانیانی که در مسیر مسافرت می کنند هدفشان سنگاپور می باشد، احتمال این را دادم که در داخل اتوبوس با تنی چند از هموطنانم همسفر باشم. با یک نظر که به مسافرین اتوبوس انداختم، دریافتم که تنها مسافر ایرانی این اتوبوس من هستم. اتوبوس ترمینال را ترك نموده و خیابانهای مرکزی شهر را پشت سر گذاشت. ترمینال مسافری کوالالامپور در وسط شهر قرار دارد. چون مسافرت در شب صورت می گرفت متأسفانه نتوانستم دیدنی های آنسوی شیشه را گزارش کنم. فاصله کوالالامپور تا آخرین شهر مرزی مالزی که «ظهور» نام دارد ۳۶۸ کیلومتر می باشد که همه این فاصله پوشیده از جنگل است. بخاطر

گرمای بیش از ۳۰ درجه هوا استفاده از کولر گازی در مالزی اجتناب ناپذیر است.

حتی در کلیه وسایل نقلیه، کولر اتوبوس سرمای گزنده‌ای تولید کرده بود، موضوع را با راننده در میان گذاشتم، مثل راننده های اتوبوسهای خودمان عصبانی شد و فریادی بر سر من، که: هوا گرم است و امکان خاموش کردن کولر وجود ندارد. در قهوه‌خانه بین راه که توقف نمود من نیز بر صحت ادعای وی مهر تأیید زدم. ساعاتی از شب را در خواب بودم، حالتی بین خواب و بیداری، احساسم این بود که در یکی از جاده‌های ایران در حال سفر می‌باشم. ولی هرگاه به خود می‌آمدم، موقیت خود را در منتهی‌الیه آسیای جنوب شرقی می‌دیدم.

در بین راه راننده برگه اعلامیه ورود (مانیفست) به کشور سنگاپور را بین مسافرین توزیع نمود. پرسشنامه‌ای که هر خارجی موقع ورود به یک کشور بیگانه تکمیل می‌کند.

ساعت ۵/۵ بامداد و اینجا مرز ظهور، محل خروج از کشور مالزی می‌باشد. از اتوبوس پیاده شدم و مهر خروج از کشور مالزی بر یکی از صفحات گذرنامه نقش بست، مجدداً سوار شده و هزار متر آنطرفتر پیاده شدیم. گذرگاه بین مالزی و سنگاپور دارای یک پل سیمانی یک کیلومتری است که هم قطار و هم دیگر وسایل نقلیه می‌تواند از آن عبور کند.

اینجا گمرک کشور سنگاپور است. کشوری که تا سال ۱۹۶۳ جزئی از خاک مالزی به شمار می‌رفت و اکنون بیش از ۳۰ سال است که از مادر اصلی خود جدا شده. این شیوه استعمارگران بوده و هست که کشورها و سرزمینها را تکه پاره می‌کنند. همانطور که کشور بزرگ و مسلمان عثمانی را تکه تکه کردند.

پاکستان را از هند و بنگلادش را از پاکستان جدا کردند. شبه جزیره کره را تبدیل به دو کره نمودند و خصومت بین آنها ایجاد کردند. ویتنام و یمن را نیز هم و ...

موقعیت نژادی، مذهبی و جغرافیایی سنگاپور

سنگاپور جزیره‌ای در منتهی‌الیه شبه جزیره مالزی است. این شبه جزیره بین اقیانوس آرام و هند قرار دارد. مساحت این جزیره ۶۰۰ ششصد کیلومتر مربع تقریباً مساحت شهر تهران می‌باشد.

کلیه مردم این کشور شهرنشین هستند و حدود دو میلیون و ششصد هزار نفر را در خود جای داده است.

فقط از شمال به خشکی راه دارد. توسط همان گذرگاه یک کیلومتری. این کشور در منطقه استراتژیک تنگه مالاکا قرار دارد. یکی از علل مهم دست اندازی انگلستان روی منطقه اهمیت تجاری اقتصادی این آبراه مهم و حیاتی بود قبل از آن

نیز هلندیها با تصرف اندونزی حدود سیصد سال حکمران این منطقه بودند. استعمار انگلیس به تصفیه نژادی مردم این کشور پرداخت و گروه بسیار زیادی را از مناطق جنوبی چین به این منطقه مهاجرت داد تا نژاد زرد چین بر نژاد مالایی غالب آید. و با این تفرقه نژادی وحدت ملی و مذهبی مردم این کشور را مخدوش کند. از این روست که درصد بالایی از مردم سنگاپور از نژاد زرد و دارای مذهب بودائی هستند و درصد کمی از آن نژاد ماله‌ای و اصیل محلی و گروه سوم که میتوان از آنها نام برد هندوها هستند که دو گروه اخیر غالباً مسلمان هستند و هندیهای هندو نیز در این میان یافت می‌شوند. بیشتر شغل‌های کلیدی و مهم و حساس کشور در اختیار چینی‌های سنگاپور است. مراکز مهم اقتصادی - بانکها - هتل‌ها - تجارت - صادرات - واردات نیز در اختیار آنهاست.

رئیس جمهوری و نمایندگان پارلمان نیز انتخابی هستند. با توجه به اکثریت سکنه کشور که چینی‌ها هستند، دولتمردان نیز از بین چینی‌ها انتخاب می‌شوند. مسلمانان در این کشور در اقلیتند ولی نمایندگانی در مجلس دارند. بحث پیرامون دیگر مسائل سنگاپور را به فصل‌های دیگر کتاب موکول می‌کنم.

خوف و رجا در گمرک

ساك دستی را كه وسایل شخصی ام را شامل می‌شد برداشتم

و به داخل صف گمرک رفتم. داخل صف افراد مختلف از ملیتهای گوناگون بودند که منتظر بررسی مدارک و ورود به خاک سنگاپور بودند. نوبت به من که رسید، پاسپورتم را ارائه دادم، نام کشور ایران را که روی آن دید، مرا به دفتر رئیس گمرک ارجاع داد، رئیس اعلامیه ورود مرا بررسی نمود و کلیه سؤالاتی را که قبلاً بصورت کتبی پاسخ داده بودم، این بار شفاهاً پاسخ گفتم. از مبلغی که در اختیار داشتم سؤال کرد و حتی خواستار رویت آنها شد. پولها را به او دادم، شمرد و از صحت بیاناتم مطمئن شد، خواستار تفتیش جیبها و بدنم شد. خود را در اختیار او گذاردم. دیگر صفحات پاسپورتم را بررسی نمود تا ببیند قبلاً به چه کشورهایی مسافرت کرده ام و در چه تاریخی.

راستی چرا مرا از خیل واردین به بازجویی کشانید، بخاطر ایرانی یا مسلمان بودنم؟ و یا مذهب شیعه در آنها حساسیت ایجاد نموده، و یا بخاطر دفاع مقدس هشت ساله ملتمان علیه تجاوزی آشکار؟ و یا جرمم انقلابی بود که علیه سلطه بیگانگان و یک شاه مستبد در کشورم صورت گرفته؟ و یا ...؟ این بار نوبت به بازدید از ساک و وسایل شخصی ام رسید. ابتدا آنها را از دستگاه مربوطه عبور داد، سپس شخصاً درب آنرا باز کرد و با دقت یکی یکی وسایل را چک کرد. بعد از حصول اطمینان، مجوز عبور را صادر کرد. این تشریفات و معطلی که حالتی میان خوف و رجاء را در من ایجاد کرده بود حدود یک ساعت بطول

انجامید. در فاصله حدود هفت هزار کیلومتری وطنم ایران خوف آن را داشتم که رئیس گمرک به دلایل نامعلوم مانع ورود من به سنگاپور شود و بدلیل نامعلوم و واهی مرا متهم به جرمی کند. و امید به اینکه پس از این سین جیمها از این هفت خوان بگذرم.

پنجشنبه ۲۵ بهمن - ورود به منطقه مرزی

در اولین فرصت وضو ساخته به مصطفی شدم. البته نه در مسجد و نمازخانه، که، در گوشه‌ای از سالن گمرک ... و در پایان سپاس از خدای متعال که مرا تاکنون همراهی نموده. هنوز چند قدمی از گمرک دور نشده بودم که اطاقکی توجه مرا به خود جلب نمود. روی در اطاق نوشته بود DOG-Room اطاق سگها، فهمیدم جهت بازرسیهای دقیق گمرکی از وجود سگها نیز استفاده می‌کنند. تابلو دیگری توجه مرا به خود جلب نمود: فاصله تا مرکز شهر ۲۶ کیلومتر. که به دلایل اقتصادی باید، با اتوبوس طی می‌کردم.

هنوز شب همه جا را در قبضه خود دارد. چیزی به صبح نمانده (أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ). قبل از هرچیز باید دلاراتی چند از وجه رایج آمریکا را با دلاراتی از سنگاپور تعویض کنم. باید به بانک و یا صرافی مراجعه کنم. چیزی از این باب در گمرک نبود، و یا من ندیدم. به خیابان آمدم و سراغ گرفتم. مغازه

سبزی فروشی را نشانم دادند که با حفظ سمت به خرید و فروش ارز هم مبادرت می ورزید. چون از نرخ واقعی ارز اطلاع نداشتم فقط ۵ دلار چنج (تعویض) نمودم. هر دلار آمریکا برابر با ۱/۷ دلار سنگاپور می باید. که این مبلغ تا رسیدن به مرکز شهر بوسیله اتوبوس کافی به نظر می رسید. کم کم چراغهای آپارتمانهای مسکونی که در یکصد متری مرز قرار داشت روشن میشد. که این نویدی بود بر آغاز روزی نو و تلاشی دوباره.

صبح از سفر سخت زمان می آید

زانسوی زمین و آسمان می آید

شب را به فراسوی زمین رانده به خشم

صبحی که نفس نفس زنان می آید

بر دیوار یکی از بلوکهای آپارتمانی ده دستگاه تلفن عمومی به چشم می خورد که در کنار هر دستگاه دو کتاب قطور راهنمای تلفن وجود داشت. در محوطه مجموعه مسکونی ترمینال اتوبوسرانی داخل شهری وجود داشت که شهروندان سنگاپوری را در هر لحظه به هر نقطه ای از کشور منتقل می نمود با خطوط و مسیرهای مختلف (کشوری به اندازه شهر تهران). تصور کنید مجتمع های مسکونی بسیاری در اطراف تهران قرار دارد. مثل شهرک غرب اکباتان ، آپادانا و ... هر کدام از این شهرکها فقط دارای یک خط اتوبوسرانی هستند که نیاز

معدودی از شهروندان ساکن شهرک یا مجتمع را تأمین می کند. بقیه مجبورند از وسیله نقلیه شخصی استفاده کنند. که از این بابت عواقب ناگواری مثل آلودگی هوا، ترافیک سنگینی، اتلاف وقت هزینه هنگفت و ... در پی خواهد داشت.

روی تابلو کلیه ایستگاههای اتوبوس، شماره خطوطی که از آن مسیر عبور کنند نقش بسته از هر ایستگاه حدود ده خط اتوبوس عبور می کند. هر کس از هر منطقه این کشور (که به شهر بیشتر می ماند تا به کشور) بخواهد به هر نقطه دیگر آن سفر کند، حداکثر با تعویض یک اتوبوس به مقصد خواهد رسید. اتوبوسها از لحاظ شکل ظاهر، و امکانات به سه دسته تقسیم می شوند. اتوبوسهای نو با صندلیهای شیک و دارای ایرکاندیشن هر نفر ۱/۲۰ دلار سنگاپور. اتوبوسها بدون ایرکاندیشن ۷۰ سنت و اتوبوسهای دو طبقه ۵۰ سنت می باشند.

اتوبوسها از ساعت ۶ صبح تا ۱۲ شب به انتقال مسافرین مشغولند. دقیقاً ۱۸ ساعت کار مفید. تعداد اتوبوسها با تعداد مسافرین تناسب دارد. از این رو اتوبوس با ازدحام مسافر رو به رو نیست.

مجتمع آموزشی، تبلیغی مسجد نور

با پای پیاده به سمت داخل کشور در حرکتیم که از فاصله ۳۰۰

متری گنبد و مناره ای نظرم را به خود جلب نمود. به سمت آن تغییر مسیر دادم. چون گنبد و مناره برای من مسلمان نشانه ای آشناست. مسجد النور همراه با سازمانی تبلیغی- فرهنگی جهت اشاعه اسلام، در کشوری که کمتر نشانی از اسلام دارد. به آن وارد می شوم. بچه های مسلمان دانش آموز را می بینم که در حیاط آن به بازی مشغولند. بچه ها، دبستانی و پسر و دختر، دخترها روپوش بر تن و مقنعه بر سر و پسرها نیز کلاه بر سر. گویا این مجموعه مدرسه مسلمانان نیز هست. ساعت ۸ صبح زنگ مدرسه به صدا درآمد. و من در بین دانش آموزان در برنامه صبحگاهی شرکت کردم.

(رَبِّ الشَّرْحِ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي)

آیاتی بود که مجری برنامه از پشت میکروفن بصورت ترتیل تلاوت نمود. و آمین دانش آموزان و معلمین را در پی داشت. برخلاف ایران، معلمین آموزشگاه نیز همراه محصلین در برنامه صبحگاهی شرکت کردند. پس از اجرای برنامه به دفتر آموزشگاه رفتم و با مدیر آموزشگاه به گفتگو نشستیم.

(قبل از این خود را به معلمین و ناظم معرفی نموده بودم) وی نیز مسلمان بود و از اینکه سنگاپور تکه ای جدا شده از مام اصلی خود، یعنی مالزی است. و مقدرات این جزیره در دست چینی هاست گله مند و متاسف. وی مسلمانان را در اقلیت

خواند ولی از اتحاد و اجتماع این جمع قلیل جهت اشاعه اسلام ابراز خرسندی نمود. از جمله فعالیت‌هایی که ایشان برشمرد اعزام طلاب به دیگر نقاط سنگاپور بود که هر روز از این مسجد اعزام و در پایان روز مجدداً به همین پایگاه باز می‌گردند. (گفتم پایگاه، راستی که پایگاه مبارزه با شیطان و طاغوتها مسجد است و بر این اساس است محراب یعنی سنگرش نامیده‌اند) و شب را در آن به صبح می‌رسانند و فردا نیز هم.

این مجتمع داری کلیه امکانات رفاهی و خدماتی می‌باشد. از این رو ایشان از من دعوت کرد که طی اقامتم در سنگاپور در این محل بیتوته کنم، که من نیز پذیرفتم. وسایلم را نزد خدمتکار مدرسه به امانت گذاردم و به عزم دیدنیهای سنگاپور روانه آن شدم. خط ۹۵۰ از مقابل مسجد که مرز این کشور با مالزی است تا منتهی الیه جنوب سنگاپور پیش می‌رود. ۱/۲۰ دلار در دستگاه داخل اتوبوس می‌اندازیم. مبلغ فوق بر صفحه‌ای کامپیوتری نقش می‌بندد و راننده آنرا رؤیت می‌کند.

سه بزرگراه و یک خط آهن شمال کشور را به جنوب متصل می‌کند. و اکنون به سوی شهر. روزهای قبل از این مطلع شدم که از ظهر پنجشنبه تا پایان روز دوشنبه جشن سال نو چینی‌هاست و کلیه ادارات و سازمانها و فروشگاهها تعطیل خواهد بود. و چینی‌ها که اکثریت سکنه جزیره را تشکیل

می دهند در رقص و پایکوبی خواهند بود. دو طرف جاده پوشیده از جنگل و هر چهار پنج کیلومتر یک مجتمع مسکونی آپارتمانی دیده می شد. که از دل درختان جنگلی بیرون زده است. مسافری اتوبوس اکثراً چینی تبار و یکی دو نفر با پوست تیره رنگ که نشان از نژاد مالایو دارد در بین آنها به چشم می خورد.

مترو سنگاپور

در مرکز شهر از اتوبوس پیاده و به سمت ایستگاه مترو رفتیم. (قبلاً از وجود مترو در سنگاپور اطلاع یافته بودم). چون مترو زیرزمینی است، معمولاً توریستها و خارجیها از وجود آن مطلع نمی شوند. ایستگاه مترو دارای دو طبقه، زیرزمین است. طبقه اول برای خرید کارت و تشریفات لازم. و طبقه دوم، سالن انتظار جهت رسیدن و سوار شدن به مترو. بجز خریدن کارت، کلیه اقدامات بصورت اتوماتیک و کامپیوتری انجام می شود. هر طبقه بسیار بزرگ و وسیع و روشن و پوشیده از سنگهای قیمتی و ظریف است. فاصله هر دو ایستگاه از هم ۱/۵ کیلومتر و توسط بلندگو نام ایستگاه اعلام می شود. نام ایستگاه روی تابلوهای شیشه ای که از داخل مترو قابل رؤیت است نوشته شده، در قسمتهایی از شهر که شاید امکان نقب زدن در دل زمین نبوده و یا به دلایل دیگر، مترو از روی زمین و با

ارتفاع ۴ متر از سطح حرکت می کند. کلیه مسیرها دوطرفه می باشد. یعنی داخل هر ایستگاه دو خط مترو قرار دارد، مثلاً یکی بطرف شرق و دیگری بطرف غرب. نقشه کلیه مسیرها در هر ایستگاه وجود دارد. بهای کارت مترو جهت دوبار سوارشدن ۱/۴۰ دلار می باشد. و دارای ۴۴ ایستگاه می باشد.

جزیره سنتوزا

اینجا سیتی پلازا است. مترو را ترك و سوار بر اتوبوس خط ۳۰ می شوم، مقصد، ساحل اقیانوس و منتهی الیه جنوب کشور است. و از آنجا به جزیره سنتوزا. برای رفتن به جزیره، هم از لنچ و هم از تله کابین می توان استفاده کرد. سوار بر لنچ شدم. فاصله تا جزیره با لنچ ۹۰۰ متر و بهای بلیط آن ۳ دلار سنگاپور. سنتوزا جزیره ای است به وسعت ۲۰ کیلومتر مربع با مجموعه ای از تفریحات و دیدنیهای بسیار، موزه پروانه ها و حشرات، که در آن کلکسیونی از زیباترین پروانه ها موجود است. و مجموعه هایی نیز بصورت (تاکسی درمی) در قابهای مخصوص بفروش می رسید. موزه جنگ که در قسمتی از آن تندیس هایی از فرماندهان نظامی را در موقع تشکیل جلسات جنگی به نمایش گذارده. موزه ای از سنگهای گرانبها و قیمتی و فسیل های بدست آمده از اقیانوسها. سواحل آن نیز به شنا و

قایق سواری اختصاص دارد. شرق جزیره محل بازی گلف. جاده‌هایی نیز از دل جنگلها و درختان جزیره می‌گذرد که یکی فقط مختص به دوچرخه سواری است (صدها دوچرخه به همین منظور در جزیره نگهداری می‌شود).

یکی از جاده‌ها به عبور اتوبوس اختصاص دارد. این تنها اتوبوس جزیره، روباز و بدون شیشه، با سرعتی کم در دل جنگل واردین به جزیره را گردش می‌دهد. از همه جالبتر قطار تفریحی است که دائم از ۹ صبح تا یازده شب دورتادور جزیره مشغول حرکت است و در ایستگاههای ۶ گانه مسیر خود، به سوارو پیاده کردن مسافری می‌پردازد. در طول مسیر قطار چشم‌اندازها و مناظر بسیار دیدنی و جالب از اقیانوس، دیگر جزایر، جنگل، آسمانخراشها و ... در مقابل دیدگانمان قرار دارد. در وسط جزیره استخر بزرگی قرار دارد با بیش از صد فواره که آن *Musical-Fountain* می‌باشد. فوران آب همراه با نور و موزیک هر شب به مدت دو ساعت اجراء می‌شود. این برنامه به رقص نور و رقص فواره‌ها نیز معروف است. استفاده از کلیه امکانات فوق‌الذکر کاملاً مجانی و با همان ۳ دلاری است که قبل از سوارسیدن به لنچ پرداخت می‌شود.

قبل از تاریکی شب باید جزیره را ترک کنم، تا در انتخاب مسیر به شمالی‌ترین نقطه کشور، که محل اسکان و بیتوته‌ام

می باشد دچار اشتباه نشوم. این بار بدون استفاده از مترو فقط بوسیله دو خط اتوبوس به مقصد می رسم.

در مسجد

صدای اذان از مآذنه های مسجد به گوش می رسد و احساس غرور، که اسلام بزرگ با این فراز و نشیب و پس از ۱۴ قرن همچنان در جهان مطرح و جهانیان را شیفته و مجذوب خود می کند. شبستان این مجتمع بسیار بزرگ و وسیع است. حدود یکصد نفر موفق به شرکت در نماز مغرب شده اند. و پس از ساعتی صلات عشاء. یکی از مسئولین مسجد به من مراجعه و ضمن ارائه یک کلید، یکی از اطاقهای مسجد را در اختیار من گذارد، و گفت: «تا زمانیکه در این کشور هستید این اطاق متعلق به شماست». اطاقی ۳×۴ همراه با موکت و مبلمان و کمد و پنکه، و دیوارهایی از سرامیک.

بعد از نماز با خادم پیر مسجد به گفتگو نشستیم. نام او آقای بهاری بود و با اینکه سواد خواندن و نوشتن نداشت ولی با تسلط کامل انگلیسی صحبت می کرد. کلیه افراد شبه جزیره مالایو و جزیره سنگاپور به دلیل حضور و استعمار طولانی انگلستان در این منطقه، قادر به تکلم به زبان انگلیسی می باشند. در ساعات پایان شب، حدود بیست نفر از طلاب جوان، جهت استراحت و خواب به مسجد آمدند. این گروه هر روز به

مساجد و محافل مسلمانان سنگاپور می‌روند و به تبلیغ و اشاعه فرهنگ اسلامی می‌پردازند و در پایان شب دوباره به همین مسجد باز می‌گردند. سن اغلب آنها حدود ۲۴ ساله می‌نمود. من هم به جمع آنان پیوستم. با تک‌تک آنها آشنا شده ضمن معرفی خودم، هدف از سفرم به این منطقه را تشریح کردم. در پایان شب با یکی از طلاب بنام محمد ظاهر به گفتگو نشستیم. بیست و یک ساله بود، بسیار مؤمن و مقید به دستورات دین، و از تسلط چینی‌ها بر این جزیره ۶۰۰ کیلومتری نگران، خواهان اقتدار اسلام در جهان و همچنین در منطقه بود. بعد از نیمه شب به نماز ایستاد و با خدا راز و نیاز می‌کرد. کلیه اطلاعاتی که یک توریست جهت دیدن یک کشور نیاز دارد را با علاقه در اختیارم گذارد.

جمعه ۲۶ بهمن

جلسه سخنرانی مذهبی در مسجد تشکیل شده، تعداد حدود ۳۰۰ نفر از فواصل دور و نزدیک جهت استماع سخنرانی به مسجد آمده بودند. موتورسواران علاوه بر پارک موتورهایشان در جایی مناسب کلاه‌های ایمنی خود را نیز بطور بسیار منظم در کنار هم قرار دادند. در کشور مالزی و سنگاپور استفاده از کلاه ایمنی برای موتورسوار و همراه اجباری است.

محل استقرار خانمها از آقایان جداست، ولی سخنران هر

دو گروه را در مقابل خود می بیند.

هر سخنرانی فیلمبرداری ویدئویی می شود.

معرفی یکی از محلات معروف سنگاپور

امروز به مرکز شهر می روم. *SeRAN GON-Road* (سرانگون رود) و (عرب استریت) خیابانهایی هستند که اکثر ساکنان آن را مسلمانان تشکیل می دهند. و متأسفانه نسبت به بقیه نقاط شهر، عقب نگهداشته شده تر. دارای ساختمانهای یک طبقه قدیمی و بعضاً مخروبه، در گوشه و کنار افرادی به فروش وسایل کهنه و مستعمل با قیمتی بسیار نازل مشغولند. مسجد قدیمی و تاریخی سلطان نیز در همین محل قرار دارد. با دو گنبد و چند مناره. و مانند بقیه مساجد این خطه بسیار تمیز و زیبا. اکثر چهره هائی که در این خیابان مشاهده می شود از نژاد مالایو و هندی می باشند. قسمتی از فروشگاههای خیابانی مثل کوچه برلن خودمان مملو از حراجی ها، و فروشنده ها همه هندی، انتهای خیابان نیز یکی از بزرگترین فروشگاههای سنگاپور قرار دارد. به نام فروشگاه محمد مصطفی و شمس الدین. فروشگاه سه طبقه، که پنداری کلیه اشیاء و کالاهای ساخته شده جهان را در خود جای داده است. در انتهای سالن طبقه سوم، دفتر خدمات پروازی و فروش بلیط هواپیما قرار داشت. دو باجه تبدیل ارز یکی در

مدخل ورودی و دیگری در طبقه دوم فروشگاه، پول مورد نیاز خریداران را تبدیل و تأمین می کرد، (حتی فروشگاههای بسیار کوچک باجه تبدیل ارز داشتند.) کلیه فروشندگان از نژاد مالایو و یا هندی بودند و ظاهراً مسلمان. این فروشگاه برای ایرانیان شناخته شده است. و اولین باری که هموطنانم را طی این سفر ۶ روزه دیدم، در این فروشگاه بود. هموطنان جهت خرید انواع کالا به مشورت می پرداختند. و در صورتیکه کالای مورد نظر ارزانتر از ایران تمام می شد نسبت به خرید آن اقدام می کردند. معمولاً وسایل صوتی، تصویری، اهم کالاهایی بود که توسط ایرانیان خریداری می شد. مقابل فروشگاه مسجد آنگولیا قرار داشت.

در معبد هندوها

در سنگاپور حدود ۱۰۰ معبد مخصوص هندوها قرار دارد که از این تعداد ۶ معبد در این خیابان واقع شده است. هندوها هر روز برای عبادت به معابد خود وارد شده و مراسم خاصی را در مقابل بتها انجام می دهند. همه بتها پیکره و تندیس زن بود، با اشکال و حالات مختلف. سردر ورودی معابد نیز به ارتفاع حدود ۴ متر صدها بت تراشیده شده به اشکال مختلف و اندازه های گوناگون تعبیه شده بود. تعدادی از هندوها نیز موز و نارگیل را نذر خدایان می کردند و در مقابل خدایان

قرار می دادند و می رفتند. بطوریکه انبوهی از موز و نارگیل در مقابل هر بت قرار داشت. که متصدی مربوطه، آنها را در صندوقی که به همین عنوان در مقابل معبد قرار داشت می ریخت (صندوق زباله). حضور یک نفر ایرانی مسلمان در میان خیل عابدین و ذاکرین معبد، برای خود من هم جالب بود و آنها بدون توجه به حضور من در بینشان، مشغول اعمال و اوراد و اذکار خود بودند.

دسته سه نفره موزیک نیز در گوشه معبد مشغول نواختن بود، که به عابدین، حال و هوای بیشتری دهد. با دوربینی که برده بودم تصاویری نیز از صحنه های مختلف معبد و حاضرین در آن برداشتم.

آن سان که تویی هیچ کس آگه به تو نیست
راهی ز فراز عقل کوته به تو نیست
هرچند تو را هزار ره باشد لیک
جز راه دل از هیچ رهی ره به تو نیست^۱.

جشن نو سال چینی ها

شنبه ۲۷ بهمن

سومین روز از جشن سال نو چینی ها را پیش رو داریم، شهر در چراغانی است. چینی ها این روزها را از صبح تا ظهر در خانه

۱. شعر از قیصر امین پور.

به رقص و جشن و پایکوبی مشغول و عصر، تا پاسی از شب در خیابانها به مراسم مختلف سرگرم. از خیابانها که عبور می‌کنیم صدای جشن و شادی و قهقهه آنان از داخل آپارتمانهای مسکونی به گوش می‌رسد.

سفره‌ای به سان سفره هفت سین ما ایرانیان می‌چینند و آنرا به انواع و اقسام اغذیه و اطعمه و گلها می‌آرایند. و تا پایان مراسم این سفره‌ها پابرجاست. حتی سردر منازلشان را نیز با انواع کاغذ رنگی و غیره تزئین می‌کنند. شهرداری قسمتهای مختلف شهر را به این مراسم اختصاص داده. یکی از مراسمشان این است که داخل پوست اژدها می‌روند و از شکل و شمایل انسان خارج می‌شوند و حرکات و رقصهای مخصوص می‌پردازند.

از ظهر پنجشنبه تا عصر دو شنبه، علاوه بر تعطیل شدن کلیه ادارات و سازمانهای دولتی، تمام فروشگاههای چینی‌ها نیز تعطیل می‌باشند. محله‌ای در جنوب شرقی سنگاپور وجود دارد به نام *CHina-town* چاینتاون - که بطور کامل تعطیل است. ولی محلات و فروشگاههای بقیه نژادها و مذاهب و گروهها روال عادی خود را دارد. چون اکثریت نژاد زرد در جهان از جمله چین - ژاپن - تایلند و بطور کلی شرق و جنوب شرق آسیا بودایی هستند. شهر مقدس آنها لاهاسا می‌باشد. لاهاسا مرکز ایالت خود مختار تبّ واقع در غرب چین و بخاطر

ارتفاع بلندش، به بام دنیا معروف است. کوه هیمالیا در غرب تبت، بین نپال و چین قرار دارد.

مذاهب مختلف و نژادهای گوناگون

در سنگاپور بیش از ۳۰ معبد مخصوص بوداییان وجود دارد. که از این تعداد ۵ معبد در محله چینی‌ها قرار دارد. تعداد قابل توجهی از شهروندان سنگاپوری نیز پیرو آئین مسیحیت می‌باشند.

اگرچه از آمار دقیق آنها اطلاع ندارم. ولی بیش از ۳۰ کلیسا در شهر وجود دارد. مسیحیت در این منطقه مربوط به استعمار دول بیگانه و اعزام مسیونرهای مذهبی بوده، که همیشه با تسلط و استعمار در یک منطقه همراه بوده است. مساجد این کشور اکثراً قدیمی و تاریخی است. و مربوط به زمانی است که مالزی و سنگاپور کشوری واحد بوده اند. و اکثریت ساکنین آنرا مسلمانان تشکیل می‌دادند. در سطح شهر بیش از ۳۰ مسجد بطور پراکنده وجود دارد. تعدادی از آنها را در محلات مختلف مورد بازدید قرار دادم. چیزی که در همه آنها مشترک بود تمیزی فوق العاده آنها بود. مساجد را آنطور که شایسته عبادت است نگهداری و تمیز می‌کنند. نه رها شده و باری به هر جهت!

بحث همیشه داغ جنگ خلیج فارس

با امام جماعت یکی از مساجد به گفتگو نشستیم. چون جنگ خلیج فارس سوژه صحبت و نقل همه مجالس و محافل و اخباررادیو تلویزیون بود، وی نیز در ارتباط با جنگ عراق با متحدین به سرکردگی آمریکا داد سخن داد. و به طرفداری از عراق آمریکا را محکوم نمود. و از اینکه ایران به تعدادی از هواپیماهای عراقی اجازه فرود در خاک خود را داده است خوشحال و مسرور بود. لذا لازم بود وی را از چند مسئله آگاه کنم و ابعاد مختلف قضیه را بر وی بشکافم. حسن نیت او قابل تقدیر و تحسین بود. چون بر اساس ضدیت با خوی ددمنشی و تجاوزگری آمریکا استوار شده بود.

به وی گفتم: نه آمریکا و نه عراق، هیچ کدام در این جنگ برحق نیستند، هر دو برای حفظ و به دست آوردن منافعشان می‌جنگند. منافعی که برای هیچکدام مشروعیت ندارد. لذا این جنگ، جنگ باطل است. ثانیاً به صرف فرود چند هواپیما در خاک ایران نمی‌توان ایران را متهم به طرفداری از یکی و یا علیه دیگری دانست. که اگر چنین بود آمریکا با ما آن را می‌کرد که با عراق کرد. چون طرفداری سیاسی، نظامی از عراق بهترین بهانه برای آمریکا به حساب می‌آمد، که ایران را نیز بسان عراق تحت شدیدترین و وحشیانه‌ترین حملات

قرار دهد.

با توجه به کینه و بغضی که در طول انقلاب از ایران داشته و دارد.

ثالثاً، صدام کسی است که از اولین روزهای انقلاب اسلامی ایران، به انواع مختلف دشمنی خود را ابراز نمود و یکی از طولانی ترین و خونبارترین جنگها را به ما تحمیل کرد و بزرگترین خسارتهای مالی و جانی را به کشور ما وارد نمود. چگونه و با چه استدلالی به کمک وی بشتابیم و در بدست آوردن منافع غیر مشروعش او را یاری کنیم. زخمی که وی بر پیکر ایران وارد نمود تا دهها سال قابل التیام نخواهد بود. ایران در اولین روز اشغال کویت توسط عراق، این عمل را محکوم کرد. و بهانه بدست هیچ یک از دشمنان نداد و بیطرفی خود را تا کنون حفظ کرده و خواهد کرد. در پاسخ گفت: الان عراق مظلوم است و قوی ترین کشورهای دنیا با او در حال جنگ.

در جواب گفتم: آیا در طول هشت سال جنگ، کسی مظلومیت ما را باور می کرد؟

ایران در تحریم کامل نظامی و بعضاً اقتصادی، و عراق بطور نهان و آشکار متمتع از کمکهای سخاوتمندانه شرق و غرب و ارتجاع عرب. به یاد دارم زمانی که ایران جهت دفاع، مقداری سیم خاردار خریده بود، همین شورای امنیت و سازمان ملل

اجازه ترخیص و تحویل آن به ایران را صادر نمی کردند و بعنوان ابزار جنگی آنرا مشمول تحریم می دانستند! در حالیکه کشور مقابل یعنی عراق مشغول مذاکره جهت وارد کردن موشکهای دوربرد و سلاحهای پیچیده نظامی بود. امام جماعت یکباره با صدایی بلند گفت: «این دست انتقام الهی است که آنها را مجازات می کند عراق را بخاطر ظلم و تجاوزی که به ایران نمود، و حامیانش را بخاطر دفاع و طرفداری از او هر کس به سهم خود».

از اینکه توانستم با زبان الکن و دلایل مبرهن او را از ابعاد مختلف قضیه آگاه کنم خوشحال شدم. ضمن شرکت در نماز جماعت از وی خواستم دعا کند. دعای وی چنین بود: خدایا اسلام و مسلمین را از چنگال کفر جهانی برهان و به مسلمانان جهان افتخار و عزت ببخش. «آمین».

از امام جماعت یکی از مساجد سنگاپور که بگذریم. افراد دو آتشه ای نیز در کشور ما بودند که در اوج جنگ، خواستار دخالت ایران به نفع عراق و علیه آمریکا شدند که این گروه معدود، تعدادی از مجلسیان را نیز شامل می شد. برخی از آنان در سخنانشان صدام را آزادی خواه، حُرّ و ... می نامیدند و می گفتند حالا باید به کمک او بشتابیم و با آمریکائیهها بجنگیم. غافل از اینکه در جنگ دو مار گزنده و یا یک مار با یک عقرب ما نباید به نفع یکی از آن دو دخالت کنیم. مضافاً بر اینکه

اگر حتی یک گلوله از طرف ایران به متحدین شلیک می شد، چه فاجعه ای برای ایران رخ می داد. ممکن بود حتی عراق را رها کرده، سراغ ایران بیایند. و بغض و کینه ۱۲ ساله شان را یکجا خالی کنند.

یکشنبه ۲۸ بهمن

امروز باید جهت تهیه بلیط بازگشت به یکی از آژانسهای مسافرتی مراجعه کنم. ولی بخاطر تعطیلی ادارات و مؤسسات، آژانسهای خدمات پروازی نیز از این قاعده مستثنی نیست. لذا با یکی از دفاتر اطلاعاتی توریستی در این باره تماس گرفتم. هتل هیلتون را جهت تائید بلیط معرفی نمود. هیلتون تقریباً در کلیه شهرهای توریستی جهان دارای هتل می باشد. لذا در کلیه شهرهای توریستی آسیای جنوب شرقی مثل بانکوک، هنگ کنگ، کوالالامپور، پکن، شانگهای، توکیو و جاکارتا دارای هتل ۵ ستاره می باشد.

خیابان اورچارد orchard

هتل هیلتون سنگاپور بیست و چهار طبقه و در غرب خیابان (اورچارد) قرار دارد (اورچارد)، اصلی ترین خیابان سنگاپور است که بصورت شرقی - غربی است بیش از ۸۰ هتل و دهها مجتمع فروشگاهی در این خیابان و فرعی های آن قرار دارد. استخر هتل هیلتون در طبقه بیست و چهارم و در فضای باز

قرار دارد تا توریستهای آمریکایی و اروپایی که جزو از ما بهتران هستند!! فارغ از دغدغه روزگار، در کنار استخر آفتاب بگیرند و تعطیلات خود را سپری کنند.

از بالاترین طبقه هتل چشم اندازهای مختلف شهر را عکسبرداری کردم.

از جمله خدماتی که هتل های بین المللی و ۵ ستاره ارائه می دهند، تهیه و رزرو و تأیید بلیط مسافرتی می باشد که توسط کامپیوتر هتل انجام می گیرد.

بار دیگر در جزیره سنتوزا

امروز عصر تصمیم دارم مجدداً به جزیره سنتوزا بروم، و برنامه جالب و دیدنی رقص فواره ها را از نزدیک مشاهده کنم. به همین منظور، این بار برای رفتن به جزیره از تله کابین (CABLE-CAR) استفاده می کنم، با آسانسور به طبقه سیزدهم یک ساختمان که تأسیسات تله کابین در آن قرار دارد می روم. بهای بلیط ۶/۵ دلار سنگاپور می باشد.

مسافت از مبدأ تا مقصد حدود ۹۰۰ متر و ارتفاع ۶۵ متر از سطح اقیانوس، زمان طی شده حدود ۲۰ دقیقه است. که از آن ارتفاع پالایشگاه، کشتی های غول پیکر، دیگر جزایر سنگاپور و حتی جزایری از کشور اندونزی قابل رؤیت است (پالایشگاه این کشور در جزیره ای به فاصله حدود ۴ کیلومتر از

خاك اصلی سنگاپور واقع شده). در ایستگاه مقصد ۳ دلار دیگر بابت ورودیه به جزیره پرداختم. در حالیکه دفعه قبل با همان بلیط ۳ دلاری کشتی بدون ورودیه وارد جزیره شدیم. در محلی که توصیفش در صفحات قبل رفت (محل اجرای برنامه رقص فواره‌ها) مانند استادیوم‌های ورزشی، جایگاهی برای نشستن قرارداد (بصورت نیم دایره) که حدود یکهزار نفر را در خود جای می‌دهد. قبل از شروع و تاریک شدن هوا، وجود دهها دوربین فیلمبرداری و عسکرداری توجه مرا به خود جلب نمود، و خبر از اجرای قریب الوقوع برنامه می‌داد. در بین تماشاچیان زوج جوانی را مشاهده نمودم با چهره‌ای اروپایی، زن ملبّس به لباس بلند و مقنعه و پوشش اسلامی و مرد مزین به ریش و پیراهن بلند. نزدیک شدم و باب گفتگو را آغاز کردم، استرالیایی بودند. مرد دبیر ریاضی دبیرستان و همسر محجبه‌اش شاغل در بیمارستان، و هر دو مسلمان. پیشنهاد کردم، به یادگار عکس سه نفره بگیریم. همسرش قبول نکرد، عکس دونفره در جزیره سنتوزا گرفتیم. از باب ادب و احترام آدرس خود در ایران را به وی دادم. و آدرسی نیز از او گرفتم.

زوج استرالیایی در اصفهان

ساعت ۸ شب پنجم اسفند سال بعد (سال ۷۰) زنگ خانه ما

واقع در یکی از کوچه‌های اصفهان به صدا درآمد. پشت در، همان زوج جوان استرالیایی بودند که اکنون برای سیاحت به ایران آمده بودند از سیدنی تا دهلی هند را با هواپیما و از دهلی تا ایران را بصورت زمینی طی طریق کرده بودند. دهلی- لاهور- کویتة زاهدان- کرمان- شیراز و اصفهان. مقصد بعدی آنها قم- تهران و سپس دیدن بزرگترین دریاچه جهان (خزر)، مشهد- زاهدان، بازگشت به دهلی و از آنجا نیز به وطن خود. از لطف و وفایشان و از مهر و صفایشان مسرور شدم آنها را به اهل خانه معرفی کردم و پس از یکی دوسه ساعت گپ دوستانه به هتل محل اقامتشان رساندم و وعده فردا را گذاشتم که آنها را به تماشای دیدنیهای اصفهان ببرم.

فردا پس از گردش در شهر، شام را در تفاهم و در حضور اهل خانه در یک محیط دوستانه و صمیمی صرف کردیم. که دو نفر مسلمان، یکی از دورترین نقطه اقیانوس آرام و دیگری از غرب آسیا، یا هر مسلمانی با مسلمانی دیگر اگر با هم باشند نه تنها احساس غربت و دوری نمی کنند که احساس قربت و نزدیکی، که مشترکاتشان فراوان است.

هر دو بیست و دو ساله و حدود سه سال قبل توسط دوستانشان به دین اسلام گرویده بودند و حقانیت آن برایشان آشکار شده بود. وقتی علت عدم قبول شرکت در عکس یادگاری را از زوجه جو یا شدم، در پاسخ گفتم: دوستانی که ما را به دین اسلام

دعوت کردند، گفته‌اند که یک زن نباید با مردان بیگانه عکس بگیرد. من از این تسلیم واقعی آنها در برابر اسلام و تبعیت از دستورات آن را به آنها تبریک گفتم. نماز را دو نفره به جماعت خواندند. با کلیه آدابی که یک نمازگذار باید رعایت کند. و صبحگاهان بعد از نماز به قرائت قرآن مشغول. قرآنی که همراهشان بود، عربی- انگلیسی بود، چون عربی نمی‌دانستند، ترجمه قرآن را به زبان انگلیسی تلاوت می‌کردند. پدر و مادر هر دو آنها کافر و بی‌دین بودند. از پدر و مادر بی‌دین، در مملکت کفر، مسلمانانی اینگونه مقید و متعصب، از ارزش والایی برخوردار است.

اکنون باید با خاطره و یاد آن زوج استرالیایی خداحافظی کرده و دوباره از اصفهان به جزیره سینتوزا برگشته و گزارش خاطرات آنجا را پی‌گیری کنم و رقص فواره‌ها را توصیف نمایم. با تاریک شدن هوا فوران فواره‌ها شروع شد و نورهای رنگارنگ از دل آب به فواره‌ها می‌تابید. همراه با فوران، موزیک متناسب با حرکت آبها نیز نواخته می‌شد.

ستونهای آب به چپ و راست و بالا و پایین در حرکت بودند و به تناسب هر حرکتی، نوایی مخصوص شنیده می‌شد. گاهی ده فواره و زمانی صد فواره و گاهی فقط یکی، که متناسب با این صحنه‌ها شدت و نرمی موزیک نیز تغییری یافت. این صحنه‌ها ترکیبی بود از فوران آب، نور و موزیک که هرگونه احساس از

قبیل احساس غم، شادی، هیجان و ... را در انسان زنده می‌کرد و بوجود می‌آورد. آخرین ساعت اقامت در جزیره ۲۳ شب می‌باشد و آخرین کشتی در آن ساعت جزیره را بطرف بندر ترك می‌کند. هیچ کس حق اقامت و بیتوته شبانه در جزیره را ندارد. جزیره دارای یک هتل متروکه می‌باشد که گویا از قرن ۱۹ بجا مانده است.

دو دور با قطار اطراف جزیره را گشتی شبانه می‌زنم و کم‌کم آماده ترك آنجا.

آخرین سرویس کشتی است و آماده جهت حمل بقایای مسافری. داخل کابین روبروی مسافری، تابلویی توجه مرا جلب نمود: هرکس سیگار بکشد مبلغ ۵۰۰۰ دلار جریمه می‌شود!

یعنی با دلار ۱۴۶ تومان دقیقاً ۴۳۰/۰۰۰ تومان (چهارصد و سی هزار تومان) و داخل اتوبوسهای شهری این جریمه ۵۰۰ دلار می‌باشد (چهل و سه هزار تومان). روش پسندیده‌ای است جهت جلوگیری از آلودگی محیط زیست و بخصوص مکانهای عمومی و سربسته مثل اتوبوس و کشتی و امثال اینها.

از تأسیسات بندری می‌گذرم و وارد خیابان می‌شوم. ناگهان چشمم به دو زن با چادر مشکی می‌افتد که روی جدول کنار خیابان نشسته‌اند، از عصر تاکنون آنها را در جزیره ندیده بودم

نزدیک می‌شوم، یکی زنی حدود ۶۰ ساله و دیگری ۲۰ ساله، عروس وی که نوزادی نیز در آغوش دارد. جلومی‌روم تا از وضعیتشان جويا شوم. ایرانی هستند، پیرزن می‌گوید: «امروز با شوهر و فرزند و عروسم وارد سنگاپور شده در هتلی جا گرفتیم، و به قصد گردش به خیابان آم‌دیم. اما دیگر هتلمان را پیدا نکردیم. اسباب اثاثیه این نوزاد هم در هتل است و از عصر تا کنون که نزدیک ساعت ۱۲ شب است ناآرامی می‌کند.» شوهر و فرزندش جهت یافتن هتل به هردری زده‌اند. ولی تاکنون نتیجه‌ای نگرفته‌اند. یک نفر راننده و انت به آنها پیشنهاد کرده که در ازای مبلغ ۵۰ دلار، هتل محل اقامتشان را پیدا کند، آنها هم خواست او را گردن نهاده به همراهش رفته‌اند. و این دو نفر زن و بچه کنار خیابان منتظر. من هم کنار آنها منتظر شدم. دقایقی بعد وانت از راه رسید در حالیکه پیدا شدن هتل را بشارت می‌داد. پانزده دقیقه بدنبال یافتن هتل مسافران گمشده و دریافت ۵۰ دلار دستمزد، خدا برکت!

دوشنبه ۲۹ بهمن

امروز را به گشت و گذار در محلات مختلف شهر می‌پردازم. مردمی از نژادها و رنگها و دینهای مختلف، سیاه و سفید-زرد-دورگه-چینی-مالایو-مسلمان-هند و بودائی-مسیحی-عرب-هندی چه آتش درهم جوشی!!

به اضافه دهها هزار توریستی که از سراسر جهان و هرکدام با زبان و آداب و رسوم مخصوص به خود به این کشور آمده‌اند. «اَنَا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ...» که خدا انسانها را از یک زن و مرد بیافرید با رنگ‌ها و نژادها و قبائل گوناگون و بصورت شعبه‌شعبه ... شاید در کمتر کشوری از جهان بتوان این تنوع و تلون نژادی و مذهبی را یافت. که در کنار معبد هندو، مسجد مسلمان و در جنب کلیساکنیسه یهود و معبد بودایی قرار داشته باشد. فروشگاههای مواد غذایی مملو از اغذیه و اطعمه خارجی است. ودکه‌های روزنامه فروشی کلیه روزنامه‌ها و نشریات و مجلات معتبر جهان را بفروش می‌رسانند. روزنامه‌ها و مجلات سنگاپور اکثراً به زبان انگلیسی چاپ و منتشر می‌شود. که تقریباً زبان دوم و قابل فهم برای همه ملیتهاست ولی نشریاتی به زبانهای محلی چینی و مالایو نیز در بین آنها یافت می‌شود. اجناس و کالاهای فروشگاهها نیز از مصنوعات خارجی است. مجتمع فروشگاههای (سیم‌لیم‌تاو) متعلق به چینی‌هاست و انواع لوازم صوتی و تصویری در آن بفروش می‌رود. اکثر فروشندگان این مجموعه کلاهبردار، و کالای ۱۰۰ دلاری را گاهی تا ۸۰۰ دلار بفروش می‌رسانند. کالای ۱۰۰۰ دلاری را نیز می‌توان تا ۴۰۰ دلار بهای آنرا تقلیل داد و چانه زد. کالاهای دست دوم را بجای نو قالب می‌کنند. و حتی قطعات

نو و اصلی بعضی از اجناس را باقطعات مستعمل تعویض می کنند.

افرادی که تخصص در خریدندارند، می بایست از نزدیک شدن به این فروشگاهها خودداری کنند. و مایحتاج خود را از فروشگاههای معتبر که دارای بر حسب قیمت می باشند و فاکتور ارائه می دهند تأمین کنند.

بانوجوان شیعه سنگاپوری

شب را زودتر به مجتمع اسلامی رفتم، که با دوستان و آشنایان جدید به گفتگو بنشینم و آخرین شب اقامتم را بیشتر با آنها بگذارم، که صحبت و دیدار با مسلمین در آن دیار غربت، خاطری خوش و اطمینان قلب به انسان می دهد. بعد از نماز عشاء جوانی حدود ۱۷ ساله به من مراجعه کرد، و مذهبم را سؤال کرد. پاسخ دادم: شیعه. او هم شیعه بود. بند اول دعای کمیل را او قرائت نمود و بندهای دیگر را من.

همین موجب پیوند و مودّت و رحمت بین ما دو نفر گردید. پدرش معلّم بود و در آپارتمانهای مقابل مسجد زندگی می کردند. خواهرش برای تحصیل علوم دینی به قم آمده بود. شیعه همه جا مظلوم است. و در آن دیار مظلوم تر و در اقلّیت مطلق، تا آن شب به مخیله ام خطور نمی کرد که در این دیار نیز شیعیانی عاشق علی و زهرا و حسین(ع) وجود داشته باشند.

باورم نمی شد که جوانی هفده ساله در این منطقه دعای کمیل را ازبر بخواند. معصومیت از چهره اش می بارید. طالب دیدار پدرش بودم. ولی به دلایلی طفره رفت. شاید به دلایل امنیتی. که شیعه همه جا مظلوم و در آن دیار مظلوم تر است. حتی در کنار خانه پیامبر (ص) نیز هم. چنانکه در سفری که به حج عمره مشرف شده بودم، پیرمردی را در قسمت جنوب شهر مدینه نزدیک مسجد قبا مشاهده کردم، که بوسیله یک گاری دستی سبزی می فروخت. نزدیک رفتم. مذهبی را جو یا شدم حدسم درست از آب درآمد. شیعه بود (از ظلمی که حکومت در آن کشور در حق شیعیان انجام می داد مطلع بودم) دارای همسر و ۷ فرزند که از این طریق امرار معاش می کرد. جمعیت شیعیان مدینه را ۳۰۰۰ نفر اعلام کرد، که تماماً در فقر و انزوا زندگی می کنند. و از طرف حکومت سخت در فشار، مساجدشان محقر و حتی پخش اذان از مساجد شیعیان ممنوع است. که شیعه مظلوم است و در کنار خانه پیامبر (ص) مظلوم تر. بگذریم و بر سر موضوع اصلی برویم.

کم کم بقیه طلاب جوان آمدند و جمع با صفایی تشکیل شد، به یاد صدر اسلام افتادم که عده ای حدود ۴۰ نفر مسلمان بودند و بقیه همه کفار.

اسطوره بی بال پریدن ما

پروانه بی پریم و بی پروائیم

(لا) گوی خدایان و (بلی) گوی خدا

ماییم که در حجم زمان تنهائیم^۱.

مسلمانان مخلصی بودند و دوستدار یکدیگر، درد دین داشتند و به منظور اشاعه و ترویج دین سراز پا نمی شناختند. از اینکه آخرین شب اقامتم را در کنارشان هستم مسرور، و از فراق شان مغموم که چاره چیست؟ مگر موقعیتی دیگر پیش آید و سفری به منتهی الیه آسیا^۱ جنوب شرقی.

سیتی هال City-Hall

سه شنبه ۳۰ بهمن

در ساعت ۴/۱۰ بعد از ظهر به سمت تهران پرواز دارم. البته با یک توقف ترانزیتی ۷ ساعته در فرودگاه کوالالا مپور. فرصت را غنیمت شمرده، عزم یکی از مراکز مهم و دیدنی سنگاپور را می کنم. City-Hall سیتی هال محلی است در جنوب شرقی سنگاپور. مجموعه ایست از موزه، کلیسا- بناهای قدیمی و آسمانخراشهای بسیار معظم و زمین چمن وسیعی که نمی دانم به چه منظوری بکار می رود وسعت این مجموعه ۶۰/۰۰۰ متر مربع است که در کنار رودخانه سنگاپور قرار دارد در طرف دیگر رودخانه حدود ۱۴۰ آسمانخراش سر به فلک کشیده وجود دارد. که ارتفاع بعضی تا ۷۰

۱. سراز قیصر امین پور.

طبقه می‌رسد. و نیویورک را تداعی می‌کند.

یکی از مراکزی که محل برگزاری جشن سال نو چینی هاست همین محوطه بزرگ سیتی هال می‌باشد که امروز به مناسبت پایان مراسم، مشغول جمع‌آوری اسباب اثاثیه مربوطه به جشن می‌باشند. چندین عکس از زوایای مختلف این میدان گرفتم. بزرگراه فرودگاه (چانگی) نیز از این میدان آغاز می‌شود. که تا فرودگاه ۱۷ کیلومتر می‌باشد. یکی از ایستگاه‌های شلوغ مترو نیز در سیتی هال قرار دارد. موزه این مجموعه مخصوص جواهرات و مصنوعات باستانی است که توسط چشم الکترونیک و نگهبانان حراست می‌شود. نگهبانان چهار چشم عهده‌دار حراست از اشیاء قیمتی موزه هستند و بازدیدکنندگان، اکثراً اروپایی و آمریکایی-در فاصله ۷۰۰ متری سیتی هال یک پارک قرار دارد، و کمی آنطرفتر در ساحل رودخانه، روی بلندی، شیرسنگی بزرگی در حالیکه روی دوپا ایستاده و آب از دهانش به بیرون می‌جهد، قرار دارد. این شیر سمبل کشور سنگاپور می‌باشد. و از لحاظ لغوی (سینگاپور) به معنی شهر شیر است. داخل پارک ۲ پیرمرد، دو قوطی مار در دست دارند. مارها را به توریستهایی که مایل به گرفتن عکس همراه با مار هستند می‌دهند و در ازای هر عکس مبلغ ۵ دلار دریافت می‌کنند.

صنعت توریسم در سنگاپور و مالزی

ظرف ۲۰-۳۰ سال اخیر، توریسم در جهان بعنوان یک منبع درآمد و ارزش افزوده اقتصادی برای بیشتر کشورهای جهان درآمده بطوریکه هرکشور سعی می کند با ارائه جاذبه های توریستی خود، تسهیلاتی در این رابطه بعمل آورد. خیل جهانگردان را به کشور خود جلب کند و از این رهگذر به درآمد سرشاری نائل آید، آمریکا و کشورهای اروپایی، در این مسابقه گوی سبقت را از دیگران ربوده اند. بطوریکه فرانسه طی سال ۱۹۹۰ پذیرای ۵۱ میلیون جهانگرد بود و از این بابت مبلغ حدود ۳۰ میلیارد دلار درآمد کسب نمود. اسپانیا، همسایه جنوبی فرانسه نیز توانست طی سال ۱۹۹۰ ۱۸ میلیارد، از طریق جلب توریست درآمد کسب کند. و در مجموع در سال ۱۹۹۱ درآمدهای فعالیتهای توریستی در جهان به ۲۷۸ میلیارد دلار رسید که از این مبلغ فقط ۴ میلیارد سهم کلیه کشورهای خاورمیانه بوده است که به نسبت، درآمد ناچیزی را تشکیل می دهد.

در سال ۶۹، ۱۶۲۰۰۰ نفر از ایران دیدن کردند و در سال ۷۰ با افزایش حدود ۱۰۰٪/۰۰۰/۳۰۰ نفر وارد ایران شدند. در حالیکه در همان ۷۰ حدود پنج میلیون و چهارصد هزار نفر توریست از کشور مالزی دیدار کردند (بین تفاوت ره از

کجاست تا به کجا) ولی در سال قبل از آن (یعنی ۱۹۹۰، سالی که من موفق به دیدار از مالزی شدم) که مالزی آنرا سال توریسم اعلام کرده بود بیش از ۷ میلیون نفر از این کشور دیدن کردند، و درآمدی بیش از ۴ میلیارد دلار را نصیب آن نمودند، وزارت فرهنگ و جهانگردی مالزی مجله‌ای زیبا و خواندنی منتشر می‌کند بنام (*Malasca-tovism. News*) یعنی اخبار جهانگردی مالزی که بهترین راهنما برای مسافری و توریست‌هایی است که به مالزی سفر می‌کنند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که امروزه در جهان، توریسم بعنوان یک صنعت که از لحاظ اقتصادی باعث افزایش درآمد سرانه هر کشور می‌شود، شناخته شده است. کارشناسان براین اعتقادند که اگر به مقوله توریسم در ایران به عنوان یک عامل مهم اقتصادی توجه شود، درآمدهایی که از طریق صنعت توریسم می‌تواند به دست بیاید، بسیار بیشتر از حتی درآمد نفت خواهد بود کشور ما از لحاظ جاذبه‌های توریستی یکی از ده کشور بزرگ جهان محسوب می‌شود که با وسعتی بیش از

۱/۶۴۸/۰۰۰ کیلومتر مربع، سیزدهمین کشور از لحاظ

وسعت شناخته می‌شود با آب و هوا و پوشش گیاهی متنوع، و جاذبه‌های توریستی فراوان که با برنامه‌ریزی حساب شده می‌توان از این رهگذر، درآمدهای ارزی بسیاری را همه ساله از این صنعت بدست آوریم.

ایران جلوه گاه زیباییها و دیار فرهنگ و تاریخ و مساجد مقدس و گنبدهای آبی و طلایی است. بلاد مناره ها و گلدسته های پاك، دیدنیهای چشمگیر، آثار معماری با ارزش، ثمره رنج هنرمندان سخت گوش، مناظر شگفت آور طبیعی ... گویی هزاران قدم جستجوگر را به سوی خویش می خواند دریاها، جنگلها، کویرها و کوهستانهای ایران، انگار صدها رمز و راز را با جهانگردان در میان می گذارد شمال ایران جاذبه جنگل و دریا، آذربایجان کوهساران پر برف سهند و سیلان. در اصفهان برفراز سی و سه پل، پل خواجه، یاد معماران گمنام بناهای تاریخی این سرزمین را زنده می کنی، مردمانی عاشق که برگنبدهای فیروزه ای مساجد امام و شیخ لطف الله، تجسمی از هنر را به دل تاریخ سپرده اند. و گویی نقشی از وجود خویش بر این یادگارهای تاریخی ترسیم کرده اند.

شیراز را با یاد و نام سعدی و حافظ می شناسیم و عطر گلهای وحشی. و از آنجا خوزستان با نخلستانهای قد برافراشته. همدان با آن همه آثار تاریخی و غار علیصدر (علی سرد) این شگفت انگیزترین پدیده طبیعت، و همه شهرها و روستا، از یزد و کاشان گرفته تا قمصر و خانه های گلین ایبانه همه و همه مجموعه ای از زیباییهای طبیعی وس تاریخی را به هر بیننده ارائه می دهد.

جهانگردی و ایرانگردی به هیچ وجه یک پدیده وارداتی

نیست، اگر غریبان مارکوپولو و امثال او را به عنوان پدر جهانگردان جهان معرفی می‌کنند. ما در فرهنگ اسلامی خود به سوابق بسیار روشن‌تر و تابناک‌تر در باره پدیده جهانگردی برخورد می‌کنیم. ابن بطوطه مورد آشکاری در این رابطه است. که رحله (سفرنامه) او در کلیه کتابخانه‌های جهان خواننده‌های زیادی دارد.

ابن بطوطه، این سیاح مسلمان

ابن بطوطه از سرشناس‌ترین جهانگردان تاریخ جهانگردی است. ۶۷۰ سال قبل در سن بیست و یک سالگی از زادگاه خود طنجه، در مراکش به راه می‌افتد و به چهار گوشه جهان اسلام آن زمان به شمال آفریقا و مصر و شام و حجاز و عراق و ایران و یمن و بحرین و پاکستان و ماوراءالنهر و هندوستان و چین و جاوه سفر می‌کند و اوضاع و احوال تمدن و تاریخ مکانهایی را که در سفر خود دیده به رشته تحریر درمی‌آورد. سفر او بیست و نه سال تمام به طول می‌انجامد. او دو قرن قبل از کریستف کلمب، کاشف آمریکا، طی سفری در دوقاره پهناور جهان حدود ۱۲۲/۰۰۰ کیلومتر را در چهل و چهار کشور امروزی جهان، یعنی (سه برابر سفرهای مارکوپولو)، زیر پا گذاشت. او سفرنامه خود را اینگونه آغاز می‌کند:

« من روز پنجشنبه، دوم ماه رجب سال ۷۲۵ به قصد حج و زیارت قبر پیامبر، که والاترین درود و سلام براو باد، یکه و تنها از زادگاه خود طنجه بیرون آمدم. دل بر هجران یاران نهادم و بسان مرغی که از آشیان خود جدا افتد از وطن دوری گزیدم»

این دست نوشته در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می شود. شاید آن کسی که گفته های ابن بطوطه را به رشته تحریر درآورده، در پایان سفرنامه می نویسد. که:

«این شیخ یگانه سیاح این روزگار است. بلکه اگر کسی یگانه سیاح ملت اسلامش بخواند دورنرفته و سخنی به گزاف نرانده است. بی تردید او در جستجوی دانش و حکمت بوده است»

زندگی، باری خود همه یک سفر است، سفری برای کشف رازها و رمزهای هستی.

توریسم در ایران

با استفاده از تجربه هایی که از کشورهای پیشرفته در امر توریسم وجود دارد، ایران نیز باید برنامه ریزی جدی را به این امر مهم اختصاص دهد و حتی شایستگی ایجاد وزارتخانه ای را دارد. تا متولی توریسم شده، سیاستگذاری، برنامه ریزی، تبلیغات، آموزش، تهیه امکانات و ... را عهده دار شود. اشکالات و ایرادات و نارسائی هایی که در این زمینه وجود دارد،

اهم آن عبارت است از:

- ۱- وجود ویزای اجباری بین ایران و صادرکننده جهانگرد
- ۲- فراهم نبودن امکانات و تسهیلات در زمینه ورود و خروج اتباع بیگانه
- ۳- کمبود هتل و امکان مناسب برای پذیرایی
- ۴- کمبود و یا نبود آژانسهای مسافرتی داخلی منظم، توأم با برنامه.
- ۵- عدم توجه به بهسازی و برنامه ریزی نقاط و مراکزی که می تواند جاذبه های توریستی را افزون کرده و محل تفریحات سالم گردد.
- ۶- ناکافی بودن پروازهای داخلی و خارجی بطوریکه اگر یک توریست تصمیم به تهیه بلیط از تهران به شیراز بگیرد ممکن است تا ۲۰ روز آینده، امکان بودن صندلی خالی برای وی نباشد.
- ۷- کمبود امکانات و وجود مقررات دست و پاگیر در مرزهای زمینی و هوایی و برخورد نامناسب بعضی مأمورین با توریستها، جهانگردان را ازدیداری مجدد از ایران منصرف کرده، تبلیغات سوء و منفی در برخواهد داشت.
- ۸- نبودن راهنما، نقشه، بروشور به تعداد کافی، که جهانگرد و توریست را از هرگونه اطلاعاتی بی نیاز کند. در تمام کشورهای توریستی دنیا راهنمایانی هستند که آموزشهای

لازم را دیده‌اند و اطلاعات خوبی در اختیار جهانگردان قرار می‌دهند و مؤسسات حفظ و نگهداری آثار تاریخی و باستانی و دیدنی عموماً مبادرت به چاپ بروشورها و نقشه‌هایی می‌کنند، که جهانگردان را راهنمایی کند. هزینه‌هایی که معمولاً توسط یک جهانگرد انجام می‌گیرد، عبارتند از: هزینه غذا-تفریحات محل اقامت، حمل و نقل داخلی، گشتها و تورهای داخلی، پست و تلفن و تلگراف. و در کنار آن خرید هدایا و کالاهای بومی و سنتی و صنایع دستی، این هزینه‌ها را جهانگرد با ارزی که همراه آورده است، انجام می‌دهد. این کار درست شبیه آن است که ما محصولات و کالاهایمان را به خارج صادر کنیم و از این طریق درآمد ارزی کسب کنیم. در صنعت جهانگردی، ما به جای صادرات کالاهای غیرنفتی، واردات توریست انجام می‌دهیم و ارزی را که می‌خواهیم بابت صدور این کالاها به دست بیاوریم در داخل کشور از طریق خدمات و سرویسهای جهانگردی و انجام امور دیگر به دست می‌آوریم. به این جریان اقتصادی صادرات نامریی گفته می‌شود. اکنون بسیاری از هنرمندان و سازندگان صنایع دستی، شغل خود را به دلیل رکود و کساد تغییر داده و یا بیکارند. آنهایی هم که تا کنون مقاومت کرده‌اند، با دیونی سنگین، همراه با بهره‌هایی با نرخ بالا دست به گریبانند. هنر قلمزنی- میناتور- خاتم- قلمکار- قالیبافی و غیره، در دنیا، واقعاً بی‌نظیر، و خریداران و طالبان

فراوان دارد. که همه از برکت و رونق صنعت توریسم، مجدداً رونق گذشته خود را بازی یابد. باید کاستی‌ها را به گردن بگیریم. گاه در بعضی از شهرها مسافران داخلی و خارجی با درهای بسته اماکن تاریخی روبرو می‌شوند. تابلو راهنما و شناسنامه درستی از آنها در دست نیست. در مبادی ورودی کشور هنوز اثری از جزوه و اطلاعات لازم و نقشه راهها و شهرها و مکانهای جذاب دیده نمی‌شود. نگاهی گذرا به وضعیت توریستی و جهانگردی دو کشور مالزی و سنگاپور و اهمیتی که این دو کشور به این صنعت قائلند و رقابتی که در این رابطه بین آن دو، چه می‌گوییم، بین کلیه کشورهای جهان برای جلب و جذب توریست و جهانگرد وجود دارد، بخاطر رونق بیش از پیش اقتصادشان صورت می‌گیرد. مالزی وزارتخانه مستقلی را به این امر اختصاص داده، که یکی از وظایفش چاپ، تهیه و توزیع بروشور، نقشه و راهنما است. که به معرفی کلیه اماکن و نقاط، اعم از موزه‌ها سواحل، جزایر، معابد، بزرگراهها، مساجد و غیره پرداخته است. هماهنگی لازم جهت پیشبرد امر توریسم در کلیه ارگانهای زیربط وجود دارد.

در سنگاپور همه چیز برای توریست

در سنگاپور وظیفه شناسی و برخورد محترمانه همراه با لبخند کارکنان گمرگ گذرنامه، حمل و نقل زمینی و راه آهن

مأموران و راهنمایان مراکز مورد بازدید، از جمله نقاط مثبتی است که توریست در اولین برخورد شاهد آن است^۱. هتل های فراوان و مدرن با کلیه تجهیزات و خدمات، سرسبزی و زیبایی طبیعت، وجود فروشگاههای بزرگ ملی و فراملی، ساحل زیبا و دلپذیر، ایجاد نظم و قانون این بندر آزاد را پایگاه مناسبی برای هجوم توریست ها کرده است، در سال میلیونها توریست به این کشور گام می نهند و میلیاردها دلار، برای آن درآمد ارزی کسب می کنند. دولت سنگاپور شرایط لازم و امکانات کافی را جهت توسعه و بسط صنعت توریسم در این جزیره زیبا و استراتژیک تدارك نموده توریست در این سرزمین یا هیچ مشکل و مضيقه ای روبرو نیست.

روزانه دهها هزار توریست از سراسر جهان به سنگاپور می آیند تا تعطیلات و استراحت خود را در این جزیره بگذرانند، جزیره ای که دیدنیهای کمتر از اصفهان و دیدنیهای آن است. ولی با برنامه ریزیهای که انجام داده و جاذبه هایی که ایجاد کرده و تسهیلاتی که برای مسافرین تدارك نموده و تمهیداتی که برای جهانگردان و سیاحان فراهم کرده اند، روزانه دهها هزار توریست را از اروپا و آمریکا و نقاط دیگر دنیا به این جزیره کشانده است. در حالیکه فاصله سنگاپور تا اروپا حدود

۱. البته برخورد نا صواب با شخص من در مرز سنگاپور که قبلاً گفتیم بخاطر تبلیغات مسموم جهانی علیه انقلاب و کشور ماست.

۱۳۰۰۰ کیلومتر و تا مرکز آمریکا ۱۸۰۰۰ کیلومتر می باشد. سنگاپور فعالیتهای جلب توریست را هماهنگ و با برنامه قبلی آغاز نموده، بطوریکه قبل از همه، اقدام به ساخت هتل های معظم و ۵ ستاره بین المللی نموده است. که البته، این همه، با وامها و اعتباراتی میسر شد که کشورهای اروپایی و آمریکایی در اختیارش گذاردند. و افرادی چون آقای هیلتون را جهت سرمایه گذاری در ساخت هتل در کشورشان تشویق کردند. و هتل های بین المللی دیگری مثل (هالیدی این) که با پول سرمایه داران خارجی تأسیس شد. بطوریکه فقط در یک خیابان اصلی و خیابانهای فرعی منشعب از آن نزدیک به ۹۰ هتل وجود دارد (orchard road)

سیستم حمل و نقل زمینی که شامل: اتوبوس- مترو- تاکسی و راه آهن، و هوایی که شامل پرواز به کلیه نقاط جهان، و دریایی، بصورت تفریحی و شامل گردش در جزایر و سواحل اطراف می باشد، بسیار مجهز و مدرن و سریع و آسان و کار آمد است. هتلها و مراکز اقامتی اکثراً ۴ و ۵ ستاره و ارائه دهنده کلیه خدماتی است که یک توریست در طول مدت اقامتش به آن نیاز دارد. سنگاپور به خاطر کمی وسعت (حدود ۶۵۰ کیلومتر مربع) و محدود بودن منابع و امکانات، عمده فعالیت اقتصادی خود را مصرف جلب توریست و ارائه خدمات به آنها نموده است. و از این رهگذر، علاوه بر ایجاد اشتغال، برای

جمعیت دومیلیون و ششصد هزار نفری خود، ارز مورد نیازش را نیز حاصل می کند.

دیگر فعالیت اقتصادی که دولتمردان این جزیره روی آن حساب کلان باز کرده اند، صنعت کشتی سازی و کشتیرانی است بطوریکه یکی از مجهزترین کارگاههای تعمیر کشتی جهان در سنگاپور قرار دارد. حتی کشتی های نفتکش ایران را جهت تعمیرات و لایروبی به سنگاپور گسیل می دارند. دیگر فعالیت آن ساخت و مونتاژ وسایل برقی و الکترونیکی از جمله تلویزیون است. که امتیاز آنرا از ژاپن گرفته و در حد انبوه، به بازارهای جهانی عرضه می کند. یکی از شگردهائی که این کشور جهت پیشبرد امر اقتصاد خود بکار گرفته، حذف سود گمرکی است که روی کالاهای وارداتی انجام می دهد، و این بندر را بعنوان بندر آزاد یا (*free-port*) مشهور کرده، که از این بابت اولاً کمک و همکاری سیاسی، اقتصادی کشورهای صادرکننده کالا به سنگاپور را به دنبال خواهد داشت، ثانیاً سیل تقاضا برای خرید کالا از این بندر که به دو صورت تجاری و عمده و دیگری بصورت فروش کالا به هزاران توریستی که هر روز از این کشور دیدن می کنند می باشد. و درآمد سرانه ساکنان این کشور را در ردیف یکی از بالاترین درآمدهای سرانه جهان قرارداد (۱۰۵۲۱ دلار امریکا). قیمت کالا در سنگاپور تقریباً بین ۱۰ تا ۲۰٪ ارزان تر از همسایه شمالی آن یعنی مالزی است.

حتی بهای بنزین از این رو در مرز خروجی کشور، تابلویی توجه رانندگانی که قصد خروج از کشور و ورود به مالزی را دارند جلب می‌کند. اگر عقربه‌ای که مقدار بنزین باک را مشخص می‌کند بیش از نصف را نشان دهد. راننده خودرو ۵۰۰ دلار جریمه خواهد شد. حتی اتومبیل‌های سواری.

لحظه‌ای که این تابلو را دیدم به یاد کامیون‌های ترکیه افتادم که با تعبیه باک‌های اضافی هر کدام موقع خروج از ایران هزاران لیتر گازوئیل را با قیمت لیتري ۱۰ ریال به آن طرف مرز منتقل و به بهای هر لیتر ۱۰۰ تومان می‌فروشد.

سنگاپور بخاطر اهمیت سوق الجشی که دارد تبدیل به یکی از پایگاه‌های دریایی آمریکا شده، ناوهای هواپیما برآمریکا در سواحل و بنادر آن پهلو می‌گیرند و سیطره و حضور خود را در منطقه به نمایش می‌گذارند. کلیه جمعیت این کشور شهرنشین هستند و اصلاً روستا جهت سکونت و زراعت وجود ندارد. و تقریباً کلیه مواد غذایی مصرفی خود را از کشورهای هم‌جوار بویژه مالزی وارد می‌کند.

در فرودگاه چانگی

از جنوب شرقی کشور به شمالی‌ترین نقطه آن، یعنی مرز مالزی که مسجد النور قرار دارد باز می‌گردم. نام این منطقه مرزی (Wood-Land) وودلند می‌باشد. اسباب و اثاثیه‌ام را

جمع‌آوری نموده از مسئولین و متصدیان مدرسه و مسجد تشکر و خداحافظی می‌کنم.

با دو خط اتوبوس به فرودگاه (چانگی) می‌روم. فرودگاه در شرقی‌ترین نقطه کشور قرار دارد. چندین بزرگراه مرکز شهر را به فرودگاه متصل می‌کند. فرودگاه دارای دو ترمینال می‌باشد که ترمینال شماره ۲ آن همین دوسه سال اخیر به بهره‌برداری رسیده. کلیه پروازها خارجی است. و پرواز داخلی در کشور سنگاپور معنی و مفهومی ندارد. این فرودگاه، یکی از مدرنترین و پر رفت و آمدترین فرودگاههای جهان است.

برج کنترل پرواز در وسط محوطه و رودی به ساختمان فرودگاه قرار دارد. و مانند آبشار از اطراف ساختمان مدور آن آب سرازیر است. اتوبوسهای شهری که به مقصد فرودگاه حرکت می‌کنند. دقیقاً مسافرین خود را در طبقه زیرین سالن ترانزیت پیاده می‌کنند. بطوریکه مسافر، فقط با فشار یک دکمه وارد آسانسور و از آنجا به سالن ترانزیت وارد می‌شود. (بدون حمل و نقل بار و یا راه اضافی، و این در حالی است که اتوبوسهای شرکت واحد به مقصد فرودگاه مهرآباد، فقط مسیر میدان انقلاب به فرودگاه و بالعکس را طی می‌کنند. ایستگاه اتوبوس تا سال گذشته به یک کیلومتری ترمینال داخلی و ۳۰۰ متری ترمینال خارجی

قرار داشت. اخیراً نیز که اتوبوسهای زرد رنگ آلمانی را به فرودگاه اختصاص داده‌اند. فقط همان مسیر قبلی را طی می‌کند.

فرودگاه چانگی سنگاپور هر روز پذیرای دهها پرواز از سراسر جهان و عزیمت دهها پرواز به سراسر جهان می‌باشد. با سرعت، دقت و نظم خاص. بطوریکه یکی از مسافرین ورودی به فرودگاه تعریف می‌کرد: «از توقف هواپیما تا سوار شدن به تاکسی، فقط هشت دقیقه بطول انجامیده است.» سالن‌های بزرگ و مدرن، همراه با آکواریوم‌ها و آبشارهای زیبا مانع از خستگی و کسالت مسافران منتظر می‌شود. اتاق بزرگ و شش ضلعی در وسط سالن، مسئولیت تبدیل ارز را به عهده دارد. ۶ نفر متصدی زن، هرکدام در گوشه یکی از زوایا پشت به هم و رو به ارباب رجوع، این مسئولیت را با اخلاقی خوش و لبخندی مداوم به انجام می‌رسانند. چون آخرین لحظه وداع توریست با کشورشان است، مایلند این لحظه با شادی و سرور همراه باشد، تا این توریست خود مبلّغی باشد برای توریستهای دیگر.

هر مسافر در موقع خروج بایست مبلغ ۵ دلار سنگاپور برابر با ۳ دلار آمریکا، بعنوان عوارض فرودگاهی بپردازد، که پرداختیم.

با هواپیمای مالزی بسوی کوالالامپور (فرودگاه سوبانگ)

پرواز رأس ساعت ۴/۱۰ بعد از ظهر به مقصد کوالالامپور انجام شد. سرمهماندار به دو زبان انگلیسی و مالای به مسافرین خوش آمد گفت. طول مدت پرواز ۲۵ دقیقه اعلام گردید.

زیر پایمان همه و همه فقط جنگل است و جنگل تا رسیدن هواپیمای جمهوری اسلامی ایران و پرواز مجدد به سوی تهران می بایست، هفت ساعت در سالن ترانزیت فرودگاه سوبانگ کوالالامپور صبر کنیم. در سالن ترانزیت بقدر کافی امکانات لازم جهت پرکردن اوقات فراغت مسافرینی که بصورت ترانزیت عازم دیگر نقاط جهان هستند وجود دارد.

خرید و تماشای اجناس و کالاهای فروشگاههای لوکس که کالاهایشان را فقط به دلار آمریکامی فروشند. *free-shop* می تواند که یکی دوساعت از وقت مسافرین را به خود اختصاص دهد. اگر کسی اهل مطالعه کتاب و روزنامه باشد، انواع نشریات برای این دسته از مسافرین تهیه و تدارك شده است. کم کم سرو کله جت بوئینگ ۷۴۷ هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران از پشت شیشه های سالن نمایان

می شود. که حدود ۵۰۰ نفر توریست و عاشق دیدار از این منطقه را با خود آورده است. آخرین بقایای پولهای مسکوک و اسکناسهای کشور مالزی را که هنوز در جیب دارم تبدیل می کنم.

به دلیل محدودیتی که برای وزن بار مسافرت در نظر گرفته شده، تقریباً همه مسافرتین اثاثیه سنگین خود را بصورت همراه به داخل هواپیمای برند، که این با عرف بین الملل و مقررات هوایی مغایرت دارد. لذا رئیس دفتر هواپیمایی ایران مستقر در کوالالامپور با حضور خود، مانع از همراه بردن اثاثیه اضافی به داخل هواپیما شد. و کلیه وسایل را به قسمت بار گسیل داد. کم کم، فضاهای ایران شد، نه فضای جغرافیایی که فضای حاکم بر فرودگاه سوبانگ. بدون استفاده از پلکان، از طریق راهروهای خرطومی شکل وارد هواپیما شدیم و نوای ملکوتی و دلنشین:

کجائید ای شهیدان خدایی

بلا جویان دشت کربلایی

کجائید ای پرستوهای عاشق

پرنده تر ز مرغان هوایی

گوشها را نوازش داد. و در همان حال و هوا، جاری شدن قطراتی اشک از گونه. ساعت ۳ بامداد بوقت تهران. درجه حرارت هوای تهران ۳ درجه سانتیگراد زیر صفر.

ای عقل که وامانده صدها رازی
تا چند به چون و چند می پردازی؟
یاران، سفر عشق به پایان بردند
تو مردنه ای هنوز در آغازی^۱

بخش سوم

تصاویر



ساختمان عبدالصمد در مالزی



تصویری از کوالالامپور پایتخت مالزی
با نشانهایی آشکار از معماری اسلامی





نمونه دیگری از معماری اسلامی در مالزی



زنان مالزیائی در حال برگزاری
نماز جماعت در یکی از مساجد محلی



مردان و زنان مالزیائی در حال
عزیمت به مسجد برای اقامه نماز با لباسهای ویژه



مردان مالزیائی در حال برگزاری نماز جماعت در مسجد



نویسنده سفرنامه در یکی از خیابانهای سنگاپور



نویسنده سفرنامه در کنار میزبانان
مسلمان و مهمان نواز مالزیائی خود



معبد و بتخانه هندوها در مالزی که در یک غار مخوف در دل کوه
قرار دارد و پله های عریض و طویل آن را با عالم خارج مرتبط می سازد



نمونه‌ای از مراسم ریاضت و عبادت هندوها در سنگاپور و مالزی

کتاب منتشر شده از انتشارات شکوری

- ۱- عقائد الامامیة عربی
- الله يتجلّى فی عصر العلم عربی
- ۳- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد عربی
- ۴- مختصر الدّسوقی علی مختصر المعانی عربی
- ۵- شرح نهاية الحکمة فارسی
- ۶- درسهایی از نهج البلاغه فارسی
- ۷- موازین قضائی از دیدگاه امام خمینی (ره) فارسی
- ۸- ارزش تاریخ در نهج البلاغه فارسی
- ۹- وظایف اخلاقی معلّم و شاگرد فارسی
- ۱۰- تولى و تبرى فارسی
- ۱۱- ترکیب آیات قرآن فارسی
- ۱۲- اوقات فراغت فارسی
- ۱۳- صیغ العقود والایقاعات فارسی
- ۱۴- روزهایی در سرزمین آب و آفتاب (کتاب حاضر) فارسی